



"مجبور به فرار شدم"

حبس نمودن زنان و دختران به اتهام ارتکاب "جرایم اخلاقی".

HUMAN
RIGHTS
WATCH



دیده بان حقوق بشر

«مجبور به فرار شدم»

حبس نمودن زنان و دختران به اتهام ارتکاب «جرائم اخلاقی»

حق نشر 2013 - دیده بان حقوق بشر

تمام حقوق محفوظ است

انتشار در ایالات متحده امریکا

ISBN: 978-1-623130-077

طرح روی جلد توسط: را فایل جی مینیز

دیده بان حقوق بشر به دفاع از حقوق انسان ها در سراسر جهان متعهد است و تلاش می کند که با جلوگیری از تبعیض و دفاع از آزادی های سیاسی یکجا با قربانیان و فعالان حقوق بشر از مردم در برابر رفتار های غیر انسانی در زمان جنگ حفاظت کند و مجرمین را به پنجه عدالت بسپارد. دیده بان حقوق بشر با بررسی و افشاء موارد نقض حقوق بشر مسببین آن را پاسخگو می داند و دولت ها و قدرتمندان را به چالش می کشد که به اعمال تبعیض گرایانه خود خاتمه داده و قانون بین المللی حقوق بشر را محترم بشمارند. ما از مردم و جامعه جهانی می خواهیم از اساسات حقوق بشر برای همگان پشتیبانی کنند.

دیده بان حقوق بشر یک سازمان بین المللی است که در بیش از چهل کشور فعالیت داشته و دفاتر آن در آمستردام، بیروت، برلین، بروکسل، شیکاگو، ژنیو، گوما، یوهانسبورگ، لندن، لوس آنجلس، ماسکو، نایروبی، نیویورک، پاریس، سانفرانسیسکو، توکیو، تورنتو، تونس، واشنگتن دی سی و زوریخ باز می باشد. لطفا جهت کسب اطلاعات بیشتر از وبسایت ما: www.hrw.org بازدید کنید.



دیده بان حقوق بشر «مجبور به فرار شدم»

i.....	فهرست اختصارات و اصطلاحات
1.....	خلاصه گزارش
7.....	پیشنهادهای کلیدی
9.....	روش تحقیق
13.....	I. حقوق زنان بعد از سقوط حکومت طالبان
16.....	خشنونت علیه زنان و دختران
16.....	گسترده‌ی ازدواج‌های زیرسن (قانونی) و اجباری
18.....	کاربرد های سنتی بد و بدل
20.....	II. جرایم «فرار از منزل» و زنا
20.....	«فرار از منزل»
21.....	زنا
24.....	III. مطالعه موردی «فرار از منزل» و زنا
26.....	دستگیری و زندان زنان به دلیل «فرار از منزل»
31.....	زنانی که به تعقیب ازدواج اجباری به دلیل «فرار از منزل» زندانی و دستگیر شده اند
31.....	زنانی که به خاطر جلوگیری از ازدواج های اجباری قریب الوقوع به دلیل «فرار از منزل» حبس و یا دستگیر گردیده اند
38.....	زنانی که به جرم زنا حبس و یا دستگیر گردیده‌اند
42.....	زنانی که به دنبال ازدواج های زیرسن به جرم زنا حبس و یا دستگیر گردیده‌اند
42.....	زنان قربانی تجاوز جنسی که به اتهام زنا حبس و یا دستگیر شده اند
45.....	زنانی که پس از اختطاف به اتهام جرم زنا دستگیر و یا زندانی گردیده اند
52.....	زنان و دخترانی که پس از مجبور شدن به فحشاء به اتهام جرم زنا بازداشت و یا زندانی گردیده‌اند
53.....	
57.....	IV. بی عدالتی در هر مرحله: نقش قضات، خائنان و موظفین پولیس
58.....	قضات
59.....	خائنان و موظفین پولیس
61.....	ادارات رسیدگی به مشکلات خانوادگی و مامورین پولیس زن
64.....	فساد و جرایم اخلاقی
64.....	کوتاهی در امر تحقیق و تعقیب قضایای خشنونت علیه زنان
66.....	توسعه نقش کارمندان اجتماعی

67 «اعترافات»
68 عفو و یا تخفیف مجازات توسط رئیس جمهور
69 خانه های امن (شیلترها): مساعدت برای بعضی از آسیب دیدگان
70 خطرات پس از رهایی
71 وکلای مدافع
72 همکاری وزارت امور زنان
72 کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
73 ازدواج، طلاق و حضانت اطفال

76..... قوانین مرتبط در نظام حقوقی افغانستان و حقوق بین الملل

76 قانون اساسی افغانستان
77 جرایم زنا و «فرار از منزل»
79 قانون منع خشونت علیه زنان (EVAW – Law on the Elimination of Violence against Women)
80 تعهدات افغانستان بر اساس قوانین و معاهدات بین المللی
 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی
81 (ICCPR - International Covenant on Civil and Political Rights)
 کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان
82 (CEDAW - Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women)
 میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
83 (ICESR – International Covenant on Economic, Social, and Cultural Rights)
84 کنوانسیون حقوق اطفال (CCR – Convention on the Rights of the Child)

86 پیشنهادات

86 به رئیس جمهور افغانستان
86 به ستره محکمه
87 به لوی څارنوالی
88 به وزارت امور داخله
88 به وزارت امور زنان
89 به وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین
89 به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
89 به انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان
90 به سازمان ملل متحد و دونه های بین المللی

91 اظهار سپاس و امتنان

فهرست اختصارات و اصطلاحات

لوی څارنوالی: لوی څارنوالی (دادستانی کل) جمهوری اسلامی افغانستان، ارگان مسئول جهت تعقیب جرایم می باشد.

کمیسیون حقوق بشر: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، یکی از ارگان های مستقل دولتی است که مسئولیت نظارت و حمایت از حقوق بشر را در افغانستان به عهده دارد.

بد دادن: یکی از رسوم و عنعنات قبیله‌ای در بخش های از افغانستان است که در آن دختر یک فامیل به نام ازدواج به فامیل دیگر داده می شود تا منازعات موجود میان هردو فامیل مرفوع گردد.

بدل: تبادل دختران میان دو خانواده به منظور ازدواج.

بادام باغ: بزرگترین محبس زنانه افغانستان که در کابل موقعیت دارد.

سیداو: کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان.

قانون مدنی: قانون مدنی افغانستان که حاوی احکام قانونی مربوط به طلاق و حضانت اطفال می باشد.

ریاست محابیس: ریاست عمومی محابیس، ارگان مسئول جهت تنظیم امور محبوسین بزرگسال.

سی آر سی: کنوانسیون حقوق اطفال.

دو وا: ریاست امور زنان، ریاست های ولایتی وزارت امور زنان.

فرار از منزل: به وضعیتی گفته می شود که در آن زنان و یا دختران بدون اجازه شوهران و یا اقارب مرد خویش خانه های شان را ترک نموده و فرار می کنند. این عمل به موجب ماده 130 قانون اساسی افغانستان جرم شمرده می شود.

قانون منع خشونت علیه زنان: قانونی است که توسط فرمان تقنینی ریاست جمهوری در سال 2009 میلادی به منظور مبارزه با خشونت علیه زنان توشیح گردید.

اف آر یو: اداره رسیدگی به مشکلات فامیلی، واحدهای که در چوکات پولیس به منظور فراهم سازی کمک های اختصاصی برای زنان ایجاد شده است.

حنفی: فقه حنفی.

آی سی پی سی: قانون اجراءات جزایی موقت افغانستان.

آی سی سی پی آر: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.

جرگه: مجالس عنعنوی در افغانستان است که در آن بزرگان محل دور هم جمع می شوند تا مشکلات محلی را در کنار سایر موضوعات حل و فصل نمایند.

قانون رسیدگی به تخلفات اطفال: قانون رسیدگی به تخلفات اطفال افغانستان.

مراکز اصلاح و تربیت اطفال: مراکز ایجاد شده جهت نگهداری اطفال متخلف.

محرم: شخصی که از لحاظ شرعی حق دارد زن را همراهی کند.

وزارت امور داخله: یکی از مسئولیت های این وزارت توظیف موظفین پولیس و نظارت بر فعالیت های آنان می باشد.

وزارت کار و امور اجتماعی، شهداء و معلومعلولین: بخشی از مسئولیت های این وزارت ارزیابی نمودن امور اجتماعی و شرایط کار در قضایای مربوط به اطفال متخلف می باشد.

وزارت امور زنان: بخشی از مسئولیت های این وزارت نظارت بر فعالیت های خانه های امن «شیلترها» و فراهم کردن مساعدت های لازم برای خانم های است که بر اثر خشونت های فامیلی از منازل شان فرار می کنند.

خارنوال: (دادستان) فردی که از لحاظ قانونی موظف است تا قضایای جزایی را تعقیب کند.

شورا: جمع شدن بزرگان محلی به شکل سنتی جهت تامین مقاصد مختلف از جمله حل و فصل منازعات محلی.

یوناما: ماموریت سازمان ملل متحد در افغانستان.

ازدواج زیر سن: بر اساس حقوق بین الملل، ازدواج زیر سن به ازدواج های گفته می شود که قبل از تکمیل نمودن سن 18 سالگی صورت گرفته باشد. در افغانستان منظور از ازدواج زیر سن ازدواج های است که قبل از تکمیل سن قانونی - 16 سال برای دختران (و یا 15 سال با اجازه پدر و یا محکمه باصلاحیت) و 18 سال برای پسران - صورت گرفته باشد.

یوان او دی سی: اداره مبارزه بامواد مخدروجرایم سازمان ملل متحد.

اداره سازمان ملل متحد برای زنان: اداره سازمان ملل متحد که در قسمت عدالت جندر (جنسیتی) و توانمندسازی زنان فعالیت می کند.

زنا: داشتن روابط جنسی بدون عقد ازدواج.

خلاصه گزارش

من فقط طلاق میخوام. نمی توانم به خانه پدرم برگردم؛ او مرا خواهد کشت. تمام اعضای فامیل مرا طرد کرده اند.

— عایشه اچ 20 ساله که به جرم "فرار از منزل" به سه سال حبس محکوم گردیده است. جرم عایشه این است که جهت رهایی از خشونت های فیزیکی مردی که پدر عایشه دختر اش را وادار کرده بود تا با این مرد به صفت زن دوم اش ازدواج کند، فرار کرده است.

حکومت باید بداند که دختران مانند من بیگناه هستند. حکومت نمی بیند که ما اطفال هستیم و قلب های ما در این محیط خیلی باهم نزدیک شده است.

— گل پری ام 16 ساله که به جرم ارتکاب زنا پس از اینکه در روز عروسی اش اختطاف گردید، توقیف شده است.

امیدوارم که بتوانید به این زنان کمک کنید. قضایای "فرار از منزل" باید توسط متنفذین محلی حل و فصل گردد، نه در محابس. حتی در قضایای پیچیده تر حکومت میتواند چیزهای بهتری را انجام دهد، مانند نگهداری زنان در خانه های امن و یا فراهم ساختن زمینه های کاریابی برای آنان...

— آمر محبس زنان (برای اینکه هویت اش فاش نگردد، از ذکر نام اش خود داری میگردد).

هما ک صرفاً 12 سال داشت زمانی که مجبور شد با مردی ازدواج کند که 10 سال از وی بزرگتر بود. شوهر هما علاوه بر معتاد بودن به مواد مخدر، شراب هم مینوشید و در ضمن اینکه هما و دو دختر اش را همیشه مورد لطمه و کوب قرار میداد، از تامین مخارج خانواده هم عاجز بود. یک روز در سال 2009 میلادی شوهر هما یکی از دختران اش را آنقدر لطمه و کوب نمود که دندان هایش شکست. هما و دختران اش به کمک پدر کلان و پسر کاکایش به ولایتی دیگری فرار نمود. پس از حدود یکسال زندگی مخفیانه در بخشی دیگری افغانستان، هما به جای رفتن که والدین اش در نزدیک آن محل زندگی میکردند. ولی پس از چند ماه موظفین عدلی و قضایی وی را به اتهام ارتکاب "جرائم اخلاقی" با "فرار نمودن از منزل" و جرم "زنا" (روابط جنسی خارج از ازدواج) دستگیر نمودند. شوهر هما وی را متهم کرده بود که با پسر کاکایش (شخصی که به هما کمک کرده بود تا فرار کند)، روابط جنسی داشته است. در نهایت، هما به هفت سال حبس محکوم گردیده و اکنون همراه اطفال خویش دوران حبس را سپری میکند. در حال حاضر هما 22 سال دارد.

پس از سقوط حکومت طالبان در سال 2001 میلادی تاکنون، پیشرفت های زیادی در بخش حقوق زنان و دختران در افغانستان رونما گردیده است. در بخش های این مملکت که تحت کنترل دولت میباشد، محدودیت های شدیدی وضع شده بر دسترسی زنان به فرصت های آموزشی، کار و مراقبت های صحی برداشته شده است. تعدادی زیادی از زنان در پست های دولتی ایفای وظیفه نموده، در انتخابات اشتراک کرده و دو باره در ابعاد مختلف جامعه افغانستان حضور یافته اند. در سال 2004 میلادی قانون اساسی جدید افغانستان تصویب شد که این قانون حقوق برابر زنان را تضمین میکند. و همچنین در سال 2009 میلادی قانون منع خشونت علیه زن ازدواج های زیرسن، ازدواج های اجباری، خشونت های فامیلی، تجاوز جنسی، مجبور نمودن به فحشاء و سایر اعمال خشن علیه زنان را ممنوع قرار داده و برای مرتکبین آن مجازات جدیدی را تعیین نمود.

رئیس جمهور حامد کرزی نیز تا حدودی جهت حمایت از حقوق زنان تلاش نموده است. که این تلاشها افزایش میزان عفو و تخفیف مجازات زنان و دختران محبوس به اتهام ارتکاب "جرایم اخلاقی" که هم به ابتکار شخص رئیس جمهور و هم به تقاضای گروپ های جامعه مدنی صورت گرفته است، را در بر می گیرد. رئیس جمهور در آخرین فرمان خویش مبنی بر عفو محبوسین و محجوزین که به تاریخ 8 مارچ 2012 صادر گردید، دستور داد تا "زنان ... که به جرم فرار نمودن از منازل والدین به منظور ازدواج با اشخاص مطلوب شان محکوم به حبس گردیده اند و یا زنانیکه از منزل فرار نموده و با افراد مورد نظرشان ازدواج کرده اند، بدون قید و شرط رها گردند."

ولی این تغییرات واقعیت های تاریکتری را در عقب خویش پنهان میکند که زنان افغان با آن مواجه اند. جاییکه تبعیض عمومیت داشته و خشونت های وحشتناکی مانند ازدواج های اجباری و زیرسن و خشونت های فامیلی تجربه شده توسط هما به ندرت مورد تعقیب عدلی قرار میگیرند. زنان که از خشونت های تحمیلی فرار میکنند به جای دریافت کمک از موظفین پولیس، نهادهای عدلی و قضایی و همچنین مقامات دولتی غالباً با بی توجهی و استهزاء این مقامات مواجه شده و به جرم ارتکاب "جرایم اخلاقی" مجازات میگردند.

این گزارش بر اساس 58 مصاحبه با زنان و دختران افغان در سه محبس زنانه و سه مرکز اصلاح و تربیت اطفال و همچنین با فعالین جامعه مدنی، مسئولین محابس، خارنوالان، مقامات دولتی، مسئولین خانه های امن، فعالین حقوق زن، مشاورین حکومتی و متخصصین حقوقی و امور زنان تهیه گردیده است. این گزارش روی مشکلات زنان و دختران که متهم به ارتکاب جرایم "فرار از منزل" و "زنا" شده اند، تمرکز دارد. عمل زنا که در قوانین افغانستان جرم زنا انگاشته شده است در تضاد با تعهدات حقوقی بین المللی این کشور قرار می گیرد. قضایای جزایی غالباً بر اساس شواهد و مدارک غیر موثق بررسی گردیده، بر اساس اعترافات فاقد اعتبار قانونی توسط محاکم فیصله گردیده و اکثراً منجر به حبس های طویل المدت برای زنان و دختران میگردد. این گزارش تعداد بیشتر از سی قضیه را که در آن زنان به اتهام ارتکاب "جرایم" فوق الذکر مجازات گردیده اند، مورد توجه قرار داده و نقش منفی موظفین پولیس، خارنوالان و قضات در مجازات نمودن زنان و دختران که به نظر آنان مرتکب همچون جرایم شده اند، را مورد بررسی قرار میدهد.

با بررسی قضایای متذکره، گزارش هذا موجودیت یک نوع بی عدالتی مضاعف را در نظام عدلی و قضایی افغانستان بر ملا میسازد. این بی عدالتی مضاعف عبارت است از تطبیق جدی مجازات وضع شده بر "جرایم اخلاقی" ای که تعریف مشخصی از آنها ارایه نشده است و بر عکس تطبیق ضعیف قانون منع خشونت علیه زن. این در حالی است که زنان و دختران که از خشونت ها فرار میکنند اکثراً محکوم به حبس میگردند و لی مردان که مسبب خشونت های فامیلی و ازدواج های اجباری بوده و باعث فراری ساختن زنان و دختران میگردند، تقریباً همیشه از تعقیب عدلی معافیت حاصل میکنند.

مشکلات زیادی در راستای تحقق حقوق زنان و دختران در افغانستان وجود دارد. گزارش های قبلی دیده بان حقوق بشر تعدادی از این مشکلات به شمول حملات طالبان بر زنان و دختران، محدودیت های شدید وضع شده نسبت به آموزش زنان، خشونت های جنسی، ازدواج های اجباری و ازدواج اطفال، عدم دسترسی زنان به نهادهای عدلی و قضایی، کشته شدن زنان دارای وجهه اجتماعی و مشکلات موجود در قبال کار زنان را بررسی نموده است. این راپور مخصوصاً روی جرم زاشدن "جرایم اخلاقی" تمرکز دارد. چونکه جرایم متذکره مثال های بارز سوء رفتارها و تبعیض های اعمال شده علیه زنان و دختران در قوانین و عملکردها میباشد. ما باور داریم که جرایم اخلاقی از جمله موضوعات است که آوردن اصلاحات جدی ای که بتوانند زندگی زنان و دختران افغان را بهبود بخشد، نسبت به این جرایم حتی در شرایط دشوار کنونی امکان پذیر است.

در حالیکه احصائیه های دقیق در مورد تعداد زنان و دختران محبوس وجود ندارد و یا اگر موجود است در دسترس عموم قرار نمی گیرند، دیده بان حقوق بشر بر اساس تحقیقات و کارهای قبلی این سازمان که در اواخر سال 2011 میلادی در سه محبس انجام داده است، تخمین میکند که در جنوری 2012 تعداد تقریبی 400 زن و دختر در افغانستان به اتهام ارتکاب "جرایم اخلاقی" زندانی گردیده اند. که این تعداد تقریباً نصف زنان (بزرگ سال) زندانی در محابس افغانستان و تمام اطفال دختر تحت توقیف در مراکز اصلاح و تربیت اطفال را تشکیل میدهد.

خشونت های اعمال شده علیه زنان و دختران متهم به ارتکاب "جرایم اخلاقی" نه تنها بالای صدها زن و دختر که بطور سالانه دستگیر میشوند تأثیرات منفی میگذارد بلکه این پدیده بالای تمام زنان و دختران افغان متضرر از ازدواج های اجباری و زیرسن، خشونت های فامیلی، و یاسایر خشونت ها اثرات مخربی برجای خواهد گذاشت. حبس نمودن زنان و دختران فراری از خشونت های تحمیلی پیام روشنی را برای دیگران ارسال میکند و آن اینکه: کوشش نکنید تا از زندگی مخاطره آمیز فامیلی تان فرار کرده و یا خواهان کمک از خارج فامیل گردید؛ چونکه اگر شما دنبال حمایت های قانونی و تامین عدالت بروید، ممکن است به عوض دریافت کمک، مجازات گردید.

. . .

زنان افغان – مخصوصاً زنانیکه خارج از شهرهای عمده زندگی میکنند – مجبور اند تا طبق قواعد و مقررات سختگیرانه تدوین نشده به زندگی شان ادامه دهند. این زنان مجبور اند هنگام مسافرت به فاصله های دور تر و یا رفتن از یک قریه به قریه دیگر و یا از قریه به شهرها محرم شرعی خویش را که همانا یکی از خویشاوندان مذکر و یا شوهرشان میباشد، باخود داشته باشند. در غیر آن به صفت یک زن "بی حیا و بداخلاق" در میان مردم محل معرفی خواهند شد. در این مناطق با اینکه امکانات آموزشی به مراتب بهتر در مقایسه با زمان طالبان برای زنان فراهم شده است ولی هنوز تعدادی نصف از دختران به مکاتب نمیروند. این در حالی است که در فاصله هر دو ساعت یک زن و یا دختر افغان نسبت به مشکلات و امراض مربوط به حاملگی جان خویش را از دست میدهد. بخشی از این مرگ و میرها به این خاطر است که دختران مجبور اند به مجرد بالغ شدن ازدواج نموده و پیش از آنکه بدن آنها به حدکافی رشد کند، طفل به دنیا می آورد.

زنان افغان از لحاظ سواد، فقر و امید به زندگی در بدترین و پایین ترین سطح نسبت به زنان در سایرکشورها قرار دارند. اکثر زنان و دختران که هنگام تهیه این گزارش با آنان مصاحبه صورت گرفته است، گفته اند که در زندگی شان مشکلات فراوانی را تحمل کرده اند. به شمول رنج بردن از محیط زندگی خشونت آمیز و ازدواج های اجباری (اکثراً در سنین پایین با مردان بزرگ سال) که این عوامل اکثراً باعث فرار آنان از منزل و در نهایت دستگیری شان توسط موظفین ارگانهای عدلی گردیده اند.

زمانیکه زنان و دختران تصمیم میگیرند که جهت رهایی از پیوندها و روابط خشونت آمیز و تحمیلی فرارکنند، والدین خشمگین، برادران، نامزادان و شوهران شان به شکل دوامدار این زنان را تعقیب نموده و آنان را متهم به ارتکاب جرایم فرار از منزل و یا زنا میکنند. اعضای مذکر فامیل با داشتن اطمینان از اینکه رفتارهای جرمی شان مورد غور و بررسی قرار نخواهند گرفت، به آسانی از همچون اتهامات به عنوان حربه استفاده میکنند. آنان با همکاری مقامات ذیربط دولتی که ادعاهای شانرا به آسانی و بدون کدام تحقیق قبول میکنند، میتوانند زنان را متهم به زنا نمایند. چون میدانند که این زنان به احتمال زیاد به مجرد ادعای آنان دستگیر خواهند شد. زمانیکه اتهام وارد گردد، زنان اغلباً به ناحق تحت معاینات طب عدلی قرار گرفته و به حیثیت و اعتبارشان شدیداً لطمه وارد میگردد. حتی اگر اتهامات وارده هیچگاهی ثابت هم نگردد. حتی محض تهدید به متهم ساختن نیز میتواند حربه ای باشد که از آن جهت کنترل نمودن زنان استفاده صورت گرفته و جرایم تحمیل شده بر آنان به شمول ازدواج های اجباری و زیرسن، تجاوز جنسی و مجبور نمودن به فحشاء از این طریق پوشیده نگه داشته شده و یا توجیه گردد.

باید خاطرنشان ساخت که زنان و دختران همیشه بدون یاور و یا هم همکار نمی باشند. گاهی بعضی از اعضای خانواده مانند پدر کلان هما، پیشنهاد رفتن به خانه های امن و یا حمایت از آنان را میکند و گاهی هم بعضی از مقامات افغان شجاعانه از زنان دفاع میکنند. با کمک مالی دونه ها و حمایت های دولت تعداد معدودی خانه های امن تقریباً در نصف از قلمرو افغانستان ایجاد گردیده است. این خانه ها حمایت های لازم را برای زنانیکه از خشونت ها و ازدواج های اجباری فرار میکنند، فراهم میسازند.

به هر حال، تدابیر اتخاذ شده ای از این قبیل از چند لحاظ ناقص بوده و کافی نیست. زنان و دختران اکثراً از موجودیت همچون خانه های امن اطلاع ندارند؛ تعداد این خانه خیلی کم بوده و نمیتواند از زنان متهم به ارتکاب جرایم حمایت کنند. بر علاوه، تبعیض به شکل حاد آن در برابر زنان و دختران در هر مرحله رسیدگی قضایی اعمال میگردد. تعدادی زیادی از مقامات دولتی نورمهای تدوین نشده اجتماعی را به جای حمایت از زنان متضرر از خشونت تطبیق میکنند. اغلباً موظفین پولیس نیز از پدران و شوهران اطاعت میکنند. مثل قضیه هما. در همچون قضایا پدران و شوهران با پولیس تماس گرفته از آنان میخواهند تا زنان و دختران فراری شانرا دستگیر کنند. به ظن پولیس اگر یک مرد از زن اش شکایت کند و یا زن بدون اجازه شوهر خارج از خانه باشد، این زن بی حیا و بداخلاق میباشد. درب عضی قضایای ادعا شده ای "جرایم اخلاقی" پولیس زنان و دختران را که به خانه های امن پناه برده اند، دستگیر کرده است.

پس از دستگیری زنان، پولیس معمولاً اظهارات آنان را در یک فضای تهدید آمیز و بدون حضور وکیل مدافع و یا حتی یکی از دوستان زن دستگیر شده اخذ میکند. به زنان و دختران گفته میشود که اعترافات را شصت نمایند که آنان قادر به خواندن آن نبوده و کسی آنرا برای این زنان و دختران قرائت هم نکرده است. این "اعترافات" اغلباً تنها شواهد و دلایلی است که به محکمه ارایه شده و معمولاً منجر به محکومیت ها و حبس های طولانی مدت برای زنان میگردد.

به استثنای مواردی خیلی محدود، اغلب اوقات خائروالان و موظفین پولیس از انجام تحقیق در مورد ادعای زنان مبنی بر اینکه آنان جهت رهایی از خشونت از منزل فرار کرده اند، اجتناب مینمایند. قضات فیصله های شانرا بر اساس شواهد و معلومات بی ربط مانند شکایت کتبی شوهر از زن خویش که در آن شوهر ادعا میکند که زن اش از وی اطاعت نمی کند و باید مجازات گردد- بدون ارایه کدام شواهد و دلایل حقوقی، صادر میکنند.

در جریان تحقیقات خویش، ما هیچ شواهدی را دریافت نکردیم که کسی در پروسه عدلی و قضایی به شکل معقول پرسیده باشد که آیا زنان که به اتهام داشتن روابط جنسی غیرمشروع محاکمه میگردند، عمل جنسی را با رضایت انجام داده اند و یا مورد تجاوز قرار گرفته اند. به عنوان مثال، در یکی از دوسیه های محاکم که دیده بان حقوق بشر آنرا مرور نمود، خانم تهمینه ج 18 ساله ادعا میکند که وی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است. به عوض تعقیب و تحقیق در مورد ادعای تهمینه، فیصله صادره محکمه اخطار میدهد که زنان باید بدانند که خارج شدن آنان هنگام شب از منزل خطرناک بوده و یا اینکه زن متضرر نباید سر و صدا نماید تا همگی صدای او را بشنوند. محکمه نتیجه گیری میکند که دومرد تهمینه ج. را به یک تعمیر متروکه برده و مورد "تجاوز جنسی" قرار داده است ولی با آنهم تهمینه را محکوم به جرم زنا نموده دوسال و شش ماه حبس برایش صادر میکند. که هم اکنون تهمینه ج. در حال سپری نمودن دوران حبس اش میباشد.

ستره محکمه افغانستان از طریق مصوبه عمومی خویش که در آن به قضات هدایت میدهد تا با "فرار از منزل" به حیث جرم رفتار نماید در حالیکه این پدیده در قوانین وضعی افغانستان جرم انگاری نشده است، در حقیقت تبعیض علیه زنان را رسماً تایید میکند. ستره محکمه پیشنهاد میکند که زنان متضرر از خشونت بجای فرار از منزل باید به دولت شکایت کنند. ولی طوریکه این گزارش نشان میدهد، پیشنهاد ستره محکمه برای اکثر زنان و دختران غیر

مصئون و حتی غیر ممکن میباشد. چون زنان و دختران مطمئن نیستند که در صورت شکایت آنان به ارگانه‌های دولتی موظفین پولیس، ارگانه‌های عدلی و قضایی و ادارات دولتی با آنان کمک خواهند کرد. برعکس، اکثر زنان و دختران که با آنان مصاحبه کردیم، اظهارداشتند که پس از مراجعه به ارگانه‌های دولتی نه تنها با آنان کمک صورت نگرفته است بلکه وضعیت شان بدتر شده است.

زمانیکه دیده بان حقوق بشر از څارنوالان پرسید که چرا آنان زنان و دختران را به اتهام ارتکاب "جرائم اخلاقی" تحت تعقیب عدلی قرار داده ولی حتی تحقیقات ابتدایی را در مورد ادعای آنان مبنی بر اینکه آنان قربانی خشونت قرار گرفته اند، انجام نمیدهند، څارنوالان معمولاً در پاسخ به این سوال خنده میکردند. څارنوالان توضیح میدادند که زنان و دختران که به اتهام ارتکاب "جرائم اخلاقی" توقیف میگردند، دارای اخلاق ناسالم و زشت بوده و به همین خاطر برای توجیه اعمال زشت شان داستان های غیر واقعی جهت اثبات بیگناهی شان میسازند. تعدادی دیگری از څارنوالان میگفتند که خشونت های ادعا شده آنقدر شدید نبوده است تا ایجاب نماید که شوهر مجازات گردد. یکی از څارنوالان حتی در اتهامنامه خویش علیه زنی که چندین بار توسط شوهر اش لت و کوب شده و با ضربات پیچکش از ناحیه سر، سینه و بازوها جراحت برداشته و بعداً فرار کرده بود استدلال میکرد که خشونت های اعمال شده آنقدر شدید نبوده است که ایجاب مجازات نمودن شوهر را نماید.

از نظر بعضی زنان که دیده بان حقوق بشر با آنان مصاحبه نموده است، محکوم به حبس شدن بدترین عواقب متهم شدن آنان به ارتکاب "جرائم اخلاقی" نیست. تعدادی زیادی از زنان و دختران که از منزل فرار کرده اند هراس داشتند که شوهران و اعضای فامیل آنان پس از اینکه این زنان و دختران از حبس رها گردند، آنان را به دلیل بر باد دادن آبرو و حیثیت فامیل های شان به قتل خواهند رساند. این ترس و هراس با در نظر داشت میزان وقوع "قتل های ناموسی" در افغانستان قابل توجیه میباشد. خانه های امن محافظت شده که توسط تعدادی از سازمان های غیر دولتی شجاع افغانی اداره میگردند، تنها گزینه است برای تعدادی از این زنان و دختران تا زنده بمانند. ولی این خانه های امن صرف در بخش های کمتر محافظه کار این کشور وجود داشته و با تهدیدات مخالفین که به خانه های امن متذکره به چشم "فاحشه خانه" نگاه کرده و خواهان بسته شدن آن میباشند، مواجه است.

زن دیگری در مصاحبه با دیده بان حقوق بشر اظهارداشت که آنان باید میان دو چیز یکی را انتخاب کنند: زندگی با تحمل خشونت و یا زندگی بدور از اطفال شان را. تعدادی دیگری اظهار داشتند که میخواهند با فامیل های شان ملحق گردند- جاییکه خشونت ها غیر قابل اجتناب است. چون اگر برنگردند، شوهران شان اطفال خورد این زنان را به آنان مسترد نخواهند کرد.

غم انگیزتر اینکه، تعداد زیادی از زنان و دختران که با ما مصاحبه کردند خود شانرا در قبال جرائم ارتکاب یافته بر علیه آنان مقصر میدانستند. اکثر آنان به نظر میرسید که پدیده رضایت را با سرنوشت شان بی ارتباط میدانند. این پدیده نشان میدهد که تعریف قانون منع خشونت علیه زن از جرم تجاوز جنسی هنوز نیاز دارد که به آگاهی عموم رسانیده شده و یا برداشت های قبلی از تجاوز جنسی باید طبق تعریف جدید تغییر نماید. فوزیه س. حبیبیکه میخواست توضیح دهد که چگونه پس از فرار نمودن از منزل مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و زمانیکه به پولیس شکایت نموده توسط پولیس دستگیر گردیده است، میگوید: "من از تمام کارهاییکه انجام دادم (فرار کردن) احساس شرم و خجالت میکردم. من مسئول تمام وقایعی بودم که اتفاق افتاد. پدرم اینجا آمد و گفت که مرا میبخشد و من میتوانم به خانه برگردم. برایم بسیار شرم آور بود. چون من دختر او بودم. حتی نمیتوانم خودم را ببخشم."

این وضعیت توسط تغییر موضع گیریهای رئیس جمهور کززی در مورد حقوق زنان وخیم تر شده است. رئیس جمهوری که نمیکند و یا نمیتواند در مقابل جریان های محافظه کار فعال در کشور موضع گیری هماهنگ و ثابت داشته باشد، اکثراً مصلحت هایی را ترجیح داده است که بالای حقوق زنان اثرات منفی برجای گذاشته است.

که این مصلحت اندیشی ها شامل استخدام افراد محافظه کار در ستره محکمه و حمایت از تصویب قانون تبعیض آمیز احوال شخصیه اهل تشیع در سال 2009 میلادی نیز میگردد.

در ماه مارچ 2012 رئیس جمهور کرزی از مصوبه شورای علمای افغانستان رسماً حمایت کرد. در این مصوبه آمده است که مردان اصل و زنان فرع بوده و زنان باید از سفر نمودن بدون محرم شرعی اجتناب نمایند. و همچنین زنان باید از اختلاط با مردان بیگانه در عرصه های مختلف اجتماعی مانند تعلیم، تحصیل، بازار، دفاتر و سایر شئون زندگی دوری جویند. مصوبه شورای علماء به طور ضمنی میرساند که در بعضی حالات و شرایط اعمال خشونت علیه زنان قابل قبول است. حامد کرزی بعداً موضع خود را چنین بیان کرد: " شورای علمای افغانستان کدام محدودیت جدیدی را بر زنان وضع نکرده است. بلکه محدودیت های متذکره بخشی از قانون شریعت است که برای تمام مسلمانان و مردم افغانستان قابل احترام میباشد."

طوریکه ایالات متحده آمریکا و سایر ممالک دنیا آمادگی میگیرند تا حضور نظامی و سایر تعهدات شانرا در افغانستان به طور فزاینده کاهش دهند (گفته میشود که قوت های نظامی امریکا در آخر 2014 میلادی افغانستان را ترک میکنند)، این کشورها و همچنین دولت افغانستان ضرورت دارند تا توجه شانرا بالای ایجاد تهداب ها و پایه های نیرومندتری برای حمایت از حقوق زنان از نو متمرکز سازند. با گذشت ده سال از سقوط حکومت طالبان خشونت های اعمال شده علیه زنان و دختران همچنان گسترده بوده ولی میزان جبران خسارات و اعاده حقوق زنان متضرر یا اصلاً وجود ندارد و یا اگر وجود دارند خیلی محدود است. واقعاً خنده دار است وقت دیده میشود که منابع خیلی محدود عدالت جزایی افغانستان در راستای تعقیب و محکوم نمودن زنان و دختران به اتهام ارتکاب اعمالی به مصرف میرسد که اصلاً جرم نیست. در حالیکه اکثر مجرمین و ناقضین حقوق بشر و اعمال کنندگان خشونت علیه زنان و دختران به طور عموم از تعقیب عدلی معافیت حاصل میکنند.

پیشنهادهای کلیدی

دیده بان حقوق بشر از حکومت افغانستان و همکاران بین المللی آن میخواهد تا در جهت خاتمه دادن به خشونت های مورد نظر این گزارش با جدیت و قاطعیت عمل کنند.

چگونگی برخورد با زنان و دختران متهم به ارتکاب "جرائم اخلاقی" لکه تاریکی است بر چهره حکومت افغانستان پس از سقوط طالبان و همچنین حامیان بین المللی آن. چون تمام حامیان بین المللی حکومت افغانستان تعهد کرده بودند که حکومت جدید افغانستان بر خلاف حکومت طالبان، حقوق زنان را رعایت خواهند کرد. این واقعیت که با وجود 10 سال حضور فعال جامعه بین المللی در افغانستان و کمک های سرازیر شده به این کشور، هنوز پدیده خشونت علیه زنان در افغانستان از بین نرفته است نشان میدهد که حامیان بین المللی حکومت افغانستان ضرورت دارند تا حقوق زنان را به عنوان یک اولویت مهم در اجندای سیاسی و مساعدت مالی خویش با حکومت افغانستان مطرح کنند. اینکه چگونه به این مسایل رسیدگی صورت میگیرد، معیاری است که توسط آن میتوان میزان موفقیت و عدم موفقیت حکومت افغانستان و جامعه بین المللی را در سال های آتی مورد ارزیابی قرار داد.

گزارشگر خاص سازمان ملل متحد در امور مربوط به محو خشونت علیه زنان از حکومت افغانستان خواسته است تا "قوانینی (مخصوصاً قوانین و مقررات مربوط به زنا) را که اعمال کننده تبعیض علیه زنان دختران بوده و منجر به محکوم شدن آنان به حبس و مجازات های خشن، غیر انسانی و مخالف شان انسانی میگردند، ملغی سازد." ¹ کمیته سازمان ملل متحد در مورد حقوق اطفال از افغانستان خواسته است تا "تخلفات مورد نظراین کمیته را به صفت جرم به رسمیت نشناخته و اطفالی توقیف شده به اتهام ارتکاب همچون تخلفات را، رها سازد." ²

اولین اقدامات که باید توسط حکومت افغانستان و حامیان بین المللی آن در جهت حمایت بهتر از حقوق زنان و دختران در قضایای مورد نظر این گزارش، اتخاذ گردد، عبارت است از تطبیق دو اصل اساسی ذیل: (مجموعه پیشنهادات دیده بان حقوق بشر به حکومت افغانستان و حامیان بین المللی آن در آخر این گزارش تذکر یافته است).

اول اینکه، محض فرار نمودن از منزل بدون توجه به اینکه انگیزه آن رهایی از خشونت بوده است و یا کدام دلیل دیگر، نباید جرم تلقی گردد. جهت تحقق این اصل:

- ستره محکمه افغانستان باید مصوبات سالهای 2010 و 2011 میلادی را که به منظور جرم انگاری نمودن "فرار از منزل" صادر کرده بود لغو نموده و آنرا با مصوبه جدیدی که "فرار از منزل" را جرم ندانسته و این عمل را طبق ماده 130 قانون اساسی قابل مجازات نداند، جایگزین کند.
- رئیس جمهور کرزی باید یک فرمان اجرایی را مبنی بر اینکه طبق قوانین افغانستان با قضایای "فرار از منزل" نباید به حیث جرم برخورد صورت گیرد صادر نموده و خاطرنشان سازد که تمام افرادی که در حال حاضر به اتهام ارتکاب جرم "فرار از منزل" محکوم گردیده اند و یا در آینده محکوم خواهند شد، مورد عفو قرار خواهند گرفت.
- دونهای بین المللی باید تنفیذ قانون منع خشونت علیه زن، جلوگیری از تعقیب عدلی قضایای "فرار از منزل"، تعدیل قوانین و مقررات حاکم بر زنا و موضوعات فامیلی و تعدیل و اصلاح سایر قوانین اعمال

¹ راپور گزارشگر خاص کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد راجع به خشونت های اعمال شده علیه زنان، علل و عواقب آن. این راپور در مورد وضعیت زندگی زنان و دختران در افغانستان به نشر رسیده است. اسناد سازمان ملل، الف/421/58، 6 اکتوبر 2003 میلادی.

² کمیته حقوق طفل، نتیجه گیری تبصره های مربوط به افغانستان، CRC/C/AFG/CO/1، 4 اکتوبر 2011، پاراگراف 75(ج).

کننده تبعیض علیه زنان را به عنوان مسایل کلیدی در مذاکرات و همکاریهای سیاسی شان با حکومت افغانستان مطرح کنند.

دوم اینکه، زنان و دختران متضرر از ازدواج های اجباری، خشونت های فامیلی، سوء استفاده های جنسی و سایر جرایم باید به شکل بهتری مورد حمایت قرار گرفته و مرتکبین این نوع جرایم به شکل سیستماتیک تری تحت تعقیب عدلی قرار گیرند. جهت تحقق این اصل:

- اداره لوی څارنوالی افغانستان باید رهنمودهای لازم را برای څارنوالان صادر نموده و به آنان وظیفه دهد تا تمام ادعاهای جرمی ارتکاب یافته علیه زنان به موجب قانون منع خشونت علیه زن و سایر قوانین را رسماً تحقیق نموده و اتهامات را به شکل قرارهای صادره همراه با اسناد و دلایل الزام وارد نماید. و همچنین څارنوالان را موظف سازد تا قضایا را کاملاً تحقیق نموده و مشخص کنند که زنان متهم به ارتکاب جرایم اخلاقی جهت رهایی از خشونت فرار کرده اند و یا به دلایل دیگر.
- وزارت امور داخله باید به موظفین پولیس آموزش دهد که آنان مکلف اند تا تمام معلومات مربوط به تمام قضایای خشونت و یا سایر جرایم احتمالی به موجب قانون منع علیه زنان را فوراً به څارنوالان مربوطه راپور دهند.

کشورهای دوتر بین المللی باید حمایت های اثبات، قابل پیش بینی و درازمدت را برای "خانه های امن" به شمول توسعه و ارتقای ظرفیت سیستم خانه های امن کنونی و ایجاد خانه های امن "باز"، ایجاد خانه های مصئون برای زنان که از حبس رها میگردند و حمایت های درازمدت از زنان که به طور دایم قادر به بازگشت به فامیل های شان نمی باشند، فراهم سازد.

روش تحقیق

در ماه اکتبر و نوامبر 2011، دیده بان حقوق بشر با 58 زن و دختر که به اتهام ارتکاب جرایم اخلاقی در محابس و مراکز اصلاح و تربیه اطفال افغانستان زندانی بودند مصاحبه کرد که 34 تن آنان زن و 24 نفر دیگر شان دختر بودند. مصاحبه ها به زبان مادری (دری و پشتو) مصاحبه شونده گان توسط مصاحبه کننده ای زن و با همکاری یک مترجم زن صورت گرفت. هر مصاحبه در حدود 15 تا 90 دقیقه طول کشید.

دیده بان حقوق بشر در ابتدا هر مصاحبه این موضوع را برای مصاحبه شونده تذکر می داد که آنان هیچ گونه کمک مالی در مقابل مصاحبه خود دریافت نخواهند کرد و تصمیم براینکه می خواهند مصاحبه کنند و یا خیر، کاملاً بدست خودشان می باشد. به همین اساس، تعداد زیادی از زنان و دختران نخواستند که مصاحبه کنند که شامل این 58 نفر مصاحبه شونده نگردیده اند. همچنین، دیده بان حقوق بشر، این موضوع را برای هر مصاحبه شونده نیز توضیح داده است، که آنان می توانند هر وقت و به هر سوال که نخواستند در جریان مصاحبه پاسخ ندهند. درضمن، این سازمان تلاش نموده است که در موارد مناسب به زنان آگاهی داده و آنها را با نهادهایی که مساعدت های حقوقی و سرپناه برای زنان ارائه می داد، در ارتباط قرار دهند.

این مصاحبه ها در سه زندان زنانه و سه مرکز اصلاح و تربیه اطفال دخترانه که در آن زمان تحت سرپرستی وزارت عدلیه بودند صورت گرفته است.³ دیده بان حقوق بشر این مصاحبه ها را با کسب اجازه نامه ای از وزارت عدلیه مبنی بر بازدید و مصاحبه با هر زن و دختری که حاضر به مصاحبه شدند، انجام داده است. مسئولین زندان داستان های اشخاصی را که در این گزارش انعکاس یافته و به دلیل «جرایم اخلاقی» محبوس بوده اند را تایید کرده اند. تعداد زیادی این افراد به اتهام «فرار از منزل»، «زنا» و یا هردوی این اتهام ها در زندان بوده اند.

باوجود درخواست های مکرر، اجازه مصاحبه خصوصی با بسیاری از این افراد به دیده بان حقوق بشر داده نشد. اکثر مصاحبه ها در اتاق های صورت گرفته اند که زندانیان و یا محافظان امنیتی در آن رفت و آمد داشتند، و یا در خوابگاه های مصاحبه شونده در حالی انجام شده است که هم اتاقی های وی نیز در آن حضور داشتند. در این چنین موارد، از مصاحبه شونده ها سوال شده است که آیا آنان می خواهند به مصاحبه ادامه بدهند و یا خیر. در دو زندان، روسای آن با پافشاری خواستار نظارت و حضور بر جریان مصاحبه ها بودند و با آن که آنان در اکثر موارد به گفتگو ها گوش نمی دادند، اما حضور داشتند. در این چنین موارد، دیده بان حقوق بشر نظر زنان

³ در سال 2011، تصمیم حکومت افغانستان مبنی بر انتقال مسولیت های محابس بزرگ سالان از وزارت عدلیه به وزارت امور داخله با مخالفت فعالان حقوق بشر، نهادهای بین الدولتی و سازمانهای بین المللی مواجه شد. انتقال مسولیت زندان ها دقیقاً در ماه جنوری 2011 به وزارت امور داخله صورت گرفت. مسولیت اداره مراکز اصلاح و تربیه اطفال به عهده وزارت عدلیه باقی مانده است. تصمیم انتقال مسولیت های محابس در نتیجه ی فرار حدودی 500 زندانی از محبس کندهار صورت گرفته است. اموخته های مهم بین المللی نشان می دهد که همیشه جدایی نهاد های بازجوی کننده (پولیس) از توقیف خانه (زندان) برای جلوگیری از شکنجه و بازجوی های خشونت آمیز ضروری است. این نیز موضوعی کاملاً مهم در افغانستان می باشد. یافته های گزارش سازمان ملل متحد در سال 2011 گویای شکنجه های سیستماتیک و گسترده در محابس افغانستان می باشند.

See generally, "Treatment of Conflict-Related Detainees in Afghan Custody," United Nations Assistance Mission in Afghanistan and UN Office of the High Commissioner for Human Rights, October 2011,

http://unama.unmissions.org/Ports/UNAMA/Documents/October10_%202011_UNAMA_Detention_Full_Reprot_ENG.pdf.

مصاحبه شونده را مبنی بر ادامه گفتگوها جویا شده و در صورت ضرورت مصاحبه ها را باز تنظیم کرده است. در موارد متعدد، رییس زندان با ما در شناسایی زنانی که به اتهام «خراب اخلاقی» زندانی بودند، و دسترسی به اسناد مربوط به قضایای آنان با ما همکاری کرده و برگشته های زنان زندانی نسبت به اتهام شان مهر تایید گذاشتند.

بعد از ختم مصاحبه ها در زندان و مراکز اصلاح و تربیه اطفال، دیده بان حقوق بشر کوشیده است تا صحت معلومات داده شده توسط زنان و دختران در جریان مصاحبه ها را بررسی نماید. ما توانستیم با برقراری ارتباط با شعبه معلومات «رژیم» زندان و مرکز اصلاح و تربیه اطفال کابل جرایمی را که زنان به اتهام ارتکاب آنان زندانی بودند را بررسی کنیم.⁴

بطوری کلی دوسیه های جزایی در اداره لوی څارنوالی افغانستان نگهداری می شوند. دیده بان حقوق بشر برای اینکه بتواند تمام دوسیه های زنان و دخترانی مصاحبه شونده را بررسی کند، از اداره لوی څارنوالی درخواست کرد تا اجازه دسترسی به دوسیه های آنان را به دیده بان حقوق بشر بدهد. اما لوی څارنوالی تنها اجازه دسترسی به دوسیه های را به دیده بان حقوق بشر داد که در کابل موجود، و تصمیم نهایی در مورد آنها صادر شده بود. این معیار، تنها در مورد 13 مصاحبه ای که دیده بان حقوق بشر انجام داده بود صادق است. از آنجاییکه اداره لوی څارنوالی نتوانست 3 دوسیه دیگر را پیدا کند، دیده بان حقوق بشر توانست تنها 10 دوسیه را مورد بررسی قرار دهد.

به علاوه، مصاحبه با زنان و دختران در محابس، دیده بان حقوق بشر با مقامات و سایر آگاهان امور از سیستم و ساختار قضایی «جرائم اخلاقی» نیز مصاحبه نموده است. این اشخاص شامل مقامات حکومت افغانستان، جامعه مدنی، سازمان ملل متحد، مجامع تمویل کننده و قرار دادی های بین المللی و مقامات نظامی خارجی می شوند.

اکثر دختران و زنانی که ما با آنها مصاحبه کردیم، بعد از رهایی از زندان با تهدید های قتل یا انواع دیگر خشونت توسط اعضای فامیل شان مواجه شدند. آنها با جرئت داستان های شان را با ما شریک ساخته و معمولاً با علاقمندی می گفتند که جهانیان باید داستان های آنان را بدانند؛ اما تعدادی از آنها هم می خوانستند که داستان های شان طوری بیان گردد که هویت آنها را افشا نکند. به همین دلیل، تمام اسامی که در این گزارش برای شناسایی دختران و زنان متهم به ارتکاب «جرائم اخلاقی» مورد استفاده قرار گرفته است، اسامی مستعار می باشند. ما هم چنان، مناطقی که مصاحبه در آن صورت گرفته است را در گزارش حذف نموده ایم. در افغانستان هویت قومی و مذهبی یک شخص از نام او پیدا است. ما در گزینش اسامی مستعار بیشتر تلاش نمودیم تا اسامی را طوری انتخاب کنیم که با قومیت و مذهب شخص سنخیت نداشته و قابل تشخیص نباشد.⁵ ما همچنان، در این گزارش موقعیت زندان و مراکز اصلاح و تربیه اطفال که با زنان و دختران در آنجا مصاحبه نموده را مشخص نکرده ایم. به علاوه، یک تعداد افراد دیگر نیز برای آن که بتوانند نظریات و در مواری هم انتقادات خود را آزادانه در رابطه به نهاد ها و برنامه های مرتبط با این گزارش بیان کنند، از ما خواستار حریمیت شدند. ما به خواست آنان احترام گذاشته و از ذکر هویت آنان در این گزارش خود داری کرده ایم.

در نهایت، موضوع کلیدی برای زنانی که از خشونت و تخطی ها فرار می کنند، دسترسی به خانه های امن می باشد. با توجه به شواهدی که از کارزارهای شبکه تلویزونی در افغانستان که خواستار بسته شدن این خانه ها بودند، چنین بر می آید که وجود نه چندان پر رنگ خانه های امن در افغانستان یک موضوع کاملاً بحث برانگیز

⁴ همچنان، دیده بان حقوق بشر در مورد اینکه بالای مردان متهم که به نحوی در این قضایا دخیل بوده اند، چی اتفاق افتیده، تحقیق نموده است. به علاوه بررسی دوسیه ها، گفتگو با زنان و دختران مصاحبه شونده که تنها منبع معلومات در این موارد برای ما بوده است – چون در اکثر موارد آنان به طور مشترک محاکمه می شدند، زنان و دختران از سرنوشت مردان اطلاع داشتند، اما در موارد دیگر آنان هیچ اطلاعی از سرنوشت مردان متهم در دوسیه های خود نداشتند.

⁵ تمام زنان و دخترانی مصاحبه شونده، مسلمان شیعه و سنی بوده اند.

می باشد. این در حالی است که در مناطق جنوبی افغانستان که حدود نصف نفوس کشور در آن زندگی می کند، خانه امن اصلاً وجود ندارد. با در نظر داشت ترس و هراس کارمندان خانه امن از مواجه شدن با اعمال خشونت بار از طرف اعضای فامیل و کسانی که عمدتاً خواهان تخریب تمام خانه های امن در افغانستان اند، ما از ارایه جزئیات دقیق سیستم خانه امن در این گزارش که باعث تهدید خانه های امن گردد، خود داری کردیم.

اصطلاحات

در این گزارش «طفل» یا «دختر» برکسانی اطلاق شده است که زیر سن 18 سالگی قرار دارند، و این اصطلاح کاملاً مطابق به قوانین بین المللی می باشد.⁶ در افغانستان یک سیستم دقیق برای ثبت تاریخ تولد و ارایه تصدیق تولد وجود ندارد، از اینرو، بعضی افغان ها تاریخ دقیق تولد شان را نمی دانند.

براساس قانون داخلی افغانستان، افراد مجرمی که زیر سن 19 سال قرار دارند، در مراکز اصلاح و تربیه اطفال و کسانی که بالای 19 سال قرار دارند، در زندان ها نگهداری می شوند. دولت در مواردی که سن اشخاص مشخص نباشد، از معاینات مبهم طبی برای تشخیص سن آنان استفاده می کند. ما با تعدادی از افراد در مرکز اصلاح و تربیه اطفال برخوردیم که معتقد بودند سن شان خیلی بالاتر از آن است که در آنجا باشند، همین گونه با تعداد دیگری در زندان رو به رو شدیم که می گفتند سن شان خیلی پائین تر از آن هست که در زندان محبوس باشند. در این موارد، ما بدون در نظر داشت اینکه این افراد در کجا نگهداری می شوند، به سنی که آنها می گفتند، توجه نمودیم.

⁶ Convention on the Rights of the Child, G.A. res. 44/25, annex, 44 U.N. GAOR Supp. (No. 49) at 167, U.N. Doc. A/44/49(1989), entered into force Sept. 2, 1990, art. 1.



۱. حقوق زنان بعد از سقوط حکومت طالبان

زنان افغان - هم زنان محروم از سواد روستا نشین و هم فعالان باسابقه حقوق - از سقوط حکومت طالبان با خوشحالی و خوشبینی در ۲۰۰۱ استقبال نمودند. در سراسر کشور، زنان تلاش کردند که با کسب فرصت های جدید برای خود و دختران شان، آسیب های دوره طالبان را جبران نمایند.

برخی پیشرفت ها خیلی سریع در کشور صورت گرفت. از جمله چندین میلیون دختر برای اولین بار جذب مکاتب گردیدند، حضور زنان در همه عرصه های زندگی پررنگ تر شد، و تعدادی نیز به وظایف قبلی دولتی خود برگشتند. در دسامبر ۲۰۰۱، یک ماه بعد از سقوط حکومت طالبان، داکتر سیما سمر به عنوان معاون رئیس جمهور و اولین وزیر وزارت امور زنان منصوب شد.

باوجود این که قانون اساسی مصوب سال ۲۰۰۴ میلادی تصریح می دارد که کلیه قوانین کشور باید با قوانین اسلامی مطابقت داشته باشد، این قانون حقوق مساوی زنان را نیز تضمین می نماید. تغییرات در قانون اساسی و حکومت مانند اختصاص حدود یک چهارم کرسی های پارلمان به زنان باعث برخی پیشرفت های نمایی در بخش حقوق زنان گردیده است.^۷ کمک های بین المللی برای بهبود تعلیم و تربیه، مراقبت های صحتی و سایر خدمات برای زنان و دختران به افغانستان سرازیر شده است. افغانستان به کنوانسیون منع هر نوع تبعیض علیه زنان پیوسته است.^۸ حامد کرزی، رئیس جمهور افغانستان، به زنان اطمینان داده است که آنان از حقوق مساوی در کشورشان برخوردار هستند و حق دارند که از خانه های شان بیرون شده و در بازسازی کشور شان سهم بگیرند.^۹

با آنکه در سال های بعدی، خوش بینی های بلند زود هنگام متحقق نشد، اما پیشرفت های عملی زیادی صورت گرفت. در اکثر مناطق کشور مرگ و میر مادران به طور مداوم کاهش یافته است،^{۱۰} تعداد دختران شامل در مکتب از ۵,۰۰۰ شاگرد در سال ۲۰۰۱ به ۲.۴ میلیون در سال ۲۰۱۰ افزایش یافت،^{۱۱} و خانه های امن برای زنانی که از خشونت های فامیلی فرار می کنند تاسیس شد. زنان نقش های رهبری کننده ای به عنوان عضو پارلمان، کارمند خدمات ملکی، قاضی، خازنوال، وکیل مدافع، سرباز، و فعالان جامعه مدنی را به عهده گرفتند. اولین والی زن در سال ۲۰۰۵ تعیین شد. در سال ۲۰۱۱، تعداد زنان مامورین پولیس به ۱,۱۹۵ رسید.^{۱۲} فعلاً، دو وزیر زن، وزیر امور زنان و صحت عامه، در کابینه دولت کرزی، و ۶۹ زن به عنوان نماینده منتخب مردم در پارلمان حضور دارند.

توشیح فرمان تقنینی (قانون) منع خشونت علیه زنان که توسط رئیس جمهور در سال ۲۰۰۹ صادر شد، تحولی مهم دیگری در راستای توسعه حقوق زنان به شمار می رود.^{۱۳} باوجود خلاهای مهم، این قانون زمینه حمایت زنان را

^۷ Constitution of the Islamic Republic of Afghanistan, ratified January 26, 2004, <http://moj.gov.af/en/page/1684> (accessed March 10, 2012), arts. 83-84.

^۸ افغانستان کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان را در ۵ مارچ ۲۰۰۳، بدون درج هیچ پیش شرطی پذیرفت.

^۹ بطور نمونه، در جنوری ۲۰۰۲ کرزی، بعنوان رئیس اداره حکومت موقت افغانستان، با امضای «علامیه حقوق اساسی زنان افغانستان» که تایید کننده تساوی حقوق بین زنان و مردان است، حمایت خود را از حقوق زنان اعلام کرد. کمیسیون سازمان ملل در مورد وضعیت زنان، تبعیض بر علیه زنان و دختران در افغانستان:

Report of Secretary-General, "January 28, 2002, <http://www.un.org/event/women/2002/ecn620025eng.phd> (accessed March 16, 2012).

^{۱۰} Afghanistan Mortality Survey 2010, Afghan Public Health Institute, Ministry of Public Health, November 2011.

^{۱۱} Ashley Jackson, "High Stakes: Girls Education in Afghanistan," Oxfam, February 24, 2011, p.4.

^{۱۲} UNAMA, "A Long Way to Go: Implementation of the Elimination of Violence against Women Law in Afghanistan," November 2011, p. 20.

^{۱۳} یکی از ماده های بحث برانگیز قانون اساسی که همیشه مورد استفاده هم قرار می گیرد و اجازه تنفیذ قوانین را با حکم رئیس جمهور می دهد. ماده ۷۹ چنین بیان می دارد: «حکومت می تواند در حالت تعطیل ولسی جرگه در صورت عاجل، به استثنای امور مربوط به

در برابر خشونت های فراوان از جمله تجاوز جنسی، ازدواج های زیر سن، ازدواج های اجباری، خشونت های فامیلی، و محرومیت از سواد فراهم کرده است.¹⁴

به هر حال، زنان و دختران افغان برای دست یابی به حقوق اولیه شان با چالش ها و موانع متعدد روبه رو هستند. ضرورت رفع این موانع با خروج قریب الوقوع نیروهای بین المللی و احتمال کاهش توجه جامعه جهانی و اعمال فشار در راستای حمایت از حقوق زنان افزایش یافته است.

پیشرفت های دختران و زنان در عرصه سواد آموزی، کاهش مرگ و میر مادران و اشتراک آنان در کار و زندگی اجتماعی خیلی کمتر از آن چیزی است که انتظارش میرفت: به طور نمونه، تا هنوز بیشتر از نصف دختران سن مکتب از رفتن به مکاتب محروم اند، و پیشرفت های صورت گرفته هم با هزینه های سنگین برای زنان و دختران همراه بوده است: کسانی که پا به عرصه زندگی اجتماعی، کاری و مکاتب گذاشته اند، با تهدیدها، اذیت و ازار، حملات فیزیکی، و در برخی موارد با قتل رو به رو شده اند.

توسعه حقوق زنان یکی از اهداف اساسی حمله ایالات متحده امریکا به افغانستان در اکتوبر 2001 نبوده است. اما وضعیت وحشتناک زندگی زنان در حکومت طالبان، نقش کلیدی ای در دخالت نظامی ایالات متحده امریکا به افغانستان داشته است. بیانیه های ذیل مبیین این است که از حقوق زنان به عنوان توجیه کننده ثانوی در حمله به افغانستان استفاده شده است:

بدرفتاری با زنان در افغانستان از جمله نشانه های اخطار ی اولیه ی تروریست ها بود که حمله 11 سپتامبر را انجام دادند.... ایالات متحده امریکا می تواند با تقویت زنان برای تصمیم گیری در مورد آینده خودشان... جهان را از شبکه تروریست ها رهایی بخشد. ایالات متحده می تواند با پرورش ارزش های جدید افراد را از نفوذ میکروب شیطانی شقاوت که در دل تعداد زیادی از اشخاص در جهان وجود دارد، وقایه کند.

— سناتور وقت خانم هیلری رادام کلینتون، یک روز بعد از حمله ایالات متحده امریکا به افغانستان، اکتبر 2001¹⁵

زنان افغان با تجربه مشکلات و سختی ها آنچه را که سایر جهان کشف کرده است، می دانند: تحمیل ظلم های وحشیانه بالای زنان از اهداف اساسی تروریست ها است... تنها تروریست ها و طالبان اند که زنان را از حق تحصیل محروم می کنند. تنها تروریست ها و طالبان اند که زنان را تهدید می کنند در صورت استفاده از «رنگ ناخن»، ناخن های آنان را خواهند کشید... در نتیجه پیشرفت های نظامی ما در افغانستان، زنان دیگر در خانه های شان محبوس نیستند... جنگ بر علیه تروریسم جنگ برای تحصیل حقوق و هویت زنان نیز می باشد.

بودجه و امور مالی، فرامین تقنینی را ترتیب کند. فرامین تقنینی بعد از توشیح رییس جمهور حکم قانون را به خود می گیرد. فرامین تقنینی باید در خلال سی روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه شورای ملی به آن تقدیم شود و در صورتی که از طرف شورای ملی رد شود، از اعتبار ساقط می گردد.»

¹⁴ یک از خلاهای مهم در قانون منع خشونت علیه زنان این است که بالای قربانی فشار وارد می کند تا قضیه اش را در هر مرحله از رسیدگی پس گرفته، و جریان رسیدگی را ختم اعلام کند. قانون منع خشونت علیه زنان، اگست 2009، ماده 40(2). همچنین، فقدان تعریف مشخص از جرم و عنصر تشکیل دهنده آن یکی از نقایض دیگر این قانون می باشد.

¹⁵ Hillary Clinton, "New Hope For Afghanistan's Women," *Time Magazine*, Nov. 24, 2001.

— لورا بوش، زن جورج دبلیو بوش، رئیس جمهور قبلی ایالات متحده امریکا، هفته ها بعد از حمله ایالات متحده امریکا، وقتی که اولین بیانیه رادیوی ریاست جمهوری را به جای شوهرش ارایه می کرد.¹⁶

روحیه بالای زن [های] افغان با بی عدالتی و پامال شدن حقوق شان رابطه معکوس دارد. ما باید به بازیابی روحیه آزاد آنان کمک کنیم تا آنان صدای خود را به گوش جهانیان برسانند و افغانستان بهتری را ایجاد کنند که ما همه آرزوی آن را داریم.
— شیرین بلر، زن تونی بلر صدر اعظم انگلستان.¹⁷

فرانسه به عنوان عضو بر جسته و دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد به درخواست مقامات افغان و مطابق ماموریت سازمان ملل متحد در افغانستان با 40 کشور دیگر که 25 آن از جمله 27 عضو اتحادیه اروپا می باشد، در افغانستان حضور دارد. فرانسه مطابق با اصول و ارزش های خود، و برای دفاع از حقوق بشر و حمایت از موقعیت زنان در افغانستان با این کشورها همکاری می کند.
— اعلامیه حکومت فرانسه.¹⁸

من می خواهم با استفاده از این فرصت به تمام افغان ها بگویم: در افغانسان صلح واقعی و بهبودی واقعی با تامین حقوق زنان ارتباط دارد.
— سر منشی سازمان ملل متحد کوفی عنان.¹⁹

جدایی جنسیتی به شکل افراطی آن وجود دارد. باورها نسبت به کار مشترک زنان و مردان در یک دفتر خیلی بحث برانگیز اند، و اکثر خانواده ها به دلیل اینکه زنان و مردان در یک دفتر باهم مشترک کار می کنند، از کار زنان در بیرون از خانه جلوگیری می کنند. در برخی محلات، خانواده ها حتی اجازه بیرون شدن از خانه را به زن ها نمی دهند. به علاوه، از آنجاییکه طالبان بر بخش اعظم از کشور، به ویژه در مناطق جنوب و جنوب شرقی، فرمان می رانند، سیاست های آنان در مورد زنان هیچ فرقی با سیاست های اعمال شده آنان در سال های 1996-2000 ندارد.

در افغانستان بحث پیرامون حقوق زنان معمولاً با تاکید روی محدودیت رفت و آمد، دسترسی به تعلیم و تربیه، اشتراک در روند های سیاسی، حریم خصوصی، مانند پوشیدن برقع مطرح می گردد که از آن به عنوان مسایل فرهنگی و یا بازتاب قواعد قبیایلی و یا رسومات دینی یاد می شود. گرچه قواعد فرهنگی در افغانستان نیرومند اند، اما یک چنین قاعده خیلی گسترده، غیر قابل تغییر و یک پارچه در افغانستان وجود ندارد. فرهنگ های مختلف در افغانستان سبب آن گردیده است که زنان افغانستان شاهد رویه ها و گذشته های تاریخی متفاوت نسبت به هم دیگر

¹⁶ Laura Bush, presidential radio address, November 17, 2001, <http://www.presidency.ucsb.edu/ws/index.php?pid=24992#axzz1ngoOpGHL> (accessed February 28, 2012).

¹⁷ "Afghan women looking for a voice," CNN, November 23, 2001.

¹⁸ "France's Commitment in Afghanistan: A synergy of civilian and military actions," France at the United Nations, <http://www.franceonun.org/spip.php?artile4042> (accessed February 26, 2012).

¹⁹ UN Secretary-General Kofi Annan in his statement to the Afghan Women's Summit for Democracy, Brussels, 4 December 2001, <http://www.un.org/evens/women/2002/sit.htm> (accessed March 16, 2012).

اند. مهمتر از همه این که، وقتی قانون فرار زنان و دختران از خشونت را جرم انگاری می کند، و حکومت به پالیسی های تبغیض آمیز علیه زنان و دختران در بخش تعلیم و تربیه، صحت، کار و اشتراک در روند های سیاسی رسیدگی نمی کند، و زمانی که پولیس و عساکر با مصئونیت به زنان و دختران تجاوز می کنند -- درحقیقت زنان و دختران یک «فرهنگ» را تجربه نمی کنند بلکه آنان نقص قوانین حقوق بشر را تجربه می کنند.

خشونت علیه زنان و دختران

در افغانستان تهدید و تعرض بالای زنان و دختران، بشمول مقامات بلند پایه دولتی، اعضای پارلمان، فعالان حقوق بشر، دختران مکاتب، و معلمین، یک امر عادی می باشد.²⁰ گرچه حکومت افغانستان از خشونت علیه زنان آمار و سیم و همه جانبه ندارد،²¹ طبق گزارشی که در سال 2008 در 16 ولایت از 34 ولایت افغانستان همراي 47,000 خانواده در مورد خشونت های خانواده گی صورت گرفت، 87 فیصد زنان گفته اند که دست کم یک نوع از خشونت های فزیکي، جنسی، یا روحی و روانی را تجربه کرده اند، و 62 فیصد دیگر گفته اند که بیشتر از یک نوع خشونت را در خانواده خود تجربه کرده اند.²² بیشتر از نصف، (52 فیصد) کسانی که برای تهیه این گزارش با آنها مصاحبه شده اند، گفته اند که خشونت های فزیکي را تجربه کرده اند، و 39 فیصد دیگر اظهار داشته اند که توسط شوهران شان در سال های گذشته مورد لت و کوب قرار گرفته اند.²³

خشونت ها زمانی شدت می گیرد که زنان با خشونت روبه رو بوده و زندگی و امنیت شان با تهدید های خشونت آمیز مواجه باشد، و زمینه کمک به آنها وجود نداشته باشند. تعداد زیادی زنان که در خانواده خود مورد خشونت قرار می گیرند، در خاموشی به امید روزی که خشونت ها پایان یابند به سر می برند.

بعضی از زنان توسط اعضای خانواده و یا فامیل خود به قتل رسیده اند. در افغانستان «قتل ناموسی» یک امر عادی می باشد. زنانی که با دیده بان حقوق بشر مصاحبه نموده اند از وجود چنین تهدید ها نسبت به خودشان یادآوری کرده و اعتقاد داشتند که آنها با خطر کشته شدن توسط یکی از اعضای فامیل شان مواجه اند.²⁴

گسترده گی ازدواج های زیر سن (قانونی) و اجباری

براساس گزارش سازمان ملل متحد در حدود 70 تا 80 فیصد ازدواج ها در افغانستان اجباری می باشند، و این ازدواج ها بدون رضایت کامل و آزادانه زن و تحت فشار صورت می گیرند.²⁵ همچنین، در یافته های مطالعه

²⁰ سیستم قضایی رسمی افغانستان موازی با سیستم عرفی کار می کند. در سیستم عرفی بزرگان محلی جلسه ای را تحت عنوان جرگه یا شورا ترتیب می دهند و در آن به قضایای مربوط به منازعات محلی و سایر موضوعات رسیدگی می کنند. معمولاً، در این جرگه ها به مشکلات خانواده گی، از جمله قضایای مانند «فرار از منزل» و زنا، طلاق و حضانت از اطفال مورد رسیدگی قرار می گیرد. در تهیه این گزارش با زنانی که تجربه دادرسی با بزرگان محل یا سیستم عرفی و همچنین سیستم قضایی رسمی را داشته اند گفتگو شده است. زنان تجربیات متفاوتی در مورد هر دو سیستم قضایی داشتند. بعضی از زنان و دختران تجربه خوبی از عدالت غیر رسمی داشتند، ولی تعداد دیگر شان تجربه منفی. تشویش عمومی در مورد عدالت غیر رسمی این است که این شیوه برخورد تبغیض آمیز با زنان دارد، و فیصله های آن در مواردی خیلی خشونت آمیز می باشد، مانند دادن بد، و سنگسار. برای نمونه، به گزارش برنامه های انکشافی سازمان ملل متحد مراجعه نمایید.

"Bridging modernity and tradition: the rule of law and the search for justice," 2007,

<http://www.hdr.undp.org/en/reports/nationalreports/asiathepacific/afghanistan/nhdr2007.pdf> (accessed March 16, 2012).

²¹ UNAMA, "Afghanistan has 'long way to go' in protecting women from violence – UN report," November 23, 2011,

<http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=4049Cr1=wome> (accessed February 22, 2012).

²² Global Rights: Partners for Justice, "Living with Violence: A National Report on Domestic Abuse in Afghanistan," March 2008, p.13.

²³ Ibid., p. 14.

²⁴ For more on "honor killings," see UNAMA and OHCHR, "Silence is Violence: End the Abuse of Women in Afghanistan," July 8, 2009, <http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/vaw-english.pdf> (accessed March 18, 2012).

دیگری آمده است که 59 درصد زنان در افغانستان ازدواج های اجباری را تجربه کرده اند. بااین وجود، تعجب آور نخواهد بود که اکثریت قریب به اتفاق زنانی که برای تهیه این گزارش مصاحبه شده اند، گفته اند که به انتخاب خود شان عروسی نکرده اند.²⁶

اکثریت زنان و دخترانی که ازدواج نکرده بودند، علت فرار شان از خانه را جلوگیری از یک ازدواج اجباری قریب الوقوع بیان داشته اند. تنها 5 نفر از 31 زن عروسی شده در محابس تذکر دادند که به انتخاب خود شان عروسی کرده اند. فقط 6 دختر عروسی شده از مجموع دخترانی که در مراکز اصلاح و تربیه اطفال بودند، گفتند که به انتخاب خود شان ازدواج کرده - و به این دلیل دستگیر گردیده اند.

ازدواج ها به صورت معمول توسط خانواده ها تنظیم می گردد و دختران بدون آن که فرصت رد آن تصامیم را داشته باشند از آن مطلع می شوند. معمولاً آنها شوهران شان را در روز عروسی ملاقات می کنند و با رفتن به خانه شوهر با خصومت ها و خشونت های فیزیکی و روحی توسط شوهر، زنان قبلی شوهر، و اعضای فامیل مواجه می شوند.²⁷ در عدم موجودیت کدام گزینه دیگر، اکثر دختران این سرنوشت را به عنوان قسمت شان پذیرفته و برای زنده ماندن در خانه شوهر به بهترین وجه تلاش می کنند.

مطابق قوانین داخلی سن ازدواج برای دختران 16 سال و برای پسران 18 سال می باشد.²⁸ ازدواج با دختران 15 ساله در صورتی که پدر دختر یا محکمه اجازه بدهد، امکان پذیر است.²⁹ قانون ازدواج با دختران زیر سن 15 سال را تحت هر شرایط ممنوع کرده است.³⁰ کمیته حقوق اطفال و رفع تبعیض علیه زنان سازمان ملل متحد سن ازدواج را هم برای دختران و پسران 18 سال تعیین نموده است.³¹

رویه همرفته، ازدواج های اجباری در افغانستان یک امر عادی محسوب می شود، که 17.3 فیصد این ازدواج ها با دختران بین سنین 15 تا 19 ساله صورت می گیرد.³² گزارش سال 2008 سازمان ملل متحد نشان می دهد، که 57 درصد ازدواج ها در افغانستان دست کم یکی از طرفین ازدواج زیر سن 16 سال قرار داشته است.³³

²⁵ UNIFEM, "UNIFEM Afghanistan Fact Sheet," 2008, http://www.wunrn.com/news/2009/o8_o9/o81o9_afghanistan.htm.pdf (accessed February 22, 2012).

²⁶ گزارش تحقیقی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان می گوید که درست نیست که ازدواج ها در افغانستان به دو دسته اجباری و غیر اجباری تقسیم گردد، و نظریه واقع بینانه این است که تا یک ازدواج به صورت اجبار گفته شود یک سلسله مراسمی را باید طی کند. اکثر مصاحبه های را که دیده بان حقوق بشر برای تهیه این گزارش انجام داده است موید این ادعا است، تمام دختران و زنان عروسی شده که با دیده بان حقوق بشر مصاحبه نموده اند، یادآوری کردند که آنان کم یا هیچ نقشی در تنظیم عروسی شان نداشته اند.

See also, Deborah J. Smith, "Decision, Desires and Diversity: Marriage Practices in Afghanistan," Afghanistan Research and Evaluation Unit Issues Paper Series, February 2009, <http://www.areu.org.af/Upload/EditionPdfs/9o5E-marriage%20Practices-IP-web.pdf> (accessed February 22, 2012).

²⁷ قوانین افغانستان برای مرد اجازه بیش از یک زن را می دهند. با زنانی که برای تهیه این گزارش مصاحبه شده اند گفته اند که شوهران شان از قبل عروسی کرده بودند، و آنها خانم دوم یا سوم بوده اند. مشکلات در مورد گرفتن زن دوم، و ارتباط زشتی که میان خانم جدید و خانم قبلی و فرزندان آنان در بعضی موارد بوجود می آید زمینه خشونت و مشکلات خانواده گی را فراهم می کنند.

²⁸ قانون مدنی ماده 70

²⁹ قانون مدنی ماده 71 (1)

³⁰ قانون مدنی ماده 71 (2)

³¹ CEDAW, "General Recommendations No. 21, Equality in Marriage and Family Relations," Thirteenth Session, 1994), para. 36; UN Committee on the Rights of the Child, "General Comment No. 4, Adolescent Health and Development in the Context of the Convention on the Rights of the Child," (Thirty-third session, 2003, para. 20.

³² Afghan Public Health Institute, Ministry of Public Health, "Afghanistan Mortality Survey 2010," November 2011, pp. 51. This study includes some hopeful signs that the average age of marriage for young women is increasing. Ibid., pp. 51-53.

³³ UNIFEM, "UNIFEM Afghanistan Facts Sheet," 2008,

http://www.wunrn.com/news/2009/o8_17_o9/o81709_afghanistan.htm (accessed February 22, 2012).

اکثر دختران و زنان عروسی شده که برای تهیه این گزارش با آنان مصاحبه شده اند گفتند که قبل از 18 سالگی ازدواج کرده اند، و در بین زنان مصاحبه شده پایین ترین سن ازدواج 10 ساله و بالاترین آن 20 ساله بوده است.

فقط چهار نفر از زنان عروسی شده گفتند که در سن 18 سالگی و یا بالاتر از آن ازدواج کرده اند، از دختران عروسی شده تنها 6 نفر آنان که در مراکز اصلاح و تربیه اطفال به سر می بردند گفتند که قبل از 16 سالگی عروسی نموده، و خوردترین سن ازدواج در میان آنان 12 سال بود. بیشتر زنان و دختران گفتند که بعد از تولد یا در سنین کوچک نامزد شده اند - و اکثر این نامزدی ها از طریق بدل که در پایین تعریف شده است، صورت گرفته است. آمار بلند و استثنایی مرگ و میر مادران در افغانستان - که در هر دو ساعت یک زن افغان از امراض مرتبط به بارداری جان خود را از دست می دهند - تا اندازه ای با ازدواج قبل از سن رابطه دارد، چون بدن آنان آمادگی بارداری را در آن سن کوچک ندارند.³⁴

بر اساس قانون منع خشونت علیه زنان، هم ازدواج اجباری و هم زیر سن غیر قانونی می باشد. والدین، اقوام، یا کسانی دیگری که این چنین ازدواج ها را تنظیم می کنند، باید تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند.³⁵ ازدواج زیر سن در قانون منع خشونت علیه زنان ممنوع است و مجازات آن در قانون دو تا پنج سال حبس پیش بینی شده است.³⁶ ازدواج اجباری مطابق قانون منع خشونت علیه زنان جرم بوده است و مجازات آن از یک تا دو سال حبس می باشد.³⁷

کاربرد های سنتی بد و بدل

قضیه بد و بدل چندین بار در جریان مصاحبه های که برای تهیه این گزارش صورت گرفت مطرح شد. بد و بدل، یکی از رواج های سنتی در بعضی مناطق افغانستان است که در آن بزرگان خانواده می پذیرند که دختران ازدواج نکرده را به عنوان «بد» برای حل منازعات و یا جبهیزیه/طویانه به طرف مقابل منازعه بدهند.³⁸

بد معمولاً برای رفع دشمنی در مقابل جرایم گذشته و حل منازعات محلی صورت می گیرد: خانواده ای مقصر می خواهد که با دادن دختر یا دختران عروسی نشده به طرف قربانی یا مجنی علیه دشمنی و یا منازعه را حل کنند. دخترانی که به عنوان بد داده می شوند اکثراً با خشونت های متعددی در خانواده های شوهران شان رو به رو می شوند، زیرا خانواده های قربانی به سوی آنان به عنوان جبران خساره که فامیل شان وارد نموده است نگاه می کنند (در حالی که مجرم همیشه یا اکثراً اعضای مرد خانواده ها می باشند).³⁹ از طرف دیگر بدل، تبادله دختران میان دو خانواده برای ایجاد دوستی می باشد که دختر یک خانواده با مرد خانواده جانب مقابل عروسی می

³⁴ See for example, CeShena and John B. Williamson, "Maternal mortality, women's status, and economic dependency in less developed countries: a cross-national analysis," Social Science & Medicine 49 (1999), pp. 197-214

³⁵ افغانستان قانون منع خشونت علیه زنان را در سال 2009 تصویب کرد. ازدواج های اجباری و زیر سن قانونی که قبل از این تاریخ صورت گرفته بود مطابق قانون افغانستان باطل اعلام نگردیده است. بهر حال، تعداد زیادی از دختران و زنان عروسی شده که برای تهیه این گزارش با آنان مصاحبه شده اند، موارد ازدواج های اجباری و زیر سن قانونی را بعد از تصویب این قانون نیز گزارش داده اند.

³⁶ ماده 28 قانون منع خشونت علیه زنان. قانون منع خشونت علیه زنان بطور مکرر مجازات های کیفری علیه این جرایم را به قانون جزای افغانستان ارجاع می دهد. ماده 100-102 قانون جزای افغانستان، حبس قصیر کمتر از یک سال، حبس متوسط از یک تا پنج سال، حبس طویل از پنج تا پانزده سال را به عنوان مجازات تعریف می کند. در ضمن مواد این قانون جزئیات بیشتری را در رابطه به جرایم خاص بیان می کند. بطور نمونه، در آن ماده ای از قانون که ازدواج های اجباری را ممنوع کرده است، آمده است که اگر شخصی این جرم را مرتکب شود «به حبس متوسط محکوم می گردد که کمتر از دو سال نباشد».

³⁷ قانون منع خشونت علیه زنان، ماده 26.

³⁸ در حالیکه در افغانستان پرداخت طویانه بصورت متفاوت صورت می گیرد، معمولاً خانواده داماد موظف است تا به خانواده عروس طویانه پرداخت کند.

³⁹ برای معلومات بیشتر در رابطه به کاربرد بدل، گزارش «کاربردهای سنت نا پسند و اجرا نمودن قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان» را ببینید، 9 دسامبر، 2010، ص 15-18.

کند، و این تصمیم را معمولاً خانواده ها در مواقعی که دختران خیلی جوان هستند می گیرند. یکی از اهداف بدل عدم پرداخت طویانه توسط خانواده ها و تسهیل عروسی اولاد های پسر شان می باشد.

هر دو عمل - بد و بدل - منجر به ازدواجهای اجباری و خورد سن می شوند، که مطابق قانون منع خشونت علیه زنان ممنوع اند.⁴⁰ بد مخصوصاً در قانون منع خشونت علیه زنان منع گردیده است، و مجازات آن از 5 تا 10 سال در قانون مجازات افغانستان پیش بینی شده است.⁴¹ قانون منع خشونت علیه زنان عمل بدل را در صورتی که مربوط به ازدواج های زیر سن، ازدواج اجباری که با دختران زیر سن 16 سال (یا 15 ساله ای که بدون اجازه پدر و محکمه صورت گرفته باشد) یا بدون رضایت خود دختران صورت گرفته باشد جرم می داند.⁴²

⁴⁰ قانون منع خشونت علیه زنان، ماده 28.

⁴¹ قانون منع خشونت علیه زنان ماده. 25.

⁴² قانون منع خشونت علیه زنان، ماده های. 26 و 28.

II. جرایم «فرار از منزل» و زنا

محور اصلی توجه این گزارش موضوع زنان و دخترانی اند که متهم به جرایم «فرار از منزل» و «زنا» شده اند. این جرایم می تواند به شکل جداگانه مورد بحث قرار گیرد، اما با توجه به ارتباط این دو جرم با هم دیگر، ما آنان را به شکل یکجا در اینجا به بررسی می گیریم. در جریان تحقیق روی این گزارش، دیده بان حقوق بشر همچنین با قضایای رو به رو شده است که در آن زنان و دختران به جرم «تلاش به زنا» و جرایم اخلاقی دیگر مانند «لواط»، «مساعدت به زنا» و معاونت در «فرار از منزل» متهم بوده اند.

«فرار از منزل»

«فرار از منزل» در قانون جزای افغانستان جرم محسوب نمی شود. اما، زنان و دختران زیادی در زندان های افغانستان وجود دارند که به دلیل رفتن بدون اجازه از خانه توسط فامیل و مقامات محلی از مدت های طولانی به این سوء در زندان به سر می برند.

ستره محکمه افغانستان رهنمودهای را در سال 2010 و 2011 برای حل مشکلات مجازات زنان و دختران به اتهام «فرار از منزل» صادر کرد و در آن «فرار از منزل» را جرم تعریف کرد. این اقدام ستاره محکمه افغانستان برای تعریف یک جرم فرضی با مخالفت های مدافعان ملی⁴³ و نظارت کننده گان بین المللی حقوق بشر، بشمول ماموریت سازمان ملل در افغانستان⁴⁴ روبه رو شد.

مقامات معمولاً زنان و دختران را زمانی متهم به «فرار از منزل» می کنند که شکایتی علیه آنان توسط اعضای خانواده یا شوهران شان مطرح گردد. فرار زنان و دختران از منزل همیشه تحت شرایط خشونت های فامیلی یا ازواج های اجباری صورت می گیرد. هیچ مانعی برای بیرون شدن مردان از خانه وجود ندارد. مردان تنها در مواردی متهم به «فرار از منزل» شده اند که با زنان برای «فرار از منزل» همکاری کرده اند.

در سال 2010 و 2011، ستاره محکمه با صدور بخشنامه ای «فرار زنان از منزل» را جرم دانست و افزود اگر زن فراری به جای پناه بردن به «خانه اقوام» و یا «محرّم قانونی» به «خانه فرد بیگانه» پناه ببرد، قابل مجازات می باشد. در بیانیه سال 2010 ستاره محکمه آمده است که فرار از نزد شوهر و خانواده تحت هر شرایطی، حتی در صورت مواجه بودن زن با خشونت، عمل منافی شریعت می باشد که «می تواند باعث ارتشاء فحشا و زنا در جامعه گردد» و از اینرو، آن را «غیر قانونی دانسته و مرتکب آن را قابل مجازات تعزیری» می داند.⁴⁵ ستاره محکمه این بخشنامه را با توجه به ماده 130 قانون اساسی افغانستان صادر نموده است که به محاکم اجازه می دهد تا به قضایای که در قانون حکم خاصی در مورد آنها وجود نداشته باشد، رهنمودهای را صادر کند که عدالت را به بهترین وجه تامین کند.⁴⁶

⁴³ For example, Bahman Boman, Afghan women face abuse for fleeing forced marriages, IWPR, December 31, 2010.

⁴⁴ بطور مثال، گزارش «کاربردهای سنت نا پسند و اجرا نمودن قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان» از یوناما را ببینید، 9 دسامبر، 2010.

⁴⁵ Letter from the General Administration Directorate of the Judiciary, Secretariat of High Council, Supreme Court of the Islamic Republic of Afghanistan, to the Judicial Research and Studies Department, Supreme Court of the Islamic Republic of Afghanistan, in reply to: Document number (799)1389/5/10(10/08/2010), August 1, 2010 (first opinion generated in response to the a request for clarification from an international organization implementing legal training programs in Afghanistan).

⁴⁶ ماده 130 بیان می دارد: محاکم در قضایایی مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می کنند. هرگاه برای قضیه ای از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد، محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی و وضع نموده، قضیه را به نحوی حل و فصل می نماید که عدالت را به بهترین وجه تامین نماید.

با توجه به بخشنامه صادره ستره محکمه افغانستان «فرار از منزل» مستلزم موارد زیر می باشد:

... مجازات برای جکویی از آسیب و زیان های احتمالی [براساس] قانون و شریعت.
بر اساس این حکم، موارد کثیری از اعمال مجاز (مباح) جرم پنداشته شده و برای آنها مجازات
پیش بینی شده است. بطور نمونه در تخلفات ترافیکی، «راننده گی بدون جواز و با سرعت بالا
» ممنوع می باشد.⁴⁷

ستره محکمه از زنان و دخترانی که با خشونت رو به رو می باشند درخواست نموده است که «با مراجعه به
مراکز قضایی و حکومتی افغانستان ... مشکلات شان را از طریق مجاری قانونی حل و فصل نمایند، به جای آنکه
به راه حل های انفرادی مانند «فرار از منزل» متوسل می شوند.» با ارائه این بخشنامه، ستره محکمه نتیجه گیری
می کند که «فرار از منزل راه حل مناسب برای رفع خشونت های خانوادگی نمی باشد، چون اقدامات فردی نه تنها
زمینه های خشونت را از بین نمی برد بلکه زمینه جرایم و خشونت های متعدد دیگر را فراهم می کند.»⁴⁸

ستره محکمه با این پیش فرض آغاز می کند که دور بودن زنان از منزل و نداشتن سرپرست مرد، آنان را در
معرض یک شرایط خطرناک قرار می دهند که زنا کردن در آن حالت یک امر اجتناب ناپذیر می باشد. اصولاً، این
پیش فرض در مورد زنان تبعیض آمیز و پیشداوری کننده است چون ستره محکمه چنین پیش فرضی را در مورد
مردان و پسرانی که خانه را ترک می کنند، مطرح نمی کند. طرح چنین معیاری در تناقض با اصول حقوق بین
المللی قرار دارد که تبعیض را ممنوع دانسته و خواستار فراهم کردن حمایت برابر قانون برای همه افراد می
شود.⁴⁹ به علاوه، جرم دانستن «فرار از منزل» اصل شناخته شده حقوقی بین المللی را که هیچ عملی جرم نیست
مگر آن که در قانون آمده باشد، را نقض می کند.⁵⁰

همچنین، ممکن است برخورد با «فرار از منزل» به عنوان یک جرم مطابق قانون داخلی افغانستان نقص حقوق
اساسی افراد مانند امنیت شخصی، آزادی رفت و آمد، حق صحت و حمایت در برابر برخورد های خود سرانه و
غیر قانونی در امور خصوصی، فامیلی و خانه که توسط حقوق بین المللی حمایت شده اند، شناخته شود.⁵¹

زنا

جرم زنا مربوط به روابط جنسی بین دو شخصی که با هم ازدواج نکرده اند می شود. زنا یک کلمه عربی است که
در قرآن از آن به عنوان یکی از اعمال ممنوعه یاد شده است. در مجموع همه فقه های اسلامی زنا را یک عمل
ممنوع می داند.⁵²

⁴⁷ نامه شماره 656/1005، از آمریت عمومی اداری قوه قضائیه، دارالانشای شورای عالی، ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان،
به یونما، 5 سبتمبر، 2011.

⁴⁸ نامه شماره 656/1005، از آمریت عمومی اداری قوه قضائیه، دارنشا شورای عالی، ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان، به
یونما، 5 سبتمبر، 2011 (نظریه دوم، گسترش موضوع اول و پاسخ و تفسیر قانون در رابطه به موضوع اول، انتشارات دفتر یونما).

⁴⁹ See ICCPR, art. 3 ("ensur[ing] the equal right of men and women to the enjoyment of all civil and political rights set forth in the present covenant") and art. 14 ("All persons shall be equal before the courts and tribunals"); CEDAW, art. 1 ("discrimination against women" shall mean any distinction, exclusion or restriction made on the basis of sex which has the effect or purpose of impairing or nullifying the recognition, enjoyment or exercise by women, irrespective to their material status, on a basis of equality of men and women, of human rights and fundamental freedoms in the political, economic, social, cultural, civil or any other field").

⁵⁰ For example, article 15 of the International Covenant on Civil and Political Rights states, "No one shall be held guilty of criminal offence on account of any act or omission which did not constitute a criminal offence, under national or international law, at the time when it was committed."

⁵¹ نگاه کنید به بخش قوانین بین المللی.

زنا مطابق ماده 7-426 قانون جزای 1976 افغانستان جرم می باشد. ولی در این قانون از زنا و عناصر تشکیل دهنده آن هیچ تعریفی صورت نگرفته است. این ماده ها تنها ماده های در قوانین افغانستان هستند که زنا را ممنوع اعلام می کند.⁵³ زنا به طور مشخص چنین تعریف شده است:

اگر در جرم زنا شریط «حد» تکمیل نگردد و یا «حد» بناء به دلیل شبهه و دلایل دیگری از بین برود، مجرم مطابق مفاد این فصل مجازات می گردد... شخصی که عمل زنا یا لواط را مرتکب می شود به حبس (طویل) محکوم می گردد.⁵⁴

قانون افغانستان بدون اینکه زنا و عناصر تشکیل دهنده آن را تعریف نماید، و یا حتی بگوید که زنا چیست، آن را جرم انگاری نموده است. این ابهام در قانون زمینه ادعا و وارد آوردن اتهام زنا را برای شوهران و پدران خشمگین که زن یا دختر آنان خانه را ترک کرده و تحت حفاظت مردی بعد از فرار قرار گرفته اند، به آسانی فراهم نموده است. با آنکه هم زنان و هم مردان ممکن است که به اتهام زنا مورد محاکمه قرار بگیرند، اما زنان که می خواهند از ازدواج های اجباری و خشونت های فامیلی فرار نمایند، نیز به زنا متهم می شوند، در حالیکه مردان نمی شوند.

قوانین افغانستان با جرم دانستن زنا و مجازات افراد متهم به این عمل قوانین بین المللی را که رابطه جنسی میان افراد بزرگسال را در صورتی که با رضایت طرفین صورت گیرد، مجاز می داند، نقض می کند.⁵⁵

قانون مربوط به زنا به عنوان یکی از موانع عمده برای اجرای عدالت در برابر زنانی که با خشونت های جنسی رو به رو بوده و آن را تجربه می کنند. چنانچه در این گزارش آمده است، پولیس معمولاً با دریافت گزارش تجاوز جنسی، آن را به عنوان رضایت به زنا تلقی کرده و هم قربانی تجاوز و هم تجاوزگر را دستگیر می کنند. اکثر مامورین پولیس، خائنان و قاضی ها به جای اینکه ادعای رضایت را به عنوان دفاعیه شخصی متهم در برابر جرم زنا بپذیرند، ادعای فرد متهم به تجاوز را به عنوان رضایت به زنا در جریان تحقیقات جنایی و محاکمه می پذیرند که در نتیجه آن شکایت کننده دوباره قربانی می گردد و این عمل روندی بسیار دردآوری (تراماتیک) را برای قربانی به وجود می آورد. این امر، احتمال مراجعه زنان و دختران قربانی تجاوز جنسی به مقامات محلی و دادگاه جهت اجرای عدالت را خیلی تضعیف می کند.⁵⁶

⁵² Ziba Mir-Hosseini and Vanja Hamzić, *Control and Sexuality: The Revival of Zina Laws in Muslim Contexts* (London: Women Living Under Muslim Laws, 2010).

⁵³ Zina is mentioned in four other articles of the penal code (arts. 61, 398, 424, and 437), but is referred to in these articles as an aggravating factor in relation to, or as a defense from, other crimes.

⁵⁴ *Hadd* or *hodud* (pl.) refers to a series of crimes for which Islamic law assigns fixed and specific punishments. The *hadd* requirements for proving the crime of *zina* include the testimony of several eyewitnesses to the act itself, or the repeated confession of the alleged perpetrator before a judge.

⁵⁵ Criminalization of consensual adult sexual relationships conflicts with international human rights law in several respects. Where such criminal penalties are disproportionately applied against women, it constitutes a form of discrimination. The ICCPR, CEDAW, and other treaties guarantee equality before the law and prohibit all forms of discrimination. Laws criminalizing adult consensual sex also violate the right to privacy under article 17 of the ICCPR, which provides, "No one shall be subjected to arbitrary or unlawful interference with his privacy, family, home or correspondence, nor to unlawful attacks on his honour and reputation." See UN Human Rights Committee, *Toonen v. Australia*, Communication No. 488/1992, U.N. Doc. CCPR/C/50/D/488/1992 (1994). Children under age 18 also enjoy rights to privacy and nondiscrimination (CRC, arts. 16 and 2). States are obliged to protect children from all forms of sexual exploitation and abuse (CRC, art. 34), and in all actions concerning children, their best interests must be a primary consideration (CRC, art. 3).

⁵⁶ The lack of clarity within Afghanistan's EVAW Law on what constitutes rape and its elements adds to the practical difficulties that women who have endured sexual violence face. The EVAW law does not define rape. It does not explain which sexual acts are criminalized when committed against the will of the other person. It contains no definition of full and free consent, and does not

در برخی قضایای پایین به مشکلاتی اشاره شده است که اتهام زنا برای زنان ایجاد کرده است، اما مردان با استفاده از آن زنان را تهدید و از مراجعه به دادگاه هراسانده اند. این اتهام را حتی مردی که بر زن تجاوز کرده و یا او را به فحشاء مجبور نموده است، برای جلوگیری از محاکمه شدن خود مطرح کرده است.

identify coercive circumstances under which there could be no full and free informed consent. This vagueness leaves all of these issues to be determined through the discretion of police, prosecutors, and judges in a justice system that is overwhelmingly male and biased against women.

III. مطالعه موردی «فرار از منزل» و زنا

مطابق قوانین نافذه افغانستان، هر نوع خشونت علیه مرد یا زن، طفل یا بالغ، که در خانه یا مناطق عمومی صورت بگیرد، جرم محسوب می شود.
--- لوی څارنوال، محمد اسحق الکوزی⁵⁷

زن را آنقدر شدید لت و کوب نکرده بود که باید زندانی می شد. چون زن نزدیک اش نبود، دیگر لازم هم نبود که در زندان باقی می ماند.
--- در پاسخ به سوالی که چرا څارنوالی دوسیه محاکمه شوهر نیلوفر ام. را ترتیب نکرده است، در حالیکه وی خانم اش را چندین بار با چاقو مورد ضرب و جرح قرار داده بود.⁵⁸

در افغانستان زنان و دختران همیشه آزادی کمتری در زمینه رفت و آمد داشته اند و همیشه در صورت دوری از خانواده با خطرات فراوان رو به رو شده اند. بنابراین، زن یا دختری که تصمیم می گیرد که خانه را ترک کند، در یک شرایط دشوار و غیرقابل تحمل خود را می یابد.

زنان و دخترانی که برای رهایی از ازدواج های اجباری و خشونت های خانوادگی فرار می کنند، خطرات بزرگی را متحمل می شوند. بعد از فرار، تعدادی از آنان به مقامات محلی مراجعه کرده و تقاضای کمک می کنند و تعداد دیگر خشونت های را که متحمل شده اند به پولیس گزارش می دهند.

اتفاقاتی را که بعضی از زنان بعد از فرار تجربه کرده اند به اندازه رخداد های قبل از آن ناگوار بوده است.

در حالیکه بعضی از مقامات تلاش می کنند که به آنان کمک کنند، تعداد دیگر آنان را مورد آن نوع خشونت ها قرار می دهند که آنان از قبل تجربه کرده اند. پولیس به مجرد طرح ادعای اقارب مرد، اقدام به دستگیری زنان و دختران فراری از خشونت می کنند. څارنوالان اعترافات زنان متهم به «فرار از منزل» را به عنوان یک سند معتبر حقوقی می پذیرند، در حالی که آنان نه سواد خواندن و نه نوشتن را دارند، نه از کسی مشوره حقوقی دریافت کرده اند، و نه از محتوای متنی که برپای آن امضاء کرده اطلاع داشته اند. قضات نیز زنان را بدون آن که توجه کنند آنان قربانی جرم اند و نه مجرم، محکوم می کنند. در نتیجه زنان که از قبل قربانی ازدواج های اجباری و خشونت های خانواده گی اند، دوباره توسط سیستم قضایی افغانستان که هم در عمل و هم در قانون به شدت علیه زنان تبعیض آلود است، قربانی می شوند.

جرائم «فرار از منزل» و زنا نه تنها زنان و دختران را بطور غیر عادلانه پشت میله های زندان قرار می دهد، بلکه کسانی که از زنان و دختران فراری حمایت می کنند را نیز مجازات می کنند. دیده بان حقوق بشر در شماری از موارد دریافت کرده است که پولیس اعضای فامیل، دوستان، چه مرد و چه زن، کسانی که از زنان و دختران فراری حمایت کرده بودند را دستگیر کرده اند. درواقع، پیگیری این پیمان گسترده «جرائم اخلاقی» توسط اعمال کننده گان این جرم موانع اضافی را در برابر زنان و دخترانی که از خشونت فرار می کنند قرار می دهد، و هم چنان سبب دلسردی کسانی که به آنها کمک می کنند، می شود.

57- مقدمه ای بر سازمان بین المللی انکشاف حقوق، «حقوق و وجایب خود را بدانید: قانون منع خشونت علیه زن»، جزوه بدون تاریخ، <http://www.idlo.int/Publications/EVAW%20ENGLISH.PDF> (آخرین بازدید، 22 فبروی، 2012)

58- مصاحبه ی دیده بان حقوق بشر با څارنوال (ازگرفتن نام خود داری شده است)، کابل، 16 جنوری، 2012.

اکثر زنان و دخترانی که دیده بان حقوق بشر برای تهیه این گزارش مصاحبه کرده است، خشونت های خانواده گی را در زندگی شان تجربه نموده بودند. در بسیاری از موارد علت زندانی شدن زنان بر می گردد به تلاش آنها برای فرار از خشونت ها و تهدید به خشونت ها. از 42 دختر و زنی که در این گزارش با آنان مصاحبه شده است، 22 نفر آنان در نتیجه مستقیم فرار از منزل زندانی شده بودند که می خواستند برای رهایی از خشونت های خانوادگی که توسط شوهران و یا اعضای فامیل بر آنان اعمال می شد، فرار کنند. اکثر مصاحبه شوندگان از اعمال خشونت های خانوادگی گزارش داده اند که نه تنها توسط شوهر، بلکه توسط پدر شوهر، مادر شوهر، خواهر شوهر، برادر شوهر و زنان قبلی و فرزندان آنان علیه آنان اعمال می شده است.

دلیل دیگر برای «فرار از منزل» در میان دختران و زنان جوان مصاحبه شونده در این گزارش، ازدواج های اجباری، و معمولاً ازدواج های خورد سن (غیر قانونی) بوده است. بیشتر آنها با ازدواج های اجباری قریب الوقوع باکسانی مواجهه کرده اند که نمی خواستند با آنان ازدواج کنند. دختران مصاحبه شونده اکثراً تعریف کرده اند که در نخست آنان تلاش نمودند تا پدر و مادر شان را قناعت دهند، اما وقتی متوجه شدند که تلاش آنان نتیجه ندارد، از منزل فرار کردند. در برخی موارد، آنان با دوست پسران خود که می خواستند با آنان ازدواج کنند، فرار کردند. اما تعداد دیگر از دختران گفتند که آنان اصلاً آماده ازدواج نبودند. دختری می گفت که وی به امید آن که بتواند تعلیم اش را تمام کند، همه خواستگاری های خود را جواب منفی داده بود. اما سرانجام خود را شریطی می بیند که تنها گزینه اش برای اجتناب از ازدواج اجباری، ازدواج با شخص دیگری است.⁵⁹

چندین زن و دختر مصاحبه شونده گفتند که تحت فشار مردان مجبور به فحشا شده و پول به دست آمده از آن عمل را نیز مردان می گرفتند. چندین دختر دیگر افزودند که بعد از اختطاف متهم به زنا گردیده اند.

با توجه به داستان های زنان مصاحبه شونده، دیده بان حقوق بشر متوجه شده است که در بیشتر موارد قوانین تبعیض آمیز خانواده و مشکلات زنان برای گرفتن طلاق نقش اساسی ای در فرار زنان از منزل بازی می کند. تعدادی از زنان کوشیده اند که از مردان شان طلاق بگیرند، اما بعد از ناکامی تلاش شان، از منزل فرار نموده اند. تعداد دیگری از زنان که متهم به ارتکاب زنا بودند، گفتند که آنان قبلاً توسط شوهران شان به شکل شفاهی طلاق شده بودند، و با اعتقاد بر اینکه آنان طلاق شده اند با مرد دیگری ازدواج کردند که اکنون متهم به فرار با او شده اند.⁶⁰ بهر حال، آنها در هر دو مورد سندی مبنی بر طلاق و یا ازدواج مجدد نداشتند تا آنان را از اتهام زنا تبرئه کنند.

نزاع بر سر رفتار زنان و دختران در بعضی موارد منجر به قتل میان خانواده ها می گردد. اعضای خانواده زنان سرکش یا کسی که به ظن آنان ابروی خانواده را می برد، هدف به اصطلاح قتل های ناموسی قرار می دهند. با توجه به مصاحبه های زنان و دختران با دیده بان حقوق بشر، تهدید به قتل ناموسی در میان آنها یک امر عادی است: اکثر زنان با آنکه خانواده شان را ترک کرده اند، اعتقاد داشتند که اگر توسط آنها دستگیر گردند به قتل خواهند رسید. تعداد زیادی از زنان و دخترانی که دیده بان حقوق بشر با آنان مصاحبه نموده است گفته اند که آنان از سوی مردان خانواده شان از جمله پدر، شوهر، و گاه گاه برادران شان تهدید به مرگ شده اند.

اکثر زنان و دختران زندانی را که ما با آنها مصاحبه نمودیم، وضعیت اقتصادی خوبی در گذشته نداشته و از خانواده های فقیر و کم سواد جامعه بوده اند. تعداد زیاد آنها یتیم هایی بوده اند که معمولاً توسط اقارب شان بزرگ شده — چیزی که در کشور جنگ زده و شرایط دشوار افغانستان یک امر عادی می باشد. بیشتر از نصف زنان و دخترانی را که دیده بان حقوق بشر مصاحبه نموده است، گفتند که در کل هیچ گونه آموزش رسمی دریافت

⁵⁹ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با خالد پی، 23 نوامبر، 2011.

⁶⁰ قانون افغانستان به شوهر اجازه می دهد که زن خود را با صرف گفتن طلاق نمایند. قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان، نشر در جریده رسمی شماره 353، 5 جنوری، 1977، ماده 139.

نکرده اند. تعداد این گونه زنان در مراکز بزرگ سالان خیلی بالا بوده، و دو سوم از زنان مصاحبه شونده گفتند که اصلاً به مکتب نرفته اند. هیچ یکی از بازداشت شده گان به دانشگاه نرفته بودند. فقر شدید اقتصادی در بین بازداشت شده گان یک امر معمول بوده که در بعضی موارد می توان آن را به عنوان یکی از عوامل اصلی کشیده شدن زنان به فحشای اجباری بر شمرد. به عنوان نمونه، امینه، دختر 17 ساله، می گوید: «وقتی به دنیا آمدم، سرنوشت برباد رفته ای را برایم نوشته بودند.»⁶¹

یکی از موارد عام دیگری که در میان زنان و دختران زندانی مشاهده شد، عدم توانمندی شوهر و یا خانواده در فراهم کردن حمایت های مالی لازم برای فامیل بوده است که زنان را مجبور کرده است تا برای تهیه غذا در بیرون از منزل تلاش کنند. دلایل عدم توانمندی شوهران برای فراهم آوردن حمایت مالی لازم به زنان متفاوت بوده است: بعضی از شوهران به کشورهای همسایه و یا مناطق دور دست کشور در جستجوی کار رفته و در خانه نبوده اند، بعضی دیگر معتاد به مواد مخدر بوده اند، و تعدادی نیز منابع مالی شان را برای زن یا خانم دیگری اختصاص داده بودند.

دستگیری و زندان زنان به دلیل «فرار از منزل»

این بخش شامل داستان زنان و دخترانی می باشد که معمولاً به دلیل خشونت از خانه فرار کرده و سپس به جرم «فرار از منزل» (و در بعضی موارد زنا) دستگیر و محاکمه گردیده اند. آنچنان که در این قضایا آمده است، زنان و دختران به دلایل گوناگون و تحت شرایط متفاوت از منزل فرار می کنند. در بعضی موارد، آنها مدعی اند که در شرایطی متهم به «فرار از منزل» شده اند که در واقعیت امر چنین هدفی را نداشته اند.

قضیه شیلا پی

شیلا پی که 25 سال دارد، به دیده بان حقوق بشر گفت که وی از خانه ی شوهرش در سال 2001 فرار کرد. شوهرم دختر دیگری را دوست داشت. یک روزی آمد و گفت، «من هیچ وقت تو را طلاق نمی دهم، ولی می خواهم با دختر دیگری عروسی کنم.»

شیلا گفت که به شوهرش گفت که شرط او را نمی پذیرد، «نه، من با تصمیم تو موافق نیستم، بخاطری که اگر تو با زن دیگر عروسی کنی، سرنوشت اطفال من چه خواهد شد؟»⁶²

براساس گفته های شیلا، بعد از آن، شوهرش با خشونت با او برخورد کرده و او را مورد لطمه و کوب قرار می دهد. در نتیجه شیلا از خانه فرار می کند. شیلا ادعا کرد که وی به سوی خانه پدرش می رفت که توسط شوهرش گرفتار و به یکی از مراکز فرماندهی پولیس تحویل داده شد و در آنجا متهم به فرار از منزل گردید. پولیس شیلا و شوهرش را دستگیر می کنند. احتمالاً شوهرش را به دلیل آن که باعث ارتکاب «جرم» خانمش شده است، حبس می کنند. شیلا در این مورد گفت، «آنها مرا به اتهام ارتکاب «جرائم اخلاقی» زندانی کردند و به شوهرم گفتند که وی زمینه انجام این عمل را فراهم کرده است. بنابراین، هردوی ما را دستگیر و به زندان انداختند.» در سال 2011، شیلا و شوهرش هردو به یک سال حبس محکوم گردید و آنان یک سال حبس را در زندان سپری نمودند. براساس گفته های شیلا، محکمه حکم را به عنوان یک درس برای این زن و شوهر صادر کرد. شیلا

⁶¹ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با امینه در 2 نوامبر، 2011.

⁶² مسلماً، مطابق قوانین افغانستان، شیلا پی حق مخالفت با شوهرش برای گرفتن زن دوم را دارد، در صورتی که این عمل شوهرش یکی از شرایط مندرج در قانون را نقض کند. قانون مدنی تصریح می دارد:

ماده 86: ازدواج با بیش از یک زن بعد از تحقق حالات آتی صورت گرفته می تواند: (1) در حالتی که خوف عدم عدالت بین زوجات موجود نباشد. (2) در حالتی که شخص کفایت مالی برای تامین نفقه زوجات از قبیل غذا، لباس، مسکن و تدای مناسب را دارا باشد. (3) در حالتی که مصلحت مشروع، مانند عقیم بودن زوجه اولی و یا مصاب بودن وی به مراض صعب العلاج، موجود باشد.

گفت، «محکمه گفت که این حبس باید برای شما هر دو یک درس باشد که دیگر هرگز چنین عملی را مرتکب نشوید.» شیدا افزود که تا هنوز شوهرش می گوید که وی را طلاق نمی دهد، و پدر و مادرش هم می گویند که وی باید دوباره به خانه شوهرش برگردد، چون (شوهرش) «درس خود را گرفته است.» اما شیدا معتقد بود که رفتار شوهرش بعد از آزادی از زندان بدتر خواهد شد، و او را مقصر زندانی شدن خود خواهد دانست. او گفت که برای طلاق گرفتن به کمک ضرورت دارد، اما ضمناً ابراز نگرانی هم کرد:

بعضی وقت ها تصمیم خود را تغییر می دهم. بعضی وقت ها فکر می کنم که طلاق بگیرم، ولی بعضی وقت ها دیگر، در باره بچه خود فکر می کنم. بچه ام نزد مادر شوهرم است. اگر من طلاق بگیرم، آنها بچه ام را به من نخواهند داد.

او به دیده بان حقوق بشر گفت که فکر نمی کند که بتواند با پدر و مادر خود زندگی کند، چون پدرش از ملاقات با او در زندان خود داری کرده است. شیدا معتقد بود که پدرش باور ندارد که او به طرف خانه آنها در هنگام دستگیری می رفت، چون او با مرد دیگری در حال فرار بوده است. وقتی که دیده بان حقوق بشر در مورد موجودیت خانه های امن برای قربانیان خشونت های خانواده گی با شیدا بحث نمود، وی از موجودیت این مراکز کاملاً اظهار بی اطلاعی کرد، «من پیش از این در این مورد چیزی نمی دانستم. اگر می دانستم، شاید به آنجا می رفتم و از آنجا درخواست طلاق می کردم.»⁶³

قضیه ثریا وای

ثریا وای در سن 12 سالگی برای ازدواج به کسی داده می شود که خانواده اش از آنها به دلیل فرار برادرش با یکی از دختران آن خانواده مدیون آنان است. ثریا می گوید که همسرش او را مورد لطمه و کوب و اذیت و آزار قرار می داد. هر وقت نزد پدرش برای درخواست کمک می رفت، پدرش او را به بردباری فرا می خواند و می گفت که صبر داشته باشد.

ثریا گفت که بعد از نه سال زندگی مشترک و داشتن سه فرزند – در حالی که در وقت تولد فرزند اول تنها 13 سال داشت – شوهرش او را متهم به فرار از منزل با مردی می کند که از قبل با او دشمنی داشت. اما ثریا می گوید که آن مرد را قبل از دستگیری و حضور در دادگاه که هر دو یکجا در آن حضور پیدا می کنند، هرگز ندیده بود. این در حالی است که وی متهم به «فرار از منزل» و زنا با آن مرد شده است. ثریا به دیده بان حقوق بشر گفت، «شوهرم این داستان را ساخت تا از یک سو از دست من خلاص شود، و از سوی دیگر، آن مرد را ضربه بزند. دو روز بعد از دستگیری من، شوهرم با زن دیگری ازدواج کرد.»

ثریا به پنج سال و نیم حبس محکوم گردیده است. مردی که متهم به «فرار از منزل» و زنا با او شده است به مجازات شش سال و نیم حبس محکوم گردیده است.

ثریا به دیده بان حقوق بشر گفت که در زمان دستگیری حامله بوده و طفلی را که پسر بوده در زندان به دنیا آورده است که سه هفته بعد از تولدش از دنیا می رود. ثریا در مورد رواج «بد» گفت:

بد یک رواج بدی است. اگر [بعضی افراد] عاشق هم می شوند، باید به آنها اجازه داده شود تا با هم دیگر ازدواج کنند. چرا من قربانی آنها شوم؟ اگر چنین چیزی صورت می گیرد، [دست

⁶³ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با شیدا پی، 2 نوامبر، 2011.

کم خانواده ها در آنجا] باید میان هم توافق کنند که با ما رفتار خراب نکنند، شوهرم مرا دوست داشته باشد و با من برخورد مناسب کند.⁶⁴

قضیه سعیده تی

سعیده ت که 16 سال دارد، سه سال را در مرکز اصلاح و تربیه اطفال تا سال 2011 سپری می کند. او به دیده بان حقوق بشر گفت که بدبختی اش زمانی آغاز شد که با برادرش جهت بازدید یکی از اقارب خود روانه یک سفر طولانی می شوند. اما در میان راه وقتی می خواهند که تاکسی شان را تبدیل کنند از هم دیگر جدا می شوند. سعیده با منطقه نا آشنا بوده و نمی تواند برادر خود را پیدا کند و همچنین شماره تلفونی ندارد که بتواند توسط آن به اقارب خود زنگ بزند. در نتیجه وحشت زده می شود. او به دیده بان حقوق بشر گفت، «من در آن لحظه یک پدر و مادری را با پسر شان دیدم. آنها ادم های خوبی معلوم می شدند و به من گفتند که تا برادرم را پیدا می کنم، با آنها باشم.»

سعیده افزود که وی دو شب را با آن خانواده سپری کرد و وقتی از پیدا کردن برادرش ناامید شد، تصمیم گرفت که به خانه برگردد. آن خانواده به او می گویند، «تو نمی توانی به تنهایی مسافرت بکنی.» از اینرو، مادر خانواده برادر خود را فرا می خواند و می گوید، «ایشان شما را همراهی می کند.»

وقتی از خانه دور می شوند، برادر خانم به اذیت و آزار او شروع می کند.

از من می خواست که با او ازدواج کنم. من گفتم که نه، من نامزد هستم. او گفت، «تو باید با من ازدواج کنی، چون تو دو شب را در خانه من سپری کرده ای. پدر و مادرت [درموردتو] فکر های بد خواهد کرد.» من رد کردم. سپس او مسیر تاکسی را تغییر داد و مرا به یک [ایستگاه] دیگر تاکسی برد. در آنجا، دو مامور پولیس تحقیقات جنایی پیدا شدند و از او در مورد من سوال کرد. او جواب داد، «خانم من است.» مامورین نام پدر او را از من پرسیدند. من گفتم، «نمی دانم. چون من ایشان را نمی شناسم.» بعد آنها هردوی ما را دستگیر کردند.

سعیده گفت که آن مرد به پولیس گفته بود که ما از مدت شش ماه به این سو با هم دیگر دوست بوده و رابطه جنسی داشته ایم. سعیده افزود که سپس خانواده آن مرد آمد و به من گفت که من هم باید همین موضوع را بگویم چون این حرف می تواند زمینه آزادی او (سعیده) و آن مرد را فراهم کند. سعیده گفت، «از اینرو، من در ابتدا همین موضوع را گفتم، اما سپس معاینات طب عدلی نشان داد که من باکره هستم.» بهر حال، سعیده به جرم فرار از منزل محکوم به سه سال حبس در مرکز اصلاح و تربیه اطفال می شود. وی می گوید که نامزد و خانواده اش بالای او اعتماد دارند، و خانواده اش بعد از رهایی از زندان او را به خانه بر می گرداند.⁶⁵

قضیه فرح جی

فرح جی که 16 سال دارد، به دیده بان حقوق بشر گفت که عاشق دوست برادر خود شده بود:

من خواهر او را می شناختم. یکی از دخترانی بود که در مکتب با هم دوست بودیم. ما [من و آن بچه] نیز همدیگر را می شناختیم، اما هیچ گپی در میان ما نبود. بعد از اینکه کمی به هم نزدیک تر شدیم، او از خانواده ام خواستگاری کرد که ما با هم ازدواج کنیم. خانواده ام جواب

⁶⁴ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با ثریا وای، 1 نوامبر، 2011.

⁶⁵ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با سعیده ت، 22 نوامبر، 2011.

رد داد. من گفتم درست است، هر چیزی که پدرم بگوید قبول دارم، ولی آن بچه در همسایگی ما زندگی می کرد.

براساس گفته های فرح، مادر آن پسر به آنان پیشنهاد می کند که با هم فرار کنند، تا پدر دختر را به این طریق مجبور کنند که به ازدواج آنها رضایت دهد. فرح اصرار می کند که او پیشنهاد فرار را نمی پذیرد، و از آنها دو هفته فرصت می طلبد که در این مورد فکر کند.

در آن مدت بعضی فامیل های دیگر نیز از من خواستگاری نمودند. سرانجام پدرم به یکی از آنان جواب مثبت داد. اما من به آن راضی نبودم، و نمی خواستم [در آن] خانه زندگی کنم. بعد من به بچه گفتم، «من با تو فرار می کنم، اما به شرطی که تو باید قول بدهی که در تمام زندگی با من راست و صادق باشی.»

در سال 2011، فرح با آن پسر به خانه یکی از پسرهای کاکای او که در یک منطقه دیگر قرار داشت فرار می کنند. بعد از فرار، فرح به برادرش زنگ می زند و می گوید که از خانه فرار کرده است. برادرش از او می خواهد که به خانه برگردد و می گوید در صورتی که برگردد، فامیل به او اجازه خواهد داد که با دوستش ازدواج کند. آنها تصمیم می گیرند که برگردند. اما در راه یکی از پوسته های پولیس متوجه می شود که آنها با هم ازدواج نکرده و با هم فرار کرده اند. فرح به اتهام «فرار از منزل» به دو سال حبس در مرکز اصلاح و تربیه اطفال محکوم می شود. فرح اظهار داشت که دوست پسرش چون «کسی را در پولیس می شناخت»، رشوت داد و آزاد شد. اما او در زندان باقی ماند.⁶⁶

قضیه رخشانه اف

رخشانه اف که 16 سال دارد، به دیده بان حقوق بشر گفت که او با پسر همسایه اش که عاشق او بود فرار کرد. رخشانه مدعی بود که فامیل اش به دلیل بد بودن وضعیت اقتصادی آن پسر با ازدواج آنان مخالف بود. آنان بعد از فرار و قبل از آن که به شهر دیگری بروند و یکجا با هم زندگی کنند، ازدواج می کنند. آنها تا وقتی با هم یکجا زندگی می کنند که مطلع می شوند فامیل او پدر، برادر و خواهر پسر را به اتهام اختطاف او به زندان انداخته اند.

رخشانه اظهار داشت که وی به قریه شان بازگشته و یکجا با شوهرش به قوماندانی پولیس می روند تا در مورد بی گناهی خانواده شوهرش به آنان معلومات دهند. گرچند خانواده شوهرش از بند آزاد گردیدند، اما او و شوهرش به اتهام «فرار از منزل» به پنج سال حبس محکوم گردیدند. رخشانه علاوه نمود که وی در زمان دستگیری حامله بوده و طفلش که دختر بود در زندان متولد شده است. دخترش در جریان مصاحبه با مادرش حضور داشت.⁶⁷

قضیه پروین دی و رویا اس

پروین دی، که 21 سال دارد، و رویا اس، که سن اش را نمیداند، دوستان خیلی نزدیک به هم بودند. براساس مدارک محاکم، پروین و رویا یک روزی از طریق تلفون با هم تماس می گیرند، و رویا به طور محرمانه به پروین می گوید که وی مشکلات جدی ای با شوهرش دارد، و اگر امکان داشته باشد می خواهد با اطفال خود به خانه آنها آمده و با پروین و شوهرش زندگی کنند. براساس اظهارات گرفته شده پروین در قوماندانی پولیس، او به رویا می گوید که اگر شوهرش با او باشد و یا اجازه بدهد هیچ گونه مانعی در برابر آمدن آنان به خانه آنها وجود

⁶⁶ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با فرح جی، 28 نوامبر، 2011.

⁶⁷ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با رخشانه اف، 21 نوامبر، 2012.

ندارد، اما او نباید بدون اجازه شوهرش خانه را ترک کند، در غیر آن صورت، آنان به شکل قطعی با مشکل مواجه خواهند شد.⁶⁸

به هر صورت، بعد از مدتی رویا با چهار طفل خود به خانه پروین می آیند. پروین و شوهرش، در واقع، بعد از یک یا دو روزی متوجه می شوند که رویا از خانه شوهرش فرار نموده است، و شوهرش نیز نمی داند که او در کجا است. آنها از ترس اینکه مبدا خودشان دچار مشکل شوند، با شوهر رویا تماس می گیرند و می گویند که خانم و اطفال او در خانه آنها می باشند. براساس اسناد دادگاه، فرزند بزرگ رویا از این تماس تلفونی مطلع شده و موضوع را به مادر خود می گوید. صبح روز بعد، رویا همراه با پسر کوچک اش از خانه ناپدید می شود.

شوهر رویا برای گرفتن اطفال خود به خانه آنها می آید و بعد از گرفتن فرزندان خود، همراه با پروین و شوهرش به طرف شهری که آنها زندگی می کنند حرکت می نمایند. وقتی آنان به آنجا می رسند، شوهر رویا به پولیس می گوید که پروین و شوهرش در فرار خانمش از خانه دست داشته و همکاری کرده اند. پولیس هردوی آنان را دستگیر و بر اساس ماده 130 قانون اساسی افغانستان به اتهام «معاونت و همکاری» در جرم «فرار از منزل» دستگیر می کنند.

محکمه ابتدائیه پروین و شوهرش را به سه سال حبس محکوم می کند. محکمه استیناف محکومیت آنها را تایید می نماید، اما مجازات آنان را از سه سال به یک سال کاهش می دهد. محکمه استیناف در فیصله خود چنین نوشته است:

اگر متهم [پروین و شوهرش] واقعاً حسن نیت می داشتند، باید طوری شوهر [رویا] را مطلع می کردند که رویا خبر نمی شد تا زمینه فرار مجدد او فراهم شود. بنابراین، مسئولیت متهمین در معاونت یا همکاری با [رویا] به فرار از منزل ثابت و مستدل بوده، و متهمین براساس ماده 130 قانون اساسی افغانستان مسئول بوده و مجرم شناخته می شوند. ولی از آن جای که متهمین این عمل را بدون آگاهی و با حسن نیت انجام داده اند، هیئت قضایی ضروری می پندارد تا دوره مجازات آنان را تعدیل نمایند.⁶⁹

قضیه اسماء دلیو

اسماء دلیو که 36 سال دارد، از سابقه طولانی مشکلات خانوادگی خود و از خشونت های که از دست شوهرش متحمل شده بود با دیده بان حقوق بشر حرف زد. شوهرش یک بار او و چهار فرزندش را تنها و بدون کدام حمایت مالی رها می کند تا از محاکمه برای جرمی که مرتکب شده بود فرار کند. بار دیگر، اسماء مطلع می شود که شوهرش به او خیانت می کند و باوجود داشتن رابطه زن و شوهری با او، با یک زن دیگر رابطه دارد. اسماء از بزرگ کردن و سرپرستی اطفال به تنهایی کاملاً خسته می شود. هنگامی که مطلع می شود شوهرش به او خیانت می کند، ناراحت شده و تصمیم می گیرد خود را آتش بزند. در هنگام مصاحبه با دیده بان حقوق بشر، او یک طرف بدنش را نشان داد که آثار و علایم سوختگی در آن کاملاً هویدا بود. اسماء اظهار داشت که وی همیشه با شوهرش به دلیل خیانت به او نزاع داشته است و متوجه می شود که شوهرش از طریق آمیزش جنسی او را به یکی از بیماری های مقاربتی مبتلا کرده است. او افزود که (شوهرش) یک مرد خشن و تندخو بود، و یک بار آب جوش بر او ریخت، و لباس های او را درید و تهدید کرد که اسید بر روی او خواهد پاشید. اسماء با مراجعه به

⁶⁸ اظهارات پروین دی نزد پولیس، اوراق محاکم در لوی خاړنوالی، قضیه پروین دی، در تاریخ جنوری 23، 2012 توسط دیده بان حقوق بشر بررسی شد.

⁶⁹ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با پروین دی، 31 اکتبر، 2011.

کمیسیون حقوق بشر از آنان کمک می‌خواهد و از طریق کمیسیون حقوق بشر به خانه‌های امن معرفی می‌گردد. اما تنها چند روزی را در آنجا می‌ماند: اسما به دیده بان حقوق بشر گفت:

کمیسیون مستقل حقوق بشر از شوهرم خواست که به خانه امن بیايد. وقتی آمد، گریان کرد و گفت، «من هرگز زنم را طلاق نمی‌دهم، چون او را دوست دارم.» او مرا به خانه برد. بعد از این که اشک خود را پاک کرد، به من گفت، «دیدي، که من می‌توانم تورا از این جاها هم بیرون کنم.»

در سال 2011، اسما از خانه فرار می‌کند. او مدعی است که شوهرش چندین مرتبه او را به شکل شفاهی طلاق داده است، اما هیچ گونه سند و مدرکی مبنی بر ادعای خود در دست ندارد. اسما در همکاری با یک دوست مرد و همکار سابق خود از خانه فرار می‌کند. اسما با اعتقاد براین که او طلاق شده است و برای آن که بتواند با دوست خود مشترک یکجا زندگی کند با او ازدواج می‌کند، «نه به خاطر آن که می‌خواستم، بلکه به خاطر آن که می‌خواستم که از شوهر قبلی خود دور باشم و چون به تنهایی نمی‌توانستم زندگی کنم، با دوستم ازدواج کردم. هیچ نمی‌دانستم که به غیر از این چی کار کنم.»

اما بعد از پیدا کردن او، شوهرش از دادن طلاق به او انکار کرده و او را متهم به «فرار از منزل»، زنا و دزدی می‌کند. اسما دستگیر می‌گردد. در هنگام مصاحبه با دیده بان حقوق بشر، او تنها چند هفته ای از زندانی شدن او سپری می‌شد و دادگاه فیصله‌ای در مورد او صادر نکرده بود. شوهر دوم اسما نیز دستگیر و تفهیم اتهام شده بود. اسما به دیده بان حقوق بشر گفت:

حکومت باید یا مرا به دار بزند و یا طلاق ام را بگیرد. من نه شوهر اولم را می‌خواهم و نه دوم را. من می‌خواهم طلاق بگیرم و با اطفالم زندگی کنم. من می‌پرسم که چرا حکومت حقوق یک زنی که رنج می‌کشد را نمی‌دهد.⁷⁰

زنانی که به تعقیب ازدواج اجباری به دلیل «فرار از منزل» زندانی و دستگیر شده اند بعضی از زنان و دخترانی که با دیده بان حقوق بشر در جریان تهیه این گزارش مصاحبه نمودند، اظهار داشتند که زندگی شان پس از تن دادن به ازدواج های اجباری غیر قابل تحمل شد. آنان می‌گفتند که پس از تحمل ناراحتی ها و بد رفتاری ها و هم چنین خشونت های خشن فیزیکی، چاره ای نداشتند جز اینکه از خانه فرار کنند. بعضی از این زنان قبل از اینکه تصمیم به فرار بگیرند، سالها رنج و خشونت را تحمل کرده بودند. یکی از مسئولین محابس زنانه ضمن مصاحبه با دیده بان حقوق بشر اظهار داشت، «ریشه تمام مشکلات زنان محبوس در ازدواج های اجباری نهفته است. اعضای خانواده این زنان هیچ گونه مشورتی با آنها در مورد ازدواج آنان نمی‌کنند.»⁷¹

قضیه بشیره اس

بشیره اس که 14 سال دارد به دیده بان حقوق بشر گفت که هنگامی که وی 12 سال داشت پدرش وی را با پسرکاکایش که پسرکلان خانواده بود که بشیره در آنجا بزرگ شده بود، نامزد نمود. بشیره گفت، «من از نامزد شدن و عروسی کردن با پسرکاکایم راضی نبودم. تنها 12 سال عمر داشتم زمانیکه مجبور شدم با پسرکاکایم عروسی کنم.»

⁷⁰ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با اسما دلبلیو، نوامبر 1، 2011.

⁷¹ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با رییس محبس زنانه (ازگرفتن نام خود داری شده است)، 28 نوامبر 2011

بشیره کوتاه مدتی پس از عروسی حامله می گردد. اما روابط زنا شویی وی با شوهرش خوب پیش نمی رود. بشیره گفت، «شوهرم با من جنگ و مشاجره کرده و مرا مورد لُت و کوب قرار می داد. شوهرم می گفت که شما مرا دوست ندارید. چون شما در اول نمی خواستید که بامن عروسی کنید.»

در سال 2011، بشیره با فرار از منزل به خانه عمه خود پناه می برد و مدت 10 روز را در آنجا سپری می کند. بعد از پیدا نمودن شماره تلفون ریاست تحقیقات جنایی، با آنان تماس گرفته و می گوید، «من از خانه شوهرم فرار کرده ام، چون با من جنگ کرده و مرا زیاد لُت و کوب می کرد.» موظفین پولیس وی را برای مدت 15 روز به یک خانه امن می فرستند. بر اساس اظهارات بشیره، موظفین عدلی و قضایی با اعضای خانواده پدرشوهر او نیز تماس می گیرند. اعضای خانواده پدرشوهر بشیره او را متهم می کنند که وی همراه با پسر عمه اش به قصد ارتکاب جرایم اخلاقی فرار نموده است. بشیره این اتهام رد نموده و گفت:

من صرفاً می خواستم به آنان اطلاع بدهم که طلاق مرا بگیرند و از قید نکاح آن مرد آزاد سازند... من گفتم، «نه، قضیه به این شکل نیست. من او [پسر عمه ام] را دوست ندارم. هیچ گاه او را دوست نداشته ام. من اینجا آمده ام، چون جای دیگری برای رفتن نداشتم. من نمی توانستم به خانه کدام بیگانه بروم. ... به همین خاطر به اینجا آمدم.» اما، بعداً آنان مرا به اینجا [مرکز اصلاح و تربیت اطفال] معرفی نمودند.

بعدها، بشیره دستگیر گردیده و به اتهام ارتکاب جرم «فرار از منزل» به دوسال در مرکز اصلاح و تربیت اطفال محکوم می گردد. پسر عمه بشیره دستگیر نمی گردد. زمانیکه از بشیره سوال شد که دولت چه کارهای را می تواند برای بهبود وضعیت دخترانی مانند او انجام دهد، در جواب گفت:

من نمی دانم. من به ارگان های دولتی جهت درخواست کمک مراجعه کردم، ولی آنان به عوض کمک مرا به اینجا [مرکز اصلاح و تربیت اطفال] آوردند. ما در این جا کدام مشکل خاصی نداریم. اینجا نسبت به خانه بهتر است. غذا، لباس و امکانات صحتی برای ما آماده است.

بشیره در نظر دارد تا پس از رهایی از مرکز اصلاح و تربیت اطفال به «خانه امن» برود.

مادران درم (نامادری ام) یگانه کسی است که به دیدنم می آید. او مرا تشویق می کند که به خانه شوهرم بازگشته و با وی زندگی کنم. من می گویم، «نخیر، بعد از این همه مشکلات نمی توانم که به خانه شوهرم بازگردم. آنان مرا بیشتر از این لُت و کوب خواهند کرد. من طلاق می خواهم. شوهرم در محکمه به من گفت، «من اول تو را به خانه می برم، بعداً به شما طلاق می دهم.» من گفتم، «نخیر، تومی خواهی مرا به قتل برسانی.»

پسر بشیره هم اکنون نزد شوهرش هست.⁷²

قضیه جوانه اس

جوانه اس سن دقیق خویش را نمی داند، اما فکر می کند که حدود چهل و یا چهل و چند سال عمر دارد. وی به دیده بان حقوق بشر اظهار داشت که به زنی مردی داده شده بود که خانواده اش با طالبان ارتباط داشت. خانواده شوهرش یک خانواده قدرتمند بوده و مردم محل از آنان می ترسید. پدر جوانه اس در ابتدا در برابر خواست خانواده داماد

⁷² مصاحبه دیده بان حقوق بشر با بشیره اس، 28 نوامبر 2011.

مقاومت کرد. اما پدر داماد او را به مرگ تهدید نموده و در ضمن تعداد 120 راس گوسفند و تقریباً مبلغ 4,000 هزار دالر امریکایی به عنوان طویانه به وی پیشنهاد می کند. در نتیجه پدر جوانه موافقت می کند. براساس اظهارات جوانه، پس از عروسی وی، پدر شوهر جوانه بار دیگر به خانه پدر وی رفته و از خواهر دیگر او را برای ازدواج با یکی دیگر از پسرهایش خواستگاری می کند. به گفته جوانه، یکی از برادران وی در مقابل خواسته های فامیل پدر شوهر جوانه مقاومت می کند و در نتیجه از جانب آنان به قتل می رسد.

براساس اظهارات جوانه، پدر شوهرش از او خواست که با وی زندگی کند و بعد تلاش کرد که با او [جوانه] رابطه جنسی داشته باشد. به گفته جوانه، شوهر وی از این واقعه آگاهی داشت، اما کاری از دست او ساخته نبود. جوانه می گوید که وی جهت درخواست کمک به بزرگان محل مراجعه نمود، اما یکی از پسران پدر شوهرش او را به دلیل ناراحت کردن پدرش تهدید به مرگ کرد. جوانه می گوید، «ملاهای محل از من حمایت کردند و سپس من گفتم که طلاق می خواهم.»

جوانه می گوید که شوهرش با طلاق دادن وی موافقت کرد، اما برادر جوانه از عواقب آن می ترسید. برادرش می گفت، «ما یکی از برادران خویش را از دست داده ایم و خسریل شما با طالبان ارتباط دارند. آنها تمام ما را به قتل خواهد رساند. بهتر است که به خانه شوهر خویش نزد اطفال ات برگردی.»

جوانه به این نتیجه می رسد که اگر وی در خانه شوهرش زندگی کند، اعضای مرد فامیل پدر شوهرش وی را خواهند کشت. بنابراین، جوانه به شهر همجوار فرار می کند و با مرد جوان تر از خود که می خواهد با ایجاد پیوند زناشویی با جوانه بهتر او را کمک کند، عقد زناشویی می بندند. جوانه می گوید که من با شوهر اول ام که قبلاً به من اجازه داده بود تا فرار نمایم تماس گرفته و وضعیت ام را برایش بازگو کردم. براساس اظهارات جوانه، شوهر اول اش گفت، «هرچه میخواهی بکن.» براین اساس، جوانه با مرد دوم ازدواج و در خانه اش زندگی می کند. اما، پس از گذشت یک سال، شوهر اول جوانه وی را متهم به «فرار از منزل» و سرقت پول نقد از خانه می کند. در نتیجه، جوانه و شوهر دوم اش توسط پولیس دستگیر می گردند. جوانه و شوهر دومش هر دو به سه سال حبس محکوم می گردند.

جوانه به دیده بان حقوق بشر گفت، «من از اینجا راضی هستم. من دیگر نمی ترسم و می دانم که هیچ کسی هنگام شب به محبس آمده مرا نمی کشد.»⁷³

قضیه فاطمه ای

فاطمه که 18 سال دارد، درس 15 سالگی مجبور می شود ازدواج کند. وی می گوید که من از ابتدا با این ازدواج مخالف بودم. در حالیکه شوهر فاطمه با زن اول اش براساس رابطه عاشقانه با هم ازدواج کرده بودند. زندگی فاطمه تا چند ماه پس از ازدواج قابل تحمل بود. اما مشکل زمانی به وجود می آید که پدر شوهر فاطمه از وی می خواهد که با او رابطه جنسی داشته باشد. فاطمه گفت:

خسرم از من خواست تا با وی رابطه جنسی داشته باشم. برای یک بار قبول کردم. ولی زمانی که خسرم برای بار دوم از من تقاضا کرد، من گفتم که به پولیس و یا هر کسی دیگری که بتواند مرا کمک کند از شما شکایت خواهم کرد.

⁷³ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با جوانه اس، 29 نوامبر 2011.

فاطمه می گوید که من مشکلم را با شوهر و برادران شوهرم در میان گذاشتم، اما هیچ یکی از آنها حرف هایم را باور نکرده و به آن توجه نکردند. او گفت:

هیچ کس گپ هایم را باور نمی کرد و هیچ کس بر من اعتماد نداشت. آنها می گفتند، «نخیر، شما دروغ می گوید؛ شما به پدر ما تهمت می بندید.» تنها کسی که به حرفهایم گوش داده و آن را باور می کرد، مادر شوهرم بود. او می گفت، «بلی، این مرد یک آدم پستی است. از او این انتظار می رود.»

فاطمه از خانه فرار می کند و مدتی را در خانه های اقارب خویش سپری می کند، اما سرانجام تصمیم می گیرد که به یک شهر دیگر که خواهر اش در آنجا زندگی می کند، برود. وقتی به آن شهر می رسد، فاطمه با مردی که ساکن آن شهر است و از طریق تلفون با او در چند ماه اخیر تماس داشته، ارتباط می گیرد. فاطمه اصرار دارد که آن مرد بر اساس خواهش فاطمه با وی همکاری نموده و پیام های او را به مادر اش می رساند. بر اساس اظهارات فاطمه، این مرد پس از آن که فاطمه از او می خواهد که با هم ببینند به ملاقاتش می آید. اما بلافاصله هردوی آنان توسط پولیس دستگیر می گردند. آن مرد به اتهام ارتکاب جرم دیگری که با فاطمه هیچ مرتبط نیست از قبل تحت پیگرد پولیس قرار دارد. پولیس فاطمه را دستگیر و متهم به به جرم «فرار از منزل» می کند.

زمانیکه دیده بان حقوق بشر با فاطمه مصاحبه نمود، وی مدت یک ماه را در مرکز اصلاح و تربیت اطفال سپری کرده و هنوز دوسیه اش به محکمه فرستاده نشده بود. فاطمه گفت که وی امید وار است از شوهرش طلاق بگیرد. به گفته فاطمه، شوهرش با طلاق وی موافقت نموده، اما از او خواسته است که پدرش را به جرم تجاوز جنسی و یا زنا متهم نکند. فاطمه می گوید، «هر چه خداوند بخواهد، خواهد شد.» مردی که همراه با فاطمه دستگیر گردیده بود، نیز در محبس می باشد. اما فاطمه از سرنوشت او چیزی نمی داند.⁷⁴

قضیه گلاره ج

گلاره ج که 22 سال دارد، در جریان مصاحبه با دیده بان حقوق بشر اظهار داشت که وی در هنگامی که 15 سال داشت، مجبور شد که برخلاف میل خود تن به ازدواج دهد. پدر شوهر گلاره در هنگام تولد وی با شخص دیگری قرار می بندد که دخترش را به عقد پسرش در آورد، اما بنا بر دلایلی که برای گلاره روشن نیست، پدر شوهرش از آن تصمیم خود صرف نظر کرده و تصمیم می گیرد که گلاره را به عقد نکاح پسرش در آورد. گلاره گفت که این موضوع باعث بروز اختلافات میان اعضای خانواده پدر شوهر او گردید. اما در آن هنگام، خانواده گلاره از این اختلافات اطلاعی نداشتند. گلاره به دیده بان حقوق بشر گفت:

من مشکلات زیادی بابت خشونت های خانوادگی داشتم. تمام اعضای خانواده شوهرم با من بد رفتاری می کردند. قبل از نامزدی، خسرم به خانه ما آمد و از من برای پسر خود خواستگاری نمود. ولی از زمانیکه عروسی ما صورت گرفت، همین خسرم بود که مرا بارها لت و کوب کرد.

گلاره می گوید که برادران شوهرش نیز وی را مورد لت و کوب قرار می دادند. در نتیجه، گلاره به یکی از خانه های امن پناه می برد و ضمن تقاضای کمک، از مسئولین خانه امن می خواهد که با وی در قسمت گرفتن طلاق نیز همکاری کنند. اما مسئولین خانه امن، او را به شوهرش تسلیم داده و از او تعهد می گیرند که اعمال زشت خویش را در آینده تکرار نکند. اما شرایط برای گلاره از قبل بدتر می شود. گلاره گفت:

⁷⁴ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با فاطمه ای، 28 نوامبر 2011.

شوهرم به من می گفت، « حالا تو راه ها و چاه های را بلد شدی که می توانی در آنجا بر علیه ما شکایت کنی.» وضعیت زندگی من روز به روز بدتر می شد، تا اینکه مجبور شدم که از خانه فرار کنم.

گلاره می گوید که من به یکی از دخترانی که دوستم بود، زنگ زدم و گفتم که می خواهم به یکی از کشورهای همجوار فرار کرده و از آنجا به فامیل پدرم ملحق شوم. دوستم به برادر خود گفت که مرا همراهی کند. اما هنگام عبور از سرحد کشور همجوار توسط پولیس دستگیر شدیم.

گلاره به جرم «فرار از منزل» با برادر دوست خود به هفت سال حبس محکوم گردید. زمانیکه دیده بان حقوق بشر با گلاره مصاحبه کرد، وی مدت دو سال از حبس خود را سپری کرده بود. گلاره می گوید که برادر دوستم تنها می خواست که با من کمک کند. ما هیچ نوع رابطه جنسی با هم نداشتیم و فعلاً نیز هیچ چیزی در مورد او نمی دانم.

گلاره فعلاً یک پسر دارد که با او در محبس بسر می برد. شوهر گلاره موافقت کرده است که وی را طلاق دهد. اما شوهرش می گوید که در صورت جدایی از هم، پسر را با خود نگه خواهد داشت. گلاره می گوید، «دولت باید میزان ازدواج های اجباری را کاهش دهد. نباید ازدواج های اجباری صورت بگیرد.»⁷⁵

قضیه پروانه اس

پروانه اس که 19 سال دارد، هنگامی که 16 سال داشت به شکل بدل به ازدواج داده شد. قرار بود که فامیل شوهر پروانه یکی از دختران شان را در بدل پروانه به یکی از برادران وی بدهد. پروانه می گوید، «درقریه ما کسی از دختر درمورد ازدواج وی چیزی نمی پرسد. آنان به جای دختر درمورد ازدواج وی با پسر مورد نظر تصمیم می گیرند.»

مشکلات زمانی بوجود آمد که فامیل شوهر پروانه از دادن دختر به برادر وی خود داری کردند. به زودی شوهر پروانه رفتار خویش را با وی تغییر داده و او را مورد لت و کوب قرار می دهد. پروانه می گوید، «در اوایل، شوهرم با من روبه نیک داشت. ولی با گذشت یک ماه از زمانی که با پدرم دچار مشکل شدند، شروع به لت و کوب کردن من کرد.»

پروانه می گوید که مادر شوهرم نیز در اذیت و آزار من دست داشت. براساس اظهارات پروانه، وی می دانست که اگر از خانه فرار نماید به اتهام «فرار از منزل» بازداشت خواهد شد، اما با آنهم پروانه به پولیس مراجعه کرده و از آنان می خواهد که او را دستگیر کنند.

در نتیجه، پروانه به جرم «فرار از منزل» به شش ماه حبس محکوم گردید. وی در نظر دارد تا پس از رهایی از محبس به خانه پدرش برگردد – جاییکه پروانه فکر می کند نسبت به خانه شوهرش بهتر است. پروانه گفت:

تلاش می کنم که از شوهرم طلاق بگیرم و یک زندگی مستقل را شروع کنم. من از کلمه «شوهر» نفرت دارم. دلم از شوهر سیاه شده است... اگر می دانستم در صورت ازدواج کردن، با این همه مشکلات مواجه می شوم، در همان آغاز خودم را در دریا غرق می کردم.⁷⁶

⁷⁵ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با گلاره ج، 29 نوامبر 2011.

⁷⁶ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با پروانه اس، 23 نوامبر 2011.

قضیه مرجان دبلیو

مرجان دبلیو که 20 سال دارد، به دیده بان حقوق بشر گفت که بدون آنکه با وی مشورت صورت بگیرد وی به قید نکاح مردی قرار می گیرد. وی می گوید، «من شوهرم را قبل از مراسم ازدواج ندیده بودم.» براساس اظهارات مرجان، شوهر وی یک مرد خشن بوده و زندگی مشترک شان فقط 10 ماه ادامه می یابد. او گفت:

من با او زندگی خوشی نداشتم. او همیشه مرا لت و کوب کرده و با من بد رفتاری می کرد. دریکی از شب ها، او مرا خیلی لت و کوب کرد. او مرا با آینه زد. طوریکه دست و سرم مجروح شد.

براساس اظهارات مرجان، وی ساعت 6 شام همان روز از خانه فرار نمود. او گفت: من خانه را با وضعیت بسیار بد ترک کردم. ذهنم واقعا کار نمی کرد و تمام وجودم درد داشت.

مرجان در چندین همسایه را زد، اما به گفته وی همسایه ها از ترس کمک نکردند. همسایه ها به او می گفتند، «نخیر، شما یک زن جوان هستید، ما نمی توانیم به شما کمک کنیم. ممکن است فردا بر علیه ما ادعایی صورت گیرد. ممکن است ما بخاطر کمک کردن باشما با مشکلات زیادی مواجه شویم.»

مرجان گفت که وی شب را در یک ساختمان خالی سپری کرد. صبح روز بعد، با چشمان اشک آلود از جا برخاسته و حرکت کرد. وی می گوید که یک زن مرا به حوزه پولیس برد و موظفین پولیس وی را به کمسیون مستقل حقوق بشر معرفی کردند. سپس کمسیون حقوق بشر وی را به یکی از خانه های امن فرستاد. براساس ادعای مرجان، کمسیون حقوق بشر با شوهر وی نیز تماس گرفت. شوهرش نیز به حوزه پولیس شکایت نموده و مرجان را به «فرار از منزل» و سرقت جواهرات و پول نقد متهم کرد. در نتیجه، پولیس وی را به اتهام جرم «فرار از منزل» و سرقت بازداشت می کند.

در هنگام مصاحبه با دیده بان حقوق بشر در بازداشت، دوسیه مرجان به محکمه محول نشده بود و چهار ماه از زندانی شدن او تا هنگام نگارش این گزارش سپری می شد.⁷⁷

قضیه عایشه اچ

عایشه اچ که 20 سال دارد، به دیده بان حقوق بشر گفت که وی در 10 سالگی با پسرکاکای خویش نامزد شد. اما نامزد وی قبل از عروسی در یک حادثه به قتل رسید. براساس گفته های عایشه، برادرکلان نامزد وی که از زن اول خود چندین فرزند جوان دارد، از پدر عایشه می خواهد که عایشه را برای وی به عنوان زن دوم بدهد. عایشه گفت:

پدرم گفت، «نخیر، اگر می خواهی که دخترم با پسر شما ازدواج کند، درست است. من او را به پسر شما می دهم.» ولی برادر نامزد قبلی ام اصرار کرد و گفت، «من عایشه را برای پسرم خواستگاری نمی کنم. من خودم می خواهم با او ازدواج کنم.» در نتیجه، او با زور بامن عروسی کرد. او به پدرم گفت، «تو را می کشم و بعد با دخترات ازدواج می کنم.»

⁷⁷ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با مرجان دبلیو، 2 نوامبر 2011.

عایشه هنگام عروسی 16 ویا 17 سال داشت. به گفته عایشه، وضعیت زندگی او برای چندین ماه خوب بود. اما با مرور زمان، زن اول شوهرش خصومت و دشمنی شدیدی را با وی شروع می کند. عایشه باور دارد که کسی زن اول شوهرش را جادو کرد که رابطه وی با عایشه خراب گردید. او گفت:

رفتار شوهرم بامن کاملاً فرق کرد. پسر اندرم (ناپسری ام) مرا بارها لت وکوب کرد و همچنین، شوهرم نیز پس از جادو خوردن مرا بارها لت وکوب کرد. پسر اندرم زمانی که مرا لت می کرد، می گفت، «چرا با پدرم عروسی کردی؟ چرا به خانه ما آمدی؟» اونمی خواست که پدرش زن دوم داشته باشد.

براساس اظهارات عایشه، فامیل شوهرش تمام کارهای خانه را توسط او انجام می داد و او را بارها از غذا ولباس محروم کرده بودند. وی همچنین می گوید که شوهرش با مردان جوان نیز درخانه لواط می کرد. و زمانی که عایشه با عمل وی مخالفت می کرد، توسط شوهرش مورد لت وکوب قرار می گرفت. به همین دلیل عایشه تصمیم می گیرد که از خانه فرار کند. یکی از پسران همسایه به عایشه کمک می کند تا فرار کند. اما، زمانی که می خواهند از نزدیک قرارگاه پولیس بگذرند، توسط آنان بازداشت می شوند. بعد از اینکه عایشه داستان خود را به مامورین پولیس تعریف می کند، آنان او را به خانه امن معرفی می کنند. اما بعد از آن که شوهر عایشه وی را متهم به «فرار از منزل» می کند، توسط پولیس بازداشت می گردد. بعد از سپری شدن مراحل تعقیب و محاکمه، عایشه به سه سال حبس محکوم می گردد.⁷⁸

قضیه مژگان ای

مژگان ای که 16 سال دارد، یتیم است. اومی گوید که پس از فوت والدین ام در خانه کاکایم زندگی می کردم. به گفته مژگان، کاکای مژگان وی را غالباً مورد لت وکوب قرار می داد و در سن 14 سالگی، او را به عقد نکاح برادرزاه خود که 40 ساله بود در می آورد. پس از شش ماه، شوهر مژگان وی را در کنار برادر زن قبلی و زن اش رها نمود.

در یکی از روزها، پس از اینکه مژگان و زن برادر شوهرش باهم مشاجره کرده بودند، برادر شوهرش وی را مورد لت وکوب قرار می دهد. مژگان در همان روز از خانه فرار نموده و می خواهد که به خانه پسرکاکای خود برود. اما او آدرس خانه پسرکاکایش را فراموش کرده و نمی داند که در کجا قرار دارد. هنگامی که در کوچه و پس کوچه ها در جستجوی خانه پسرکاکایش سرگردان می گردد، پولیس وی را دیده و جویای احوال او می شود. مژگان توضیح می دهد که گم شده است، سپس مامورین پولیس او را به خانه امن رهنمایی می کنند. اما سه هفته بعد، به دنبال شکایت شوهر مژگان، همین مامورین پولیس دوباره به خانه امن آمده، و او را به اتهام جرم «فرار از منزل» بازداشت می کنند. در حالیکه شوهرش وی را قبلاً ترک کرده بود.

زمانیکه دیده بان حقوق بشر با مژگان مصاحبه نمود، وی چندین هفته را تحت بازداشت سپری کرده بود، اما اعتقاد داشت که در نهایت آزاد خواهد شد. مژگان گفت که وی نمی خواهد به خانه شوهرش برگردد و امیدوار بود که کاکایش وی را با خود به خانه ببرد. مژگان گفت، «کاکایم مرا همیشه لت می کرد. ولی من جای دیگری ندارم که بروم. به کجا بروم؟»⁷⁹

⁷⁸ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با عایشه اچ، 31 اکتبر 2011.

⁷⁹ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با مژگان ای، 28 نوامبر 2011.

زنانی که به خاطر جلوگیری از ازدواج های اجباری قریب الوقوع به دلیل «فرار از منزل» حبس و یا دستگیر گردیده اند

یک تعداد از زنان و دخترانی که با دیده بان حقوق بشر در هنگام تهیه این گزارش مصاحبه کردند، گفتند که آنان به خاطر نجات از تهدید به خشونت، به دلیل مخالفت با ازدواج های اجباری به شمول ازدواج های اجباری زیرسن، از خانه فرار کردند. تعداد دیگر نیز گفتند که آنان برای جلوگیری از ازدواج های اجباری، هیچ گزینه ای به استثنای فرار از منزل نداشتند.

قضیه وژمه ج

وژمه ج. به دیده بان حقوق بشر گفت که پنج سال پیش زمانی که وی 15 سال عمر داشت، به یکی از پسرکاکاهایش به عنوان «بد» به این دلیل داده شد که برادر وژمه با زن پسرکاکایش از منزل فرار کرده بود. وژمه می گوید، «برادرم با زن پسرکاکایم از خانه فرار کرد. در نتیجه، پدرم مرا به عنوان «بد» به پسرکاکایم داد؛ به کسی که زن اول اش همراه برادرم گریخته بود.»

وژمه می گوید که شوهرش نسبت به او در حدود 20 سال بزرگ تر است. وی گفت:

چون او یک مرد خیلی پیر بود، من نمی خواستم که با او عروسی کنم. من با پدرم گپ زدم. به او گفتم، «پسر شما یک کار غلط را کرده است، چرا حالا شما می خواهید که مرا به پسر برادر بدهید؟ او خیلی پیر است. من نمی توانم که با او زندگی کنم.» ولی پدرم به حرف هایم گوش نداد و بدون اینکه بامن چیزی بگوید، مرا به پسر کاکایم داد.

وژمه برای اجتناب کردن از ازدواج، از خانه فرار کرده و به خانه مامای خود می رود. مامای وژمه وی را به قید نکاح پسر خود در می آورد. وژمه با شوهرش چندین سال زندگی می کند و صاحب یک فرزند می گردد که بعداً فوت می کند.

در نهایت، پدر وژمه آنها را پیدا نموده به پولیس شکایت می کند. پولیس هردو [وژمه و شوهرش] را دستگیر می کند. پس از برگزاری دادگاه، وژمه به جرم «فرار از منزل» به شش سال حبس محکوم می گردد. شوهر وژمه نیز به عین مجازات محکوم می گردد. وژمه که در هنگام محکومیت حامله بود، دومین فرزند خود را در زندان به دنیا می آورد. فرزند دوم وژمه همراهی او در محبس بود.

پدر وژمه به او می گوید که بعد از سپری کردن دوران حبس خود، به خانه او [خانه پدر] برگردد و با او زندگی کند، به شرط آن که تنها بیاید و فرزندش را با خود نیاورد. همچنین گفته است که شوهر وی نیز نباید طفل را با خود ببرد. به گفته وژمه، پدرش از او خواسته است که پسرش را بفروشد.

وژمه می گوید که وی و شوهرش پس از سپری کردن دوران حبس شان، امیدوارند که بتوانند باهمدیگر در صلح و آرامی زندگی کنند. اما او نگران است که ممکن است پدرش قصد کشتن او را داشته باشد.⁸⁰

⁸⁰ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با وژمه ج، 1 نوامبر 2011.

قضیه ستوری تی

ستوری تی که 17 سال دارد، به دیده بان حقوق بشر گفت که وی 12 سال عمر داشت که پدرش او را با مردی نامزد کرد که ستوری قبلا او را هرگز ندیده بود. ستوری گفت:

من از دیگران شنیده بودم که بعضی ها می گفتند که داماد آدم خوبی است، اما بعضی ها می گفتند که او آدم بدی است و غیره.... پس کاکایم که قبلا او را دیده بود می گفت، «اولیقت ازدواج با تو را ندارد... و همچنین شما از لحاظ سنی نیز بسیار تفاوت دارید. تو 13 سال عمر داری و او 32 سال. او مثل پدر تو است. با این ازدواج تو زندگی خوبی نخواهی داشت. آینده ات خراب خواهد شد.» ولی من می گفتم که نگران تفاوت سنی نیستم. اگر او آدمی خوبی باشد، اگر او بامن رفتار خوب کند و اگر او مردی خوبی باشد، تفاوت سنی ما کدام مشکلی را بوجود خواهد آورد.

به هر حال، زمانی که ستوری با داماد ملاقات کرد، او متوجه شد که نگرانی های پسرکاکایش بجا بوده است. ستوری می گوید که این مرد به مواد مخدر معتاد بوده و الکل نیز می نوشید. او می گوید، «من با پدرم صحبت نموده و گفتم که من با این مرد ازدواج نمی کنم. او یک شخص معتاد است. او الکل می نوشد و مرد خوبی نیست.»

پدر ستوری در حضور وی از داماد سؤال نمود که آیا ادعاهای ستوری درست است و یا خیر؟ ولی داماد تمام ادعاهای ستوری را رد نموده و گفت که من هیچ دلیل و سندی برای اثبات مدعاهای خود ندارم. بعداً پدرم به من گفت، این مرد نامزد تو است. چرا بدی ها را به او نسبت می دهی؟»

ستوری می گوید که من به پدرم گفتم که می خواهم با مردی دیگری ازدواج کنم. مردی را که دوست داشتم باشم، مثلاً با شخصی که به من کامپیوتر درس می داد. ستوری می گوید که مادرم گفت، «این گپ تو تا صد سال دیگر نیز عملی نخواهد شد.» ستوری نا امید شده به پدر خود می گوید که اگر وی به خواست اش مبنی بر ازدواج با مرد مورد نظرش اصرار ورزد، او دست به انتخار خواهد زد. ستوری می گوید که پدرم در جوابم گفت، «پس برو و خودت را بکش.»

ستوری تصمیم گرفت که همراه با استاد خود که او را درس کامپیوتر می داد از خانه فرار کند. اما وقتی که موتر آنان در راه تصادف می کند، آنها دستگیر می گردند. محکمه ستوری را به یک ونیم سال حبس محکوم می کند، اما استاد او پس از دوماه حبس از زندان آزاد می گردد.

ستوری گفت که مردی که قرار بود با وی ازدواج کند، موافقت کرده است که نامزدی اش را فسخ خواهد کرد، مشروط بر اینکه پدر ستوری مبلغ 6,000 (شش هزار) دلار آمریکایی را که به عنوان جهیزیه از او گرفته بود مسترد نماید. اما اگر پدر ستوری مبلغ متذکره را مسترد نکند، آن مرد نیز از ستوری دست برنخواهد داشت.⁸¹

قضیه زرغونه اف

زرغونه اف که 14 سال دارد، گفت که مادرش وی را پس از مرگ پدرش در پنج سالگی در کنار اقارب خود ترک کرد.

⁸¹ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با ستوری تی، 28 نوامبر 2011.

بستگان زر غونه که که مسئولیت سرپرستی او را به عهده داشتند، افراد بی پروا و خشن بودند. زر غونه می گوید که آنان وی را از رفتن به محافل فامیلی محروم و مجبور کرده بودند که در انزوا زندگی کند. به گفته زر غونه، هیچ یک از اعضای فامیل با او محبت نمی کرد. زر غونه گفت:

من در خانه کاکایم زندگی خوبی نداشتم. ولی با آنهم، تمام مشکلات را تحمل می کردم. ولی این مشکلات زمانی شدت یافت که زن کاکایم از من خواست تا با خواهرزاده او ازدواج نمایم. خواهرزاده او هردو پای خود را در یک حادثه از دست داده بود. زن کاکایم از من می خواست که با او عروسی کنم. به همین خاطر، من از خانه فرار کردم.

زر غونه می گوید که وی موفق شد تا ساعت 4 صبح از خانه کاکای خود مخفیانه فرار نموده و به یک شهر دیگر برود. ولی او در آن شهر کسی را نمی شناخت. در نتیجه پولیس او را شناسایی کرده و به اتهام فرار از منزل دستگیر می کند. زر غونه هنگام صحبت کردن در مورد زندگی خود گفت:

من از تمام چیزهای که اینجا وجود دارد راضی هستم. من اینجا را نسبت به خانه کاکایم ترجیح می دهم. تنها نگرانی من این است که چرانی توانم مادرم را ببینم. ممکن است باگذشت زمان مادرم را نیز فراموش کنم.

زر غونه به اتهام جرم «فرار از منزل» به شش ماه حبس محکوم گردیده است.⁸²

قضیه خالده پی

خالده پی که 17 سال دارد، عاشق پسری شده بود که برای فامیل او لباس می دوخت. او به دیده بان حقوق بشر گفت:

پسری را که دوست داشتم به من می گفت که خانواده اش را جهت خواستگاری به خانه ما روان می کند. ولی من در جواب می گفتم که اول باید مکتب را تمام کنم. تا آن زمان منتظر باشید. فامیل من خبر داشت که من این پسر را دوست دارم و مادرم همیشه می گفت، « نمی گذارم که با این پسر عروسی کنی.»

فامیل خالده به این دلیل با وصلت آنان مخالفت می کرد که پسر خیاط از قبل در سن طفولیت با دختر دیگری نامزد شده بود، و و دیگر اینکه او بیگانه بود و هیچ پیوندی با خانواده های آنان نداشت. در عین زمان، یکی از پسران کاکای خالده می خواست با او ازدواج کند. خالده گفت:

من بارها با ازدواج با پسر کاکایم مخالفت کردم و به مادرم گفتم که پسر کاکایم را دوست ندارم. پسری که مرا دوست داشت به من تلفون کرد و من نیز تلفون را به مادرم دادم. او به مادرم گفت، « من خانواده ام را به خانه شما روان می کنم. من دختر شما را دوست دارم و می خواهم با او ازدواج کنم.» مادرم تلفون را از من گرفت و گفت که دیگر نمی توانم با این پسر صحبت کم. در نتیجه آنان مرا با پسر کاکایم نامزد کردند.

⁸² مصاحبه دیده بان حقوق بشر با زر غونه اف، 28 نوامبر 2011.

خالده گفت که یک هفته بعد، با پسر مورد علاقه اش (خیاط) تماس گرفت و از او خواست که به خانه او بیاید که با هم فرار کنند. پسر مورد علاقه خالده به مکتب آمده و خالده با لباس مکتب با او فرار می کند. خالده می گوید که ما در همان روز پیش یک ملا رفته و عقد نکاح کردیم. سپس، به یک شهر دیگر رفته و در آنجا مخفیانه برای دو و نیم ماه با هم زندگی کردیم. بعد از فرار آنان، اعضای خانواده خیاط نیز از ترس پدر خالده خانه را ترک می کنند و تنها پدر خیاط در خانه باقی می ماند. خالده گفت:

پدرم پدر خیاط را بندی کرده بود. وقتی ما خبر شدیم، شوهرم از برادرش خواست که به [نام محل حذف شده است] رفته و بزرگان محل را جهت حل مشکل آنان به یک جرگه دعوت کند. ما در همان شهر برای 15 روز بودیم. برادران من تمام جاها را پشت ما می گشت. بالاخره، آنها ما را پیدا کردند.

خالده افزود که یکی از قومندانان زورمند آن منطقه به خانه آنها آمد و آنها را به خانه خود برد و وعده سپرد که مشکل موجود میان هردو خانواده را حل کند. خالده گفت:

نمی دانستم که آن قومندان از خانواده من نیز خواسته است تا به خانه او بیاید. تمام اعضای فامیل من در آنجا آمدند. مادر کلان و عمه ام به من گفتند، «بگو که این پسر مرا اختطاف کرده است والا کاکاهای ات تو را می کشد.»

خالده در ادامه گفت که شوهرش موفق شد که با پولیس تماس بگیرد و از آنان بخواهد که به خانه قومندان آمده و آنان را نجات دهد. اما با آمدن پولیس، هردوی آنان به اتهام «فرار از منزل» دستگیر می شوند. در نتیجه، خالده به یک سال حبس و شوهر او نیز به 10 سال حبس محکوم می گردد. خالده معتقد است که کاکایش با دادن رشوت موفق شده است که شوهرش را به ده سال حبس محکوم کند. با آنها، فامیل پدر خالده با این مجازات راضی نیست. او گفت:

کاکایم گفت، «زمانیکه آزاد شدی، به خانه ما می آیی. در آن وقت ما تمام اعضای خانواده، خیاط را می کشیم.» آنان می گویند، «خیاط را حتی بعد از سپری کردن 10 سال حبس، نیز خواهیم کشت و زنده نخواهیم گذاشت.» همچنین اگر من به خانه مادرم بروم، آنان مرا نیز خواهند کشت. زندگی من نیز در خطر است.⁸³

قضیه بهارکیو

بهارکیو که 18 سال دارد، به جرم «فرار از منزل» به سه سال حبس محکوم گردید. او می خواست با فرار از خانه مانع ازدواج اجباری خود با مردی که دوست نداشت گردد. بهار در جریان مصاحبه با دیده بان حقوق بشر گفت:

هفت ساله بودم که پدرم مرا با یک کسی نامزد کرد. وقتی کلان تر شدم، همیشه به فامیل ام - به خصوص مادرم - می گفتم که نمی خواهم با این مرد عروسی کنم. به پدرم گفتم، «من از شما این امید را نداشتم. یک دختر آرزو و آرمان دارد.» ولی پدرم مرا خیلی مورد لطف و کوب قرار داد. حتی انگشت من شکست. او گفت، «تو باید با او عروسی کنی.»

⁸³ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با خالده پی، 24 نوامبر 2011.

در عین حال، با گذشت چندین سال، یکی از پسران خاله بهار که با پدر بهار کار می کند با او رابطه تلفونی برقرار کند و از بهار می خواهد که یک قطعه عکس خود را برای او روان کند. بهار گفت:

او از من خواست که همرايش فرار كنم و گفت كه اگر من با او فرار كنم، عكس هاي من را كه براي من روان کرده بودم، به فاميل ام نشان خواهد داد. من ترسيدم كه فاميل مرا خواهند كشت. من هيچ چاره ای نداشتم، جز اينكه با او بروم. من از نامزد من كاملاً بيزار بودم، و از طرف ديگر اين مرد را نيز دوست داشتم. پس براي من فرصتي خوبي پيش آمده بود كه فرار كنم. من مي دانستم كه او زن ديگري دارد، اما او به يكي از دختران خاله ام گفته بود، «من زنم را دوست ندارم. من مي خواهم با بهار عروسي كنم.» او مي گفت كه زن اول اش را طلاق خواهد داد.

بهار در 17 سالگي از خانه فرار و با آن مرد يك ماه زندگي مي كند. آن مرد زن اول خود را طلاق نداده و با بهار هم به شكل رسمي عروسي نمي كند. به گفته بهار آنان باهم رابطه جنسي داشتند. بهار گفت، «من به او گفتم كه اين عمل خلاف قانون است، ولي او يك نكاح نامه جعلي براي ما ساخته بود.»

پس از يك ماه، پدر بهار محل زندگي آنان را كشف و توسط پولييس آنها را دستگير مي كند. بهار به جرم «زنا» و «فرار از منزل» به سه سال حبس محكوم گرديد. به گفته بهار مردی که با وی فرار نموده بود، به شش سال حبس محكوم گرديد.

بهار هنوز اميدوار است كه آن مرد با وی ازدواج كند. بهار مي گويد، «من بايد با آن مرد ازدواج كنم. آبرويم از بين رفته است. حتي اگر او زن ديگري هم داشته باشد، بايد با او ازدواج كنم.»⁸⁴

زناني كه به جرم زنا حبس و يا دستگير گرديده اند

اين بخش به داستان هاي زنان متهم به زنا اختصاص يافته است. مانند زناني كه به «فرار از منزل» متهم شده بودند، اينها زناني هستند كه به خاطر خشونت ها و تهديد هاي فاميلي از خانه فرار کرده اند.

زناني كه به دنبال ازدواج هاي زير سن به جرم زنا حبس و يا دستگير گرديده اند

تعدادي از زناني كه ما با آنان مصاحبه كرديم گفتند كه مشكلات شان ناشي از ازدواج هاي زير سن بوده است. عدم توانايي مخالفت با تصميم بزرگان و عجز از گنجاندن شرايط شان در عقد نامه ازدواج به دليل صغر سن، باعث شده كه آنان ساليان طولاني را در وضعيت اسفناكي زندگي كنند. ازدواج در خورده سالي و برهم خوردن روابط زناشويي سبب مي شود كه آنان به زنا متهم شوند.

قضيه رقيه دي

رقيه دي كه 23 سال دارد، هنگامي كه 12 سال عمر داشت، ازدواج نمود. او به ديده بان حقوق بشر گفت:

شوهرم به مواد مخدر معتاد بود. او پيش روي من مواد مصرف مي كرد. وقتي كه من از او پرسيدم كه چرا مواد مخدر مصرف مي كند، در جواب گفت كه به خاطر درد پاهاي من به او گفتم كه اين كار را متوقف كند. ولي او گفت كه امكان ندارد.

⁸⁴ مصاحبه ديده بان حقوق بشر با بهاره كيو، 28 نوامبر 2011.

رقیه می گوید که شوهر او اکثراً برای شش ماه الی یکسال از خانه ناپدید می شد. او گفت :

من مجبور بودم برای فامیلم کارکنم و مصارف آنان را تهیه کنم. چون شوهرم کار کرده نمی توانست. اگر چه خسرم و برادر شوهرم گاهی بامن کمک می کردند. ولی این کمک ها کافی نبود. همگی به شکلی بامن کمک می کردند، چون می دانستند که شوهرم معتاد است. همگی تلاش می کرد تا او را به ترک اعتیاد وادار کند.

سرانجام، رقیه از شوهرش طلاق می خواهد. چون شوهرش برای تهیه مصارف مواد مخدر خود به دزدی و سرقت متوصل شده بود. رقیه گفت:

شوهرم از طلاق دادن من خود داری کرد. او گفت، « اگر تو بروی، کی از بچه های ما مواظبت خواهد کرد؟ علاوه بر آن، اگر تو بروی، من زن دیگری پیدا نخواهم کرد. چون من معتاد ام و کسی به من زن نخواهد داد. پس تو باید بامن بمانی.»

رقیه می گوید که شوهرم پس از مدت کوتاهی خانه را ترک کرد و تا چند ماه برنگشت. در زمان غیابت او، یکی از پسران رقیه بر اثر یک حادثه شدیداً مجروح می گردد. رقیه مجبور می شود که برای تداوی پسرش از همسایه ها کمک بخواند. رقیه به شوهر خود زنگ زده و می گوید که پسرش مرده است. او با این کار می خواهد شوهرش را وادار کند که به خانه برگردد. اما شوهرش در جواب می گوید که مشکلی نیست. او حتی می گوید، «خوب شده است که او مرده است. چون این طوری مشکل تو هم کمتر می شود. اگر به جای سه طفل، از دو طفل مواظبت کنی، راحت تر می باشی.»

وقتی رقیه از گرفتن طلاق ناکام می ماند، و از طرف دیگر کاملاً در خانه تنها مانده و توانایی مواظبت از اطفال خود را ندارد، در نهایت مجبور می شود با مرد دیگری ازدواج کند. این مرد حاضر می شود که از رقیه و اطفال او مواظبت و نگهداری کند. اما وقتی که شوهر اول رقیه از موضوع مطلع می شود، به پولیس شکایت می کند. در نتیجه هم رقیه و هم شوهر جدید اش به اتهام ارتکاب زنا دستگیر و هر دو به پنج سال حبس محکوم می گردند. رقیه از شوهر اول خود سه فرزند و از شوهر دوم خود یک طفل دارد. شوهر اول رقیه حضانت اطفال خود را به عهده گرفته است، اما فرزندی که بر اثر ازدواج با شوهر دوم به دنیا آمده است، هنگام مصاحبه رقیه با دیده بان حقوق بشر، همراه رقیه در محبس بود.⁸⁵

قضیه فروزان ای

فروزان ای که 27 سال دارد، می گوید که 11 ساله بود که فامیل اش وی را به قید نکاح یکی از همسایگان درمی آورد. او به دیده بان حقوق بشر گفت، « پس از عروسی تا هفت سال زندگی خوب و رضایت بخش داشتیم. ولی پس از گذشت هفت سال، شوهرم معتاد به مواد مخدر شد.» به گفته فروزان، او و شوهر اش خارج از افغانستان در یکی از کشورهای همسایه زندگی می کردند. آنان سه طفل داشتند که تغذیه و مواظبت از آنان خیلی دشوار بود. فروزان می گوید:

شوهرم تنبل شده و کار را ترک کرد. مجبور شدم کارکنم تا مصارف خانه تامین گردد. من در یک خانه، به عنوان خانه سامان وظیفه پیدا کردم. آنان معادل 40 دالرامریکایی برایم ماهوار

⁸⁵ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با رقیه دی، 29 نوامبر 2011.

معاش می دادند. شوهرم از اینکه من تمام روز را در خانه نبودم حسادت می کرد. وی در برابر چشم همسایه ها مرا مورد لُت و کوب قرار داد.

فروزان گفت که وی چهار سال اذیت و آزار شوهر را تحمل کرد. اما سرانجام مجبور شد که شوهرش را ترک کند و به تنهایی عازم افغانستان گردد. وی اطفال را نزد شوهرش رها کرده و به کمک مردی که در مسیر راه با وی آشنا شده بود، به افغانستان می آید. فروزان تاکید می ورزد که وی با مرد متذکره هیچ گونه رابطه عشقانه و یا جنسی نداشت؛ اما با همدیگر ارتباط داشتند.

فروزان افزود که وقتی او به افغانستان برگشت، شوهرش نیز اطفال را برداشته و به دنبال او به افغانستان آمد. به گفته فروزان، شوهرش از وی خواست که سند مالکیت خانه اش را به نام او ثبت کند. اما فروزان به خواست شوهرش تن نمی دهد و در نتیجه شوهرش از فروزان به پولیس شکایت کرده و او را متهم به «فرار از منزل»⁸⁶ و «سرقت پول نقد از خانه» و همچنین «اختطاف دختران اش» می کند.

فروزان در دادگاه به جرم موارد فوق محاکمه و به شش سال حبس محکوم می گردد. به گفته فروزان زمانیکه او دستگیر گردید، شوهرش خانه وی را فروخته و پول آن را تصاحب می کند. اگرچه فروزان خانه را به نام وی نکرده بود. فروزان گفت:

اگر شوهران افراد خوبی باشند، چرا زنان از خانه فرار کنند؟ زنان به این خاطر از خانه فرار می کنند که شوهران شان آدم های خوبی نیستند. برای زن و شوهر باید مجازات در نظر گرفته شود. زنان این کشور به کمک نیاز دارند، نه به چیزی که آنان را برباد دهد.⁸⁶

قضیه رابعه تی

رابعه تی که 20 سال دارد، به دیده بان حقوق بشر گفت که وی در سن 14 سالگی عروسی نموده و دارای چهار فرزند می باشد. (هنگام مصاحبه، یکی از فرزندان رابعه با او در محبس بود). به گفته رابعه، خانواده او خیلی سنتی و سخت گیر بودند. در سال 2011، رابعه به دیدار خانواده اش می رود، اما شوهرش او را همراهی نمی کند و در خانه مشترک شان در شهر دیگر باقی می ماند. هنگام دیدار رابعه از خانواده پدرش، یکی از پسر خاله های رابعه نیز در خانه بود. رابعه می گوید:

من دریکی از اتاق ها رفته و به پسر خاله ام سلام کردم. برادرم قهر شده و سر و صدا راه انداخت. او گفت، «تو اجازه نداری که با او گپ بزنی.» او پسر خاله ام را مورد لُت و کوب قرار داده و از خانه خارج کرد و بعد مرا تهدید به مرگ نمود. در آنروز، برادرم چندین بار به من گفت که مرا خواهد کشت.

رابعه می گوید که من و پسر خاله ام از ترس این که کشته نشویم، در ساعت 9 همان شب از خانه فرار کردیم. رابعه می گوید که من تهدید برادرم را جدی گرفتم، چون هفت سال قبل، مادرم نیز توسط یکی دیگر از برادرانم به اتهام گفتگو با مردان بیگانه از طریق تلفون به قتل رسید.

رابعه می گوید که من و پسر خاله ام در شهر دیگری در خانه یکی از دوستان مان مخفی شدیم. رابعه می گوید که ما باهمدیگر کدام رابطه عشقانه و یا جنسی نداشتیم، بلکه تنها به دلیل خشم برادرم از منزل فرار کردیم. پس از چندین

⁸⁶ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با فروزان ای، 29 نوامبر 2011.

هفته، برادر رابعه پسرخاله او را پیدا کرده و دستگیر می کند. پس از آن رابعه خود را به پولیس تسلیم می کند. چون به نظر او، هم خانواده پدرش و هم خانواده شوهرش بر علیه او بوده و او یگانه راه نجات خود را تسلیم شدن به پولیس می داند. رابعه می گوید، «من خیلی ترسیدم. فکر کردم که آنان مرا به قتل خواهد رساند. احساس می کردم که تمام دنیا دشمن من هستند. و من محبس را به عنوان محفوظ ترین مکان برای خود انتخاب کردم.»

رابعه می گوید که من به اتهام ارتکاب زنا دستگیر شده و توسط دادگاه به هفت سال حبس محکوم گردیدم.⁸⁷

قضیه درخشان دلیو

درخشان دلیو حدود 30 سال عمر دارد. وی می گوید که من پس از گذشت یک سال از اولین عادت ماهوارم، مجبور شدم ازدواج کنم. درخشان گفت:

پس از این که یک سال از عروسی ام گذشت، شوهرم مرا طلاق کرد. او به من گفت، «حالا آزادی. من تو را به قتل نخواهم رساند و حتی احوال تو را نخواهم گرفت.» من به او گفتم که می خواهم با کسی دیگری در قریه عروسی کنم. شوهرم مرا شفاها طلاق داد، اما طلاق نامه کتبی به من نداد.

درخشان با مراجعه به فامیل خود، از آنان کمک می خواهد، اما آنان هیچ نوع کمکی به او نمی کنند. در نتیجه وی با یکی از اقارب شوهر خود که از قبل یک زن دیگری دارد، دوباره ازدواج می کند. درخشان از زندگی جدیدش به عنوان زن دوم راضی است. آنان در همان محل سابق زندگی می کنند و یک روز، شوهر دوم درخشان با شوهر اول او رو به رو می شود.

درخشان می گوید که پس از گذشت 12 سال از عروسی آنان و داشتن دو فرزند از ازدواج دوم (ویک دختر از ازدواج اول)، شوهر دوم اش هنگامیکه به طرف مسجد میرفت از جانب برادر شوهر اول او مورد حمله مسلحانه قرار می گیرد و زخمی می شود. پولیس وارد قضیه شده و علت ماجرا را جویا می شود. در این هنگام، شوهر اول درخشان از دادن طلاق به او انکار کرده و او را متهم به «زنا» همراه با شوهر دوم اش می کند. در نتیجه، پولیس درخشان را همراه با شوهر دوم اش دستگیر می کنند. درخشان به دیده بان حقوق بشر گفت:

همه می دانند که من با شوهر دوم خود عروسی کردم. نمی دانم که چرا شوهر قبلی ام پس از چندین سال مرا متهم می کند. شیطان وی را وسوسه کرده است.

درخشان می گوید که محکمه مربوطه از وی خواهان اسناد طلاق شد. اما او نتوانست که سند کتبی مبنی بر طلاق ارائه دهد. در نتیجه محکمه وی را به 16 سال حبس محکوم کرد. شوهر دوم درخشان نیز دستگیر و متهم به زنا می گردد. دادگاه وی را نیز به اتهام زنا، به 16 سال حبس محکوم می کند.⁸⁸

زنان قربانی تجاوز جنسی که به اتهام زنا حبس و یا دستگیر شده اند

یکی از روشهای معمول و آزاردهنده در افغانستان این است که زنان پس از تجاوز جنسی به اتهام «زنا» تحت پیگرد قرار می گیرند.

⁸⁷ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با رابعه تی، 23 نوامبر 2011.

⁸⁸ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با درخشان دلیو، 23 نوامبر 2011.

تجاوز جنسی بر اساس قانون منع خشونت علیه زنان که در سال 2009 میلادی در افغانستان تصویب گردید، جرم محسوب می شود و حداقل مجازات برای تجاوز جنسی 5 سال حبس و حداکثر آن در صورتی که فرد قربانی (مجنی علیه) فوت نماید، اعدام می باشد.⁸⁹ اگرچه قانون منع خشونت علیه زنان اولین قانونی است که در افغانستان اصطلاح «تجاوز جنسی» را به کار می برد، جرم «هتک ناموس» نیز که شامل عناصر خاص تجاوز جنسی می گردد، به موجب قانون جزای 1976 افغانستان جرم انگاری شده است. در ماده 429 این قانون آمده است:

1. شخصی که به علف یا تهدید یا حيله به ناموس شخص اعم از اینکه مذکر باشد یا مونث تجاوز نماید و یا به آن شروع نماید به حبس طویل که از هفت سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

2. اگر مجنی علیه به سن هجده سالگی نرسیده باشد یا مرتکب جرم از جمله اشخاص مندرج فقره (2) ماده (427) این قانون باشد به حبس طویلی که از ده سال تجاوز نکند محکوم می گردد.⁹⁰

تا هنوز هیچ اطلاعاتی در دست نیست که نشان دهد فردی به جرم تجاوز جنسی بر اساس قانون منع خشونت علیه زنان در افغانستان تحت پیگرد قرار گرفته باشد. اطلاعاتی که از اکتوبر 2011 به بعد، توسط دولت راجع به زندانیان جمع آوری شده است نشان می دهد که از جمله 20,901 زندانی زن و مرد، 993 تن به جرم ارتکاب زنا و 414 تن به جرم لواطت زندانی شده اند.⁹¹ در این داده ها، تجاوز جنسی به عنوان یک دسته جداگانه ثبت نشده و حتی در شمار جرایم مربوط به هتک ناموس نیز محسوب نشده است.⁹² احتمال می رود که تمام قضایای تجاوز جنسی بر فرض اینکه مورد رسیدگی قرار گرفته باشد، طبق احکام قانون جزاء به عنوان عمل زنا مورد رسیدگی قرار گرفته است. در حالیکه طبق احکام قانون منع خشونت علیه زنان، این قضایا باید به عنوان جرم تجاوز جنسی مورد رسیدگی قرار می گرفت.

نظیر تعداد دیگری از کشورها، در افغانستان مستندسازی قضایای خشونت جنسی بنا به دلایلی مانند موقعیت کم اهمیت زنان، سخت گیری های خانواده ها نسبت به ناموس و هتک ناموس، وجود موانع فرهنگی در قبال حرف زدن در مورد جنسیت و روابط جنسی، و عدم تمایل زنان و دختران قربانی برای بازگویی حوادث تلخ و ناگواری که هنگام تجاوز بر آنان گذشته است، یک چالش عمده است. زنان افغان، مخصوصاً در جوامع پشتون، اکثراً به عنوان سمبول عزت و حیثیت فامیل ها و جوامع شان در نظر گرفته می شوند.⁹³

از نقطه نظرتاریخی، بعضی جوامع «قتل های ناموسی» را یک امر مشروع می دانند. در این نوع قتل ها، زنان از جانب اعضای فامیل خویش به منظور اعاده حیثیت و آبروی فامیل که توسط زنان از طریق نقض نورم های جامعه در رابطه به روابط جنسی لطمه دیده است، به قتل میرسند – ولو اینکه زن خودش قربانی تجاوز جنسی قرار گرفته باشد.⁹⁴ به عنوان کم ترین مجازات، زنان و دخترانی که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند، ممکن است

⁸⁹ قانون منع خشونت علیه زنان، ماده 17.

⁹⁰ قانون جزای افغانستان، مصوب 7 اکتوبر 1976. که در ماده 427 فقره (2) این قانون احوال مشدده و مخففه مربوط به زنا و لواط بیان گردیده است. قابل دسترس در <http://webapps01.un.org/vawdatabase/uploads/Penal%20Code%201976.pdf>

⁹¹ لواط عبارت از رابطه جنسی مردان با پسران. فرهنگ اصطلاحات آکسفورد، <http://oxforddictionaries.com/definition/pederasty?region=us> (آخرین بازدید، 10 مارچ 2012)

⁹² کتگوریهای جرایم مربوط به ریاست عمومی محابس و توقیف خانه های وزارت عدلیه، 22 اکتوبر 2011 (درمیان دوسیه های دیده بان حقوق بشر موجود است).

⁹³ پلوشه کاکر، قانون قبیلوی پشتونوالی و صلاحیت تقنینی زنان، <http://www.law.harvard.edu/programs/ilsp/research/kakar.pdf> (آخرین بازدید 1 مارچ 2012)

⁹⁴ "Afghanistan: Rights Watchdog Alarmed At Continuing 'Honor Killings,'" *Radio Free Europe/Radio Liberty*, September 20, 2006

دیگر کسی حاضر نشود که با آنان ازدواج کند و یا هم شوهران آنان، آنها را برای همیشه ترک کند. پسرانی که مورد تجاوز جنسی قرار میگیرند نیز ممکن است با انواع مشکلات اجتماعی مواجه شوند، اما میزان مشکلات آنان به اندازه دختران و زنان زیاد نمی باشد. در بسیاری مناطق، مشکلات و تحریم های اجتماعی تنها به دلیل این که ممکن است یک دختری در سن ازدواج قرار دارد در معرض خطرات تجاوز جنسی قرار گیرد، بردختر و خانواده اش تحمیل می گردد. چون جامعه، فامیلی که نتوانسته است از دختر خود به شکل درست حفاظت کند را نیز مقصر میدانند.⁹⁵

احتمال دارد که زنان و دخترانی که با دیده بان حقوق بشر مصاحبه کرده اند تجارب شان را از تجاوز جنسی به شکل کامل بیان نکرده باشند. دیده بان حقوق بشر در جریان مصاحبه با زنان و دختران موجود در محابس و توقیف خانه ها تلاش نکرده است که به شکل سیستماتیک در مورد خاطرات این زنان و دختران از تجاوز جنسی معلومات جمع آوری کند. صحبت از تجاوز جنسی در این مصاحبه ها، فقط آنگاه مطرح می شد که زنان و دختران خود شان از آن یادآوری می کردند. با آنها، از میان 58 زن و دختری که حاضر به مصاحبه شدند، 11 تن آنان خود را به عنوان قربانی تجاوز جنسی معرفی کردند و تعداد زیاد دیگر آنان نیز گفتند که نزدیک بود که مورد تجاوز جنسی قرار بگیرند.

سرگذشت زنان و دخترانی که در جریان تهیه این گزارش حاضر به مصاحبه شدند، نشان می دهد که چگونه زنان و دختران که از آسیب های ناشی از تجاوز جنسی جان به سلامت برده اند، به طور مدام مورد پیش داوری های نظام عدلی و قضایی قرار گرفته و نظام عدلی و قضایی کشور زنانی را که عزت و حیثیت شان بر اثر تجاوز جنسی در هر وضعیتی خدشه دار شده بود، مقصر می داند.

گلناز

یکی از قضایای معروفی است که در نوامبر 2011 اتفاق افتاد و نشان داد که چگونه قربانیان تجاوز جنسی در افغانستان هنگامی که خواهان تامین عدالت می شوند، تحت پیگرد نظام عدلی و قضایی کشور قرار می گیرند.

گلناز، زن جوانی است که در سال 2009 در کابل توسط شوهر یکی از اقارب خویش مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و حامله می گردد. هنگامی که قضیه به پولیس گزارش داده می شود، پولیس هم گلناز و هم مردی که متهم به تجاوز جنسی بر علیه گلناز بود را دستگیر می کند. خاړنوالان مربوطه یا از روی نا باوری به ادعای گلناز و یا هم از روی بی اعتنایی به ادعای وی مبنی بر تجاوز جنسی، هم گلناز و هم مردی متجاوز را به ارتکاب عمل زنا متهم می کنند. هردوی آنان از جانب محکمه محکوم می گردند. گلناز به جرم ارتکاب عمل زنا به 12 سال حبس محکوم می گردد و دختر اش را در محوطه محبس زنانه بادم باغ به دنیا می آورد.⁹⁶ مردی که بر گلناز تجاوز نموده بود نیز به 12 سال حبس محکوم می گردد، اما مدت حبس آنان در توسط محکمه استیناف به 7 سال کاهش می یابد.⁹⁷

⁹⁵ For example, see Deborah J. Smith, "Decisions, Desires and Diversity: Marriage Practices in Afghanistan," *Afghanistan Research and Evaluation Unit Issues Paper Series*, February 2009, <http://www.areas.org.af/Uploads/EditionPdfs/905E-Marriage%20Practices-IP-web.pdf> (accessed February 22, 2012), p. 1 and 37-38. See also Tarek Fatah, "A Man's Honour Lies Between the Legs of a Woman," *Huffington Post*, December 7, 2011, http://www.huffingtonpost.ca/tarek-fatah/honour-killing_b_1133349.html (accessed March 16, 2012).

⁹⁶ Quil Lawrence, "For Afghan Women, Rape Law Offers Little Protection," *NPR*, December 2, 2011, <http://www.npr.org/2011/12/02/143057341/for-afghan-women-rape-law-offers-little-protection> (accessed February 26, 2012).

⁹⁷ "Freed Afghan rape victim Gulnaz 'may marry' attacker," *BBC*, December 15, 2011, <http://www.bbc.co.uk/news/world-asia-16201956> (accessed March 18, 2012).

این قضیه زمانی بازتاب جهانی یافت که اتحادیه اروپا نمایش فلم مربوط به قضیه گلناز و سایر زنان محبوس در افغانستان را به دلیل تهدیدات امنیتی نسبت به زندگی زنان که در آن فلم نقش بازی کرده بودند، ممنوع اعلام کرد.⁹⁸

انعکاس خبر مربوط به این قضیه در سطح جهانی باعث شد که رئیس جمهور کرزی در دسامبر 2011 گلناز را عفو نماید. ولی این قضیه بار دیگر در رسانه ها خبرساز شد و آن زمانی بود که گلناز در یک مصاحبه اعلام کرد که می خواهد با مردی که بر او تجاوز نموده بود به عنوان زن دوم ازدواج کند. چون ازدواج با این مرد تنها راهی بود که می توانست دخترش را از خطر نامشروع بودن نجات دهد. گلناز همچنین به خبرنگاران گفت که قضیه او ممکن است باعث شود که دختری از خانواده مرد متجاوز به ازدواج یکی از اعضای خانواده گلناز داده شده و یک مبلغ هنگفت به عنوان جهیزیه به پدر گلناز پرداخت گردد و به این طریق مشکلات موجود میان هر دو خانواده مرفوع گردد.⁹⁹

قضیه گلناز نشان دهنده مشکلی است که به طور مکرر در گزارش دیده بان حقوق بشر انعکاس یافته است و آن عبارت است از ناکامی مقامات مربوطه در انجام تحقیقات کامل نسبت به قضایای تجاوز جنسی، و پیش داوری نهادهای عدلی و قضایی مبنی بر این که زنان قربانی تجاوزهای جنسی با انجام عمل جنسی رضایت داشته و در نتیجه هردو به عمل زنا به اندازه برابر مقصراند. در خیلی از قضایای زنان می گفتند که آنان پس از این که مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند، جهت تامین عدالت به نهادهای عدلی و قضایی مراجعه کرده اند، اما در عوض به جرم ارتکاب زنا تحت تعقیب عدلی قرار گرفته و به مجازات محکوم شده اند.

قضیه ماریا ک

ماریا ک که 15 سال دارد، در یک تاکسی سوار می شود تا به دیدن مادرش به شفاخانه برود. در افغانستان تاکسی ها معمولاً چندین مسافر را در یک زمان منتقل می کنند. ماریا در تاکسی ای سوار می شود که در آن یک مرد دیگر از قبل نشسته است. ماریا به دیده بان حقوق بشر گفت که آن مرد همراه با راننده تاکسی وی را اختطاف نموده و به خانه خواهر یکی از آن دو نفر بردند و سپس مورد تجاوز جنسی قرار دادند. ماریا گفت که روز بعد آنها او را آزاد کردند و ماریا مستقیم به شفاخانه می رود تا از مادرش دیدن کند. ماریا به دیده بان حقوق بشر گفت:

در تمام روز من احساس خوبی نداشتم. در تمام روز وضعیت ام خوب نبود. بعداً پدرم و همچنین سایر اعضای خانواده ام از قضیه مطلع شدند و به دیدن من آمدند. آنان از من سوالات زیادی پرسیدند، مثلاً که آیا آن مردان را می شناسم و یا آدرس محلی که من را آنجا بردند می دانم.

ماریا آن خانه را به فامیل خود نشان می دهد. خواهر یکی از مردان در آنجا حضور داشت، اما مردان در آنجا حضور نداشتند. خواهر یکی از مردان که در خانه بود، به اعضای خانواده ماریا اجازه داخل شدن به خانه را نمی دهد. ماریا گفت که اعضای خانواده ام آن زن را نزد پولیس برده و قضیه تجاوز جنسی را به پولیس گزارش دادند. آن زن ادرس خانه متجاوزین را به موظفین پولیس نشان می دهد و در نتیجه هردو مرد دستگیر می گردند. ولی آن دومرد ماریا را متهم کردند. ماریا می گوید، «آنان به پولیس گفتند که ماریا خود اش خواست که با ما برود و خود اش خواست که با ما باشد.»

⁹⁸ Orla Guerin, "EU censors own film on Afghan women prisoners," BBC, 10 November 2011, <http://www.bbc.co.uk/news/world-asia-15678935> (accessed February 26, 2012).

⁹⁹ Alissa J. Rubin, "For Afghan Woman, Justice Runs Into Unforgiving Wall of Custom," December 1, 2011; "Freed Afghan rape victim Gulnaz 'may marry' attacker, BBC, December 15, 2011.

ماریا تحت تعقیب عدلی قرار می گیرد و به یک سال حبس در مرکز اصلاح و تربیت اطفال محکوم می گردد. به گفته ماریا، یکی از مردان متجاوز نیز تحت تعقیب عدلی قرار گرفته و به دو سال حبس محکوم می گردد، اما ماریا در مورد مجازات مرد دیگر چیزی نمی داند. ماریا گفت، «نمی دانم که چرا محکمه مرا به یک سال حبس محکوم کرد. این فیصله دولت است. من نمی دانم که چرا.»¹⁰⁰

قضیه تهمینه ج

تهمینه ج که 18 سال دارد، در سال 2011 از منزل فرار نمود تا از خشونت های فامیلی و ازدواج اجباری با پسرکاکایش رهایی یابد. او به دیده بان حقوق بشر گفت:

مادرم همیشه مرا لت و کوب نموده و با من جنگ و دعوا می کرد. من همیشه به او می گفتم، «یک روز از دست شما فرار خواهم کرد.» تا این که آنان مرا با کدام کس نامزد کردند، ولی من شخص دیگری را دوست داشتم.... مامایم ترتیب این نامزدی را داده بود. آنان از من در مورد نامزدی ام نظر نخواستند.

تهمینه با فرار از خانه، به دنبال پسری می رود که او را دوست دارد. طبق اسناد محکمه، تهمینه بدون اجازه والدین اش به خانه عمه خود که در نزدیکی خانه پسر مورد علاقه تهمینه قرار دارد، می رود. تهمینه آدرس پسر مورد علاقه اش را نمی دانست، اما امیدوار بود که او را پیدا خواهد کرد. در یکی از شب ها، تهمینه از خانه عمه اش بدون اجازه خارج شد تا خانه پسر را پیدا کند. ولی قبل از اینکه خانه او را پیدا کند، با دو مرد دیگر در داخل کوچه مواجه شد. آن دو مرد تهمینه را اختطاف نموده و مورد تجاوز جنسی قرار دادند.

تهمینه در اظهارات خویش به موظفین پولیس گفته است:

آنان مرا در یک خانه متروک بردند. من تلاش کردم که مقاومت کنم، ولی چون آنان دوفربودند، نتوانستم مانع شان شوم. در نتیجه آنها بامن زنا کردند. آنها به عفت من تجاوز کرده و با من زنا نمودند. بعدا آنان مرا به وکیل گذر تحویل دادند. وکیل گذر مرا به حوزه پولیس برد.

طبق گزارش پولیس، آن دو مرد در سال 2011 به حوزه پولیس احضار گردیدند. تهمینه در اظهارات خود گفته است، «من آن دو مرد را که بر من تجاوز کرده و با من عمل زنا را انجام داده بودند شناسایی کردم.»

در گزارش پولیس آمده است که معاینات طب عدلی نشان می دهد که با تهمینه در این اواخر و همچنین در گذشته ها عمل جنسی انجام شده است.¹⁰¹ در دوسیه تهمینه آمده است که نامبرده نسبت به فعالیت های جنسی قبلی خود

¹⁰⁰ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با ماریا ک، 28 نوامبر 2011.

¹⁰¹ تعدادی زیادی از زنان و دخترانی که در جریان تهیه این گزارش با آنها مصاحبه صورت گرفت، گفتند که آنان در معرض معاینات طب عدلی قرار گرفته اند. اسناد و دوسیه های موجود در محاکم نیز نشان می دهند که ارگانه های عدلی و قضایی به طور منظم به معاینات طب عدلی استناد جسته و بر نتایج این معاینات جهت تثبیت بکارت و اینکه زنان و دختران مورد نظر کدام رابطه جنسی تازه و یا گذشته داشته اند یاخیر، ترتیب اثر می دهند. استفاده از معاینات طب عدلی منحصر به قضایای تجاوز جنسی و اینکه عمل جنسی با جبر صورت گرفته است یاخیر، نمی باشد. اگرچه انجام معاینات طب عدلی یک روش مشروع و قانونی جهت انجام تحقیقات در قضایای تجاوز جنسی می باشد، ولی انجام این معاینات به منظور تثبیت بکارت از لحاظ طبی چندان دقیق نیست. افغانستان به عنوان عضو میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مکلف است که از زنان در برابر اعمال رفتارهای ظالمانه و غیر انسانی و همچنین تبعیضات حمایت کرده و تضمین کند که زندگی خصوصی زنان از تعرض مصنون است. ولی انجام معاینات طب عدلی به شکل اجباری به منظور تثبیت بکارت مخالف تعهدات بین المللی افغانستان می باشد. و همچنین انجام معاینات اجباری طب عدلی نقض کننده تعهدات افغانستان مبنی بر حمایت از زنان در برابر تبعیضات جنسی است که افغانستان به موجب کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (سیداو) مکلف به انجام این تعهدات می باشد. کمیته سیداو بیان داشته است که این کمیته «انجام معاینات طب عدلی به منظور تثبیت بکارت در مورد زنان مخصوصا زنان

داستانهای ضد و نقیض بیان می کند. او نخست گفته است که در گذشته ها با پسرکاکای خود عمل جنسی را انجام داده است و در مورد دیگری گفته است که با دوست پسرش عمل جنسی را انجام داده است. در اسناد محکمه هیچ شواهدی مبنی بر اینکه آیا پولیس در مورد رضایت و یا عدم رضایت تهمینه با انجام عمل جنسی در گذشته کدام تحقیقی انجام داده است یاخیر، وجود ندارد. در نهایت، پولیس تهمینه را به ارتکاب عمل زنا در دو مورد متهم می کند. مورد اول آن در رابطه با دومی که تهمینه را اختطاف و مورد تجاوز قرار می دهد و در مورد دوم در رابطه با عمل جنسی او با دوست پسرش.

یکی از خائنان الان موظف در قضیه تهمینه به دیده بان حقوق بشر گفت که وی ادعای تهمینه مبنی بر تجاوز جنسی را قبول نمی کند. چون هیچ شواهدی وجود ندارد که سروصداهای او را در هنگام عمل جنسی شنیده باشد و از طرف دیگر اظهارات او در مورد رابطه جنسی قبلی اش نیز ضد و نقیض است. خائنان موظف گفت:

تهمینه می گوید که آن دومی مرا به یک خانه متروک برده و مورد تجاوز جنسی قرار دادند.... چیزی را که اومی گوید کاملاً درست و یا یقینی نیست. چون او یک باری می گوید که با پسرکاکای خود عمل جنسی را انجام داده است و بار دیگر آن را انکار می کند. به نظرمی رسد که او با رضایت خویش با دومی مورد نظر عمل جنسی را انجام داده است. چون که او هنگام انجام عمل جنسی هیچ سروصدای نکرده و تازمانیکه به وکیل گذر تحویل داده نشده است، هیچ چیزی در مورد تجاوز نمی گوید.

زمانیکه از خائنان سوال شد که آیا آنان در مورد ادعای تهمینه بر علیه مادرش مبنی بر مجبور کردن تهمینه به ازدواج اجباری تحقیقی را انجام داده است، خائنان در پاسخ گفت که اظهارات تهمینه ضد و نقیض می باشند. مثل این که وی یک باری می گوید که با پسرکاکای خود مقاربت جنسی نموده است و بار دیگری می گوید که با شخص دیگری رابطه جنسی داشته است.

محکمه باصلاحیت در مورد قضیه تهمینه نوشته است، «زنی که شبانه به تنهایی از خانه بیرون می شود، خود را در معرض خطرات خاصی قرار می دهد.» محکمه باور دارد که آن دو مرد تهمینه را مورد تجاوز جنسی قرار داده است، اما علاوه می کند که تهمینه قصداً با آنها رفته و هنگام انجام مقاربت جنسی کدام مقاومت از خود نشان نداده و سروصدایی هم نکرده است. محکمه تهمینه را به انجام دوبار زنا [بار اول با دومی و بار دوم با دوست پسرش] و فرار از منزل به حبس محکوم می کند. در نتیجه، تهمینه به یک و نیم سال حبس به خاطر داشتن رابطه جنسی با دوست پسرش، دو و نیم سال حبس به دلیل حادثه ای که در داخل تعمیر متروکه همراه با آن دومی داشته و یک سال حبس به خاطر فرار نمودن از منزل که در مجموع پنج سال حبس می گردد، محکوم می گردد که بعداً مدت حبس وی به دلیل طفل بودن، بر اساس قوانین مربوطه به نصف تقلیل می یابد.¹⁰²

تحت توقیف و زندانی را مایه عمیق ترین نگرانی خویش می دانند...». کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان «تاکید می کند که این گونه معاینات اجباری تحقیر آمیز، تبعیض آمیز و غیر مصئون بوده و مناقض تعهدات دولت ها در قبال حمایت از تمامیت جسمی، شخصیت و حیثیت زنان می باشد.» کمیته سیداو، نظرات نهایی: ترکیه، A/52/38/Rev.1 part I, January 31, 1997, para. 178

انجام معاینات طب عدلی به منظور تثبیت بکارت بدون اخذ رضایت زنان و دختران مناقض حقوق مربوط به تمامیت جسمی، کرامت انسانی، مصئونیت حریم خصوصی زنان، و تساوی زنان با مردان در برابر قانون بوده و در حکم تجاوز جنسی می باشد. این نوع تجاوزات قابل توجیه نبوده و مبتنی بر فرضیات کاملاً تبعیض آمیز می باشد. چون بعضی ها فکر می کنند که انجام این نوع معاینات به نفع دولت بوده و مشروع می باشد. طبق مقررات حقوق بین الملل، انجام معاینات طب عدلی بر زنان و دختران تحت بازداشت به منظور تثبیت بکارت شامل رفتار ظالمانه و غیر انسانی می گردد. این نوع معاینات دردآور، تحقیر آمیز و وحشت آور اند.

¹⁰² مصاحبه دیده بان حقوق بشر با تهمینه ج، 21 نوامبر 2011.

قضیه ملالی اچ

ملالی اچ که 18 سال دارد، به دیده بان حقوق بشر گفت که در یکی از روزها او نامه عاشقانه ای از طرف یکی از همسایه هایش به نام احمد دریافت کرد. بعد از آن، احمد نامه های بیشتری را به او فرستاد. بعد از مدتی، احمد یک عدد موبایل را نیز برای ملالی ارسال کرد که بعد از آن هر دو از طریق تلفون تماس می گیرند. ملالی می گوید، «یک روز، او به دیدن من به مکتب آمد و خود را معرفی کرد. او پسر خوش چهره ای بود. پس از آن، ما باهم رابطه داشتیم و همیشه همدیگر را می دیدیم.»

به گفته ملالی یک روز در سال 2011، احمد از شهر خارج شده و برای چندین ماه برای کار به شهر دیگری رفت. وقتی دوباره به شهر برمی گردد، و یک روزی که ملالی در خانه تنها است، از او دعوت می کند که به خانه آنها بیاید. ملالی می گوید، «احمد می خواست که با من مقاربت جنسی کند. من خود داری کردم. ولی او با زور از طرف عقب (لواط) با من مقاربت کرد. من فکر کردم که اگر خانواده ام خبر شود، مرا خواهند کشت. به همین خاطر از خانه فرار کردم.» ملالی افزود:

من فرار کردم چون خانواده ام خیلی جدی اند و من می دانستم که آنان مرا به قتل خواهند رساند. بنابراین، فکر کردم بهتر است که خودکشی کنم. من خودم را پیش روی یک موتر انداختم تا خودکشی کنم، ولی موتر توقف کرد.

ملالی می گوید که من با یکی از دوستانم به نام صدیق تماس گرفتم و از او مشورت خواستم. او به من گفت که باید به خانه برگردم. در نتیجه ملالی به خانه بر می گردد. اما خانواده او چون قبلاً خبر ناپدید شدن او را به پولیس گزارش داده بودند، او را به حوزه پولیس برده و متهم به «فرار از منزل» همراه صدیق می کنند. پولیس ملالی و صدیق را دستگیر می کنند. ملالی می گوید که هیچ کس باور نمی کند که صدیق کاملاً بی گناه است و من توسط کسی به نام احمد مورد تجاوز قرار گرفته ام.

زمانی که دیده بان حقوق بشر باملالی مصاحبه کرد، وی و صدیق چندین ماه را در بازداشت سپری کرده بودند. اما هنوز دوسیه آنان به محکمه فرستاده نشده بود. او امیدوار است که محکمه آنان را برائت دهد. ملالی از احمد کدام خبری ندارد، اما هنوز امیدوار بود که با احمد عروسی کند. ملالی می گوید، «من باید با احمد عروسی کنم، در غیر آن کشته خواهم شد. زندگی من خراب شده است. من هنوز او را دوست دارم. او به من گفته بود که باهم عروسی خواهیم کرد.»¹⁰³

قضیه گل چهره ام

گل چهره ام که 17 سال دارد، هنگامی که صرفاً 13 سال داشت، توسط پدرکلانش با پسرکاکایش نامزد گردید. او به دیده بان حقوق بشر گفت که من در سن 13 سالگی با یکی دیگر از پسرهای کاکایم از خانه فرار کرده و پس از عروسی باهم زندگی جدیدی را شروع کردیم. چهار سال بعد در سال 2011 میلادی، تعداد شش مرد شب هنگام زمانی که ما در خواب بودیم، وارد خانه ما شدند. گل چهره گفت:

آنان شوهرم را خیلی لت وکوب کردند و به او گفتند، «میخواهیم زن ات را با خود ببریم.» شوهرم گفت که همراه قدر می خواهید بزنید، اما نمی گزارم که زنم را با خود ببرید.

¹⁰³ مصاحبه دیده بان حقوق بشر باملالی اچ، 21 نوامبر 2011.

گل چهره می گوید که او دوتن از شش مردی را که به خانه آنان وارد شده بودند، می شناسد. یکی از آنان همان پسرکاکایش بود، که بنا بود با گل چهره جبرا ازدواج کند. مرد دومی پسرکاکای پدراش بود. گل چهره گفت:

آن شب، آنان شوهرم را کشته و بر من تجاوز کردند و یک مقدار پول نقدی را که در خانه داشتیم، یکجا با زیورات من با خود بردند.

گل چهره می گوید که آنان می خواستند مرا اختطاف کنند، اما من سروصدا کردم که در نتیجه آن همسایه ها مطلع شده و پولیس را اطلاع دادند. پولیس گل چهره را دستگیر و به یکی از مراکز اصلاح و تربیت اطفال تحویل می دهد. گل چهره به دیده بان حقوق بشر گفت که پولیس با دیده شک به او نگر بسته و ظن داشت که او در قتل شوهرش دست دارد. به گفته گل چهره، مامورین پولیس به وی گفت:

از یک طرف امکان دارد که شما در تمام این قضایا دست داشته باشید. حتی اگر دست نداشته باشید، باز هم بردن شما به مرکز اصلاح و تربیت اطفال، شما را از خطرات احتمالی محافظت می کند. چون اگر شما آزاد باشید، ممکن است آنان به شما آسیب برسانند.

هنگام مصاحبه با دیده بان حقوق بشر، گل چهره چندین هفته را در مرکز اصلاح و تربیت اطفال سپری کرده بود، اما هنوز دوسیه اش تکمیل و به محکمه ارسال نشده بود. گل چهره از قول وکیل مدافع خود گفت که وی آزاد خواهد شد. البته زمانی که افراد مهاجمی که به خانه او حمله کرده بودند، دستگیر گردند. از جمله آن شش نفر، تا هنوز صرفاً یک تن دستگیر شده است.¹⁰⁴

زنانی که پس از اختطاف به اتهام جرم زنا دستگیر و یا زندانی گردیده اند

اختطاف زنان و دختران بر اساس قانون جزای 1976 افغانستان جرم محسوب شده و مرتکب آن به جزای حبس 5 الی 15 سال محکوم می شود.¹⁰⁵ قضایای ذیل نشان می دهد که زنان و دختران قربانی اختطاف گاهی بازداشت و زندانی نیز می گردند.

قضیه گل پری ام

گل پری ام که 16 سال دارد، در روز عروسی اش وقتی که به تنهایی به طرف خانه کاکایش می رفت که دستان خود را برای مراسم عروسی حنا نماید، در مسیر راه اختطاف گردید. گل پری می گوید که اختطاف کننده او پسری بود که بارها عشق و محبت خود را به گل پری اظهار کرده بود، اما گل پری به او جواب رد داده بود. آن روز، آن پسر با دوتن از دوستانش گل پری را اختطاف کردند.

گل پری گفت که بعداً معلوم شد که آن سه نفر برای مدت سه روز در بیرون از خانه ما منتظر بودند تا من از خانه خارج شوم. گل پری گفت که آنان در ابتدا از من خواستند که به موترشان داخل شوم، اما زمانی که مقاومت کردم، آنان یک پارچه را بر دهانم محکم گذاشتند و با زور به داخل موتر کردند. گل پری گفت که زمانی که می خواستم سرو صدا نمایم، همان پسری که با من اظهار عشق کرده بود، مرا با تفنگچه تهدید کرد و گفت که اگر آرام نباشم، بر من تجاوز کرده و به قتل خواهد رساند.

¹⁰⁴ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با گل چهره، 28 نوامبر 2011.

¹⁰⁵ قانون جزاء، مواد 218 الی 425.

آنان به طرف سرحد رفتند و زمانی که به پوسته پولیس سرحدی نزدیک شدند، پسر اختطاف کننده به گل پری گفت که طوری وانمود کند که گویا هیچ اتفاقی نیافتاده و گل پری با رضایت خود می خواهد با آنان برود. چون گل پری خیلی ترسیده بود، طبق گفته آنان عمل کرده، اما وقتی پولیس متوجه دست پاچگی آنان می شود، به آنان شک کرده و آنان را دستگیر می کنند.

گل پری می گوید که وقتی پولیس مرا از اختطاف گران جدا کرد، من فوراً واقعیت را بیان کرده و گفتم که آنان مرا اختطاف کرده بودند. اما مامورین پولیس مرا دستگیر کردند و سپس خانونالان موظف مرا به جرم زنا متهم کردند. پسران اختطاف کننده به مامورین پولیس گفتند که گل پری از آنان خواسته بود که وی را در فرار از خانه کمک کنند.

گل پری در هنگام مصاحبه با دیده بان حقوق بشر چندین ماه را در مرکز اصلاح و تربیت اطفال سپری کرده و منتظر برگزاری محاکمه خود بود. وی امیدوار بود که از اتهام وارده برائت حاصل کرده و به خانه برگردد. همچنین می گوید که عروسی او با نامزد قبلی اش صورت نخواهد گرفت. براساس گفته گل پری به دیده بان حقوق بشر، فامیل پسر اختطاف کننده وی یکی از دختران اش را به عنوان «بد» به فامیل نامزد قبلی گل پری داده است تا حیثیت از دست رفته آنها را اعاده کند. گل پری می گوید که نامزد قبلی اش با همان دختر «بد داده شده» ازدواج کرده است.¹⁰⁶

قضیه جینا آر

جینا آر که 14 سال دارد، به دیده بان حقوق بشر گفت که در یکی از روزهای سال 2011 وقتی که به طرف مکتب می رفت، دو مرد با وی مقابل شده و او را به داخل موتر انداختند. جینا می گوید که آنان مرا بیهوش کرده و به طرف شهر دیگری بردند. وی می گوید که پس از چهار روز که اکثراً در آن مدت بیهوش بوده، بالاخره به هوش آمده و فرار می کند. وی در یک ریکشا نشسته و از راننده می خواهد که او را به طرف شهر ببرد. به مجردی که به اولین ترافیک پولیس بر می خورد، جینا از ریکشا پایین شده و بعد از معرفی خود به پولیس، داستان خود را برای آنها تعریف می کند. مامورین پولیس ترافیک با مخابره با پولیس تحقیقات جنایی تماس می گیرند و بعداً مامورین پولیس جنایی جینا را به حوزه پولیس منتقل کرده و در آنجا وی را به اتهام «زنا» بازداشت می کنند.

جینا می گوید که افراد اختطاف کننده نیز دستگیر شدند، اما خانواده اختطاف کننده اصلی او را تهدید کرد که بر علیه فرد اختطاف کننده شهادت ندهد. در غیر آن، خود جینا به حبس محکوم خواهد شد. جینا می گوید که به هر حال، من بر علیه آنان شهادت دادم. در نتیجه، محکمه جینا را به جرم زنا به یک سال حبس در مرکز اصلاح و تربیت اطفال محکوم می کند. جینا می گوید که اختطاف کننده اصلی با دادن رشوت از قید آزاد گردیده است.¹⁰⁷

زنان و دخترانی که پس از مجبور شدن به فحشاء به اتهام جرم زنا بازداشت و یا زندانی گردیده اند

قانون منع خشونت علیه زنان «مجبور نمودن زنان و دختران به فحشاء» را جرم محسوب نموده و دست کم 7 سال حبس را برای مرتکبین آن در نظر می گیرد. در صورتیکه مجنی علیه به سن بلوغ نرسیده باشد، قانون حداقل مجازات 10 سال حبس را برای مجرم مدنظر قرار می دهد.

به دنبال رسانه ای شدن قضیه سحرگل درسامبر 2011، مسئله مجبور کردن زنان به فحشاء توجه رسانه های داخلی و خارجی را به خود جلب کرد. سحرگل که در حدود 14 سالگی ازدواج نموده بود، شوهر و خانواده

¹⁰⁶ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با گل پری ام، 24 نوامبر 2011.

¹⁰⁷ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با جینا آر، 24 نوامبر 2011.

شوهرش تلاش کردند که وی را پس از گذشت چند ماه از عروسی اش به فحشاء مجبور کنند. وقتی سحرگل به خواست آنان تن نمی دهد، اعضای خانواده پدرشوهر سحرگل وی را در یک زیرزمینی قفل نموده و برایش آب و غذای کافی نمی دهند. سحرگل مدت 5 ماه را در همان زیرزمینی سپری می کند، تا اینکه همسایه های سحرگل به کاکای او اطلاع می دهند که خانواده پدر شوهر سحرگل وی را مخفی کرده اند. در نتیجه کاکای سحرگل همراهی مامورین پولیس به خانه پدرشوهر سحرگل وارد شده، و پس از شکستن قفل اتاق، وارد زیرزمینی می شوند. خانواده پدرشوهر سحرگل، وی را مورد لٹ و کوب قرار داده و بعضی از ناخن های او را کشیده و تعدادی از انگشتان او را شکستاده بودند. آنان همچنین قسمت هایی از پوست سینه و سایر اعضای بدن سحرگل را با انبر بریده و قسمت های از بدن او را با سیخ سوزانده بودند.¹⁰⁸

تعدادی از 58 زن و دختری که در هنگام تهیه این گزارش با آنان مصاحبه صورت گرفت، گفتند که آنان نه تنها مجبور به فحشاء شده اند، بلکه در حبس نیز نگهداری شده اند. در ادامه نمونه های از قضایای ذکر می گردد که زنان به فحشاء مجبور شده اند.

قضیه نجیبه اف

نجیبه اف که 18 سال دارد، به دیده بان حقوق بشر گفت که پس از فوت پدر و مادرش به شکل یتیم در خانه کاکایم زندگی می کردم. وی می گوید که کاکایم در سن 17 سالگی مرا مجبور کرد ازدواج کنم. در ابتدا، شوهرم با من با خشونت برخورد می کرد. پس از سپری شدن چند ماه از ازدواج ما، خواهر شوهرم به وی پیشنهاد کرد که من را به یکی از فاحشه خانه های شهر برده و از این طریق کسب درآمد نماید. نجیبه چنین اظهار داشت:

شوهرم مرا به یک خانه روان کرد. آنان بامن کارهای بدی انجام دادند. آن خانه جایی مصرف مواد مخدر و الکول بود. کسانی که در آن خانه بودند، به دنبال من به خانه شوهرم می آمدند و مرا با خود می بردند. آنان به شوهرم پول می دادند. آنان از من می خواستند که با آنان رقص کرده و عمل جنسی را انجام دهم. وقتی که این کار را نمی کردم، آنان مرا مجبور به آن می کردند.

نجیبه در سال 2011 دستگیر گردید. او به دیده بان حقوق بشر گفت که یکی از مامورین پولیس در حوزه پولیس نیز او را مورد تجاوز جنسی قرار داده است. نجیبه در سال 2011 به جرم ارتکاب عمل زنا به چهار سال حبس محکوم گردید. نجیبه می گوید که کاکایم پس از عروسی من به ایالات متحده امریکا رفت. پس از رفتن او من کسی را ندارم که مرا در مورد مشکلاتی که با شوهرم دارم کمک کند و هیچ محل امنی نیز برای من وجود ندارد که پس از آزادی از زندان به آنجا بروم.¹⁰⁹

قضیه آمنه آر

آمنه آر که 17 سال دارد، به دیده بان حقوق بشر گفت که قرار بود مرا با کسی نکاح کند که دوست نداشتم. همچنین آمنه در خانه نیز زندگی خوشی نداشت. چون مادرش همیشه او را در پیش چشم پدرشوهر آینده اش مورد لٹ و کوب قرار می داد. آمنه در سال 2011، با کمک عمه اش از خانه فرار می کند. او گفت، «عمه ام برایم یک شماره تلفون داد و به من گفت که به صاحب شماره زنگ بزن و پس از فرار با او عروسی کن.»

¹⁰⁸ Graham Bowley, "In one girl's story, a test of women's rights in Afghanistan," *New York Times*, January 11, 2012, <http://atwar.blogs.nytimes.com/2012/01/10/in-one-girls-story-a-test-of-womens-rights-in-afghanistan/> (accessed February 22, 2012).

¹⁰⁹ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با نجیبه اف، 21 نوامبر 2011.

آمنه کاری را که عمه اش گفته بود انجام داد. پس از فرار متوجه می شود که مرد مورد نظر او، آنطوریکه عمه اش گفته بود مجرد نبود بلکه با همسرش زندگی می کند و همچنین نمی خواهد که با آمنه عروسی کند. در عوض آن مرد آمنه را در کنار همسرش برای مدت 6 ماه نگهداری نموده و از وی استفاده جنسی می کند و گاهی نیز او را به فحشا مجبور می کند. آمنه به دیده بان حقوق بشر گفت:

ما با هم نکاح نکرده بودیم و با هم زنا می کردیم. من با او و مردان دیگر رابطه جنسی داشتم.... آنان اول مرا الکول داده مست و بیهوش می کردند، و بعدا با من رابطه جنسی برقرار می کردند.

آمنه گفت، «پس از شش ماه، آن مرد مرا به مردی دیگری فروخت. مرد دوم می خواست که مرا به شهر دیگری ببرد، ولی در مسیر راه یکی از پوسته های پولیس ما را متوقف کرد و متوجه شد که ما با هم نکاح نکرده ایم. بنابراین، هردوی ما را در سال 2011 دستگیر کردند.»

هنگام مصاحبه دیده بان حقوق بشر با آمنه، نامبرده چندین ماه را تحت بازداشت سپری کرده بود، اما محکمه تا آن زمان حکمی در مورد دوسیه او صادر نکرده بود. آمنه گفت که وی معتقد است که پدرش او را پس از رهایی از زندان به قتل خواهد رساند.¹¹⁰

قضیه فوزیه اس

فوزیه اس که 15 سال دارد، از زندگی اش در خانه راضی نبود. نامبرده به دیده بان حقوق بشر گفت که احساس می کردم که پدر و مادرم مرا به اندازه سایر خواهران و برادرانم دوست ندارند و به همین دلیل در گذشته سه مرتبه تلاش کردم که دست به خودکشی بزنم. یکی از دوستان فوزیه که بعدا معلوم شد حامله بوده می خواهد از خانه فرار کند و فوزیه را نیز متقاعد می کند که با وی فرار کند.

فوزیه می گوید که من چندین صد دالر را از پدرم سرقت کردم و می خواستیم که با آن تکت طیاره خریده و به شهر دیگری از طریق هوا سفر کنیم. آنان دوشب اول را در یک هتل سپری می کنند، اما پس از اینکه دوست فوزیه خانه یکی از اقارب خویش را پیدا می کند، آنان به آنجا می روند. فوزیه می گوید که آنان خانواده خوبی نبودند. چون هر چیزی که به دست شان می آمد، می زدیدند. بدتر اینکه، دوستم با من مخالف شده و مرا مجبور می کرد که در مقابل پول با مردان بیگانه همخوابه شوم. فوزیه گفت، «آنان در غذایم دوا انداخته و پس از بیهوش کردن من، کارهای بدی را بامن انجام می دادند. نمی دانم که چند بار با من این عمل را انجام دادند.»

به گفته فوزیه تمام این کارها در داخل یک خانه صورت می گرفت. فوزیه با دوست خود جنگ کرده و پس از یک ماه از آن خانه فرار می کند. او به حوزه پولیس رفته و داستان خود را برای آنان تعریف می کند. موظفین پولیس افراد موجود در آن خانه را دستگیر کرده و فوزیه را نیز به اتهام «زنا» و «فرار از منزل» بازداشت می کنند. زمانی که با فوزیه مصاحبه کردیم، او چندین ماه را در بازداشت بسربرده بود، اما دوسیه اش تا آن زمان، به محکمه محول نشده بود.¹¹¹

قضیه گل جان دی

گل جان دی که در حدود 35 سال عمر دارد، به دیده بان حقوق بشر گفت که وی 5 سال پیش به شکل بدل به ازدواج داده شد. او گفت:

¹¹⁰ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با آمنه آر، 21 نوامبر 2011.

¹¹¹ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با فوزیه اس، 21 نوامبر 2011.

شوهرم قاچاقبر بود، مواد مخدر را قاچاق می کرد و شراب می نوشید. او مردی خوبی نبود. او مردان دیگری را به خانه می آورد که با من درمقابل پول عمل جنسی انجام دهد. من از این کاراش خیلی ناراحت می شدم. من به حوزه پولیس رفتم تا از او شکایت کنم. چون من چند نفر شاهد داشتم، موظفین پولیس شوهرم را دستگیر کردند. تمام قریه شاهد بودند.

پس از دستگیری و محکومیت شوهر او به سه سال حبس توسط دادگاه، گل جان مجبور می شود که تمام مصارف زندگی اش را خودش تامین کند. گل جان گفت، «من مار نبوم که خاک خورده زندگی کنم. فامیل خسرم بامن کمک نمی کرد و من هیچ عایدی برای امرار معاش نداشتم.» سرانجام، گل جان می تواند که در خانه یکی از ثروتمندان آنجا، به عنوان خانه سامان کار پیدا کند. اما آنان نیز پس از مدتی به خارج از کشور مسافرت می کنند و گل جان تنها و بیکار می ماند. گل جان مجبور می شود که دوباره به خانه پدرش برگردد. او به طرف خانه پدرش می رود که شب فرا می رسد و گل جان خود را تنها در سرک می بیند. در آن زمان یک مرد پیدا شده از گل جان می خواهد که شب را در خانه اوسپری کند. گل جان به خانه آن مرد رفته و شب را در کنار هر دو زن مرد متذکره سپری می کند. گل جان می گوید، صبح وقتی که می خواستم از خانه آن مرد بیرون شوم، زن دوم آن مرد پولیس را به خانه آورده و ادعا می کند که شوهراش می خواهد زن سوم داشته باشد. از اینرو، مامورین پولیس گل جان و آن مرد را به حوزه برده و ضمن متهم کردن آنان به فحشاء، ادعا می کنند که آنان شب گذشته با هم رابطه جنسی داشته اند. گل جان داشتن رابطه جنسی با آن مرد را تکذیب می کند.

پولیس هم گل جان و هم آن مرد را دستگیر می کند. گل جان یک دختر دارد که با وی در محبس می باشد. وی می گوید که شوهرم که فعلاً آزاد شده است، مرا طلاق داده و می خواهد که با کمک مردم محل پس از اینکه از زندان آزاد شدم، دخترم را از من بگیرد. گل جان گفت:

تمام ریش سفیدان قریه فیصله کردند که دخترم را از من گرفته و به فامیل شوهرم تسلیم کنند. یک ضرب المثل وجود دارد که می گوید، «واقعاً هیچ کس نمی خواهد که شوهرش را ترک کند، مگر این که آنان به خاطر فقر و یا بدی زمانه ترک دیار کرده باشند.» من از شوهرم به خاطر بدی زمانه جدا شدم.¹¹²

¹¹² مصاحبه دیده بان حقوق بشر با گل جان دی، 23 نوامبر 2011.

IV. بی عدالتی در هر مرحله: نقش قضات، خارنوالان و موظفین پولیس

قضایای وحشتناکی که در بالا مورد بحث قرار گرفت، نه تنها نشان دهنده وجود مشکلات در قوانین جزایی افغانستان اند بلکه نقش موظفین پولیس، خارنوالان و قضات در یک نظام عدلی و قضایی ناکارآمد را نیز نشان می دهد. افزایش این چالش ها بر مشکلات خاصی که زنان افغان در زندگی اجتماعی خود با آن مواجه اند، حجم مشکلات آنان را غیر قابل تحمل می سازد. از آنجاییکه نظام عدلی و قضایی توانایی آنرا دارد که تا اندازه ای از میزان سخت گیری ها و موضع گیری های تبعیض آمیز قوانین نسبت به زنان - از قبیل محاکمه نمودن آنان به جرم فرار از منزل - بکاهد، اما موظفین پولیس و محاکم افغانستان متأسفانه وضعیت را وخیم تر ساخته اند. موظفین پولیس و خارنوالان به طور منظم با زنان و دختران قربانی خشونت ها به دیده مجرم نگریده و محاکم نیز پدیده «فرار از منزل» را که وسیله ای است برای رهایی قربانی از خطر خشونت، به عنوان عمل جرمی قابل مجازات می دانند. محاکم به جایی اینکه مشکلات را کاهش دهند، خود شان بر حجم مشکلات می افزایند.

واکنش مقامات افغان مشکلات فوق الذکر را شدیدتر می سازد، زیرا آنان هر روز در امر دستگیری، تعقیب و محاکمه مظنونین و متهمین جرایم خشونت علیه زنان به شمول جرایمی که بر اساس قانون منع خشونت علیه زنان جرم انگاری شده است، کوتاهی و کم کاری می کنند.¹¹³ فقدان دانش کافی از قوانین توأم با اعمال نوعی تبعیض آمیز نسبت به زنان و عدم موجودیت آموزشهای مسلکی کافی و نداشتن تحصیلات عالی موظفین عدلی و قضایی، وضعیتی را ایجاد کرده است که در آن زنان و دختران خودشان را به شکل دائم در معرض تبعیض و بی عدالتی می بینند.¹¹⁴ چنانچه قضایای قبلی نشان داد، نتیجه در نهایت کاملاً غیر عادلانه است: قربانیان تجاوز جنسی به صفت زناکاران دستگیر و محاکمه شده، قربانیان خشونت های فامیلی به جرم فرار از منزل و نجات زندگی شان تحت تعقیب عدلی قرار گرفته و مردان و زنان عروسی شده، به دلیل مصالحه با فامیل های شان محاکمه می گردند.

مطالب ذیل بر اساس اسناد و دوسیه هایی که توسط لوی خارنوالی در اختیار ما قرار داده شده و همچنین صحبت های مفصل با خارنوالان موظف در این قضایا و زنان دختران محکوم شده از جانب محاکم، فعالین محلی حقوق زنان، و نمایندگان مختلف سازمان ملل و سایر سازمانها و نهادهای بین المللی فعال در بخش عدالت جزایی تهیه گردیده است.

¹¹³ بر اساس نظام حقوقی افغانستان، در فرایند اجرای عدالت جزایی پولیس مسئول کشف جرایم می باشد، یعنی پولیس موظف است که اوضاع و احوالی را که احتمال قوی ارتکاب جرم در آن می رود را شناسایی و تشخیص دهد. ماده 134 قانون اساسی. هرگاه پولیس به این نتیجه برسد که یک جرم صورت گرفته است، آنان موظف اند که قضیه را به خارنوال گزارش کنند، تا خارنوال در مورد قضیه تحقیق خویش را آغاز نماید و ثابت سازد که آیا در حقیقت کدام جرم اتفاق افتاده است یا خیر و اگر صورت گرفته است، باید تحت تعقیب عدلی قرار گیرد. مواد 21 و 23 قانون اجرای عدالت جزایی موقت افغانستان می گوید که در ختم پروسه تحقیق، خارنوال مربوطه موظف است تا یک صورت دعوی را به محکمه تسلیم نماید، مگر اینکه خارنوال شواهد و ادله لازم را نداشته باشد که در این صورت دوسیه حفظ می گردد. طبق ماده 39 قانون اجرای عدالت جزایی موقت قضایا بعد از ارجاع توسط خارنوالی به محکمه در پیشگاه محکمه ابتداییه مورد رسیدگی قرار می گیرند. بعد از صدور حکم توسط محکمه ابتداییه، هر یک از طرفین دعوا (متهم یا خارنوال) می توانند نسبت به تصمیم محکمه ابتداییه در پیشگاه محکمه استیناف اعتراض یا استیناف خواهی نمایند. بعد از صدور حکم توسط محکمه استیناف، هر یک از طرفین دعوی می توانند نسبت به حکم مزبور در پیشگاه ستره محکمه فرجام خواهی نمایند. در محکمه استیناف یا ستره محکمه محکومیت ممکن است افزایش یا کاهش یابد. بیشتر زنان و دخترانی که با آنها به خاطر تهیه این گزارش مصاحبه شده است، اظهار داشته اند که بعد از اعتراض به حکم محکمه تحتانی، محکومیت شان افزایش یا کاهش یافته است.

¹¹⁴ بالعموم سطح کیفیت مسلک قضا در افغانستان پایین است. به گونه مثال، بر اساس یافته های یک مطالعه انجام شده در سال 2006، فقط 12 فیصد قضات سروی شده سند تحصیلات عالی در رشته حقوق داشته اند در حالیکه 37 فیصد قضات سروی شده اصلاً تحصیلات عالی خویش را تکمیل نکرده بودند. ایپا اس لیونگستن و مایکل او هالون، «شاخص افغانستان: پیگیری متغیر های بازسازی و امنیت در افغانستان بعد از 11 سپتامبر»، بروکینگز، 30 جنوری 2012.

<http://www.brookings.edu/~media/Files/Programs/FP/afghanistan%20index/index.pdf> (accessed March 1, 2012). For a detailed overview of the problems facing the Afghan justice system, see International Crisis Group, "Reforming Afghanistan's Broken Judiciary," Asia Report No. 195, November 17, 2010.

قضات

فقدان معیارهای مسلکی اثرگذار بر تمام اجراءات قضایی محاکم در افغانستان به طور عمده در قضایایی مربوط به «جرایم اخلاقی» هویدا می گردد. در بعضی قضایا دیده می شود که قضات مربوطه هیچ دانشی نسبت به شیوه های لازم دادرسی برای جمع آوری، ثبت و پذیرش شواهد ندارند.¹¹⁵ در آن عده از فیصله های محاکم که توسط دیده بان حقوق بشر مورد بررسی قرار گرفت، دیده می شود که اکثر آنان فاقد دلایل و توضیحات قضایی کافی صادر شده اند. قضات اکثراً در مورد چگونگی ارزیابی شواهد و مدارک، اینکه کدام شواهد از نظر آنان معتبراند، و اینکه چه حقایق مربوط به عناصر جرم منجر به تصمیم محکمه مبنی بر برائت و یا محکومیت شده است، هیچ توضیحی ارائه نمی کنند. فیصله ها اغلب بدون این که توضیح بدهند چگونه حالات مشخصه و مخففه در قضیه مربوطه مدنظر گرفته شده اند، صادر میگردند.¹¹⁶

در اکثر دوسیه های بررسی شده توسط دیده بان حقوق بشر، دیده می شود که دفاعیه های کتبی وکلای مدافع به محاکم تسلیم شده اند، اما از فیصله های صادر شده فهمیده می شود که قضات مربوطه در هیچ یک از قضایای متذکره اعتنایی به دفاعیه های ارائه شده از جانب وکلای مدافع نکرده اند. همچو بی اعتنایی ها شامل مواردی نیز می شود که در آن وکلای مدافع به طور خاص ادعا کرده اند که اعترافات و اظهارات که به نام موکلین آنان به محکمه تسلیم شده اند، غیر واقعی می باشند.

آنچه از فیصله های محاکم که در اختیار دیده بان حقوق بشر قرار داده شده بود، حاکی از اعمال تبعیضات جنسیتی قابل ملاحظه از جانب قضات نسبت به زنان بوده و نشان می دهند که قضات متذکره فاقد معیارهای مسلکی می باشند که این امر باعث می شود تا فیصله های محاکم اکثراً به ضرر زنان صادر گردند. در اظهارات قضات نوعی تبعیض علیه زنان به چشم می خورد و آنان به معلوماتی ارزش می دهند که ربطی به عناصر جرمی نداشته و یا شبیه جدی در دقیق بودن آن وجود دارد.

به عنوان مثال در قضیه سیما ام که 25 سال دارد، شوهر او مکتوبی را که حاوی مطلب ذیل است به خانونالی می فرستد، «زنم از دساتیر من پیروی نمی کند و بدون اجازه من از خانه خارج می شود. از شما می خواهم که وی را دستگیر نموده و تحت تعقیب عدلی قرار دهید.» محکمه در فیصله خود که در آن سیما را به جرم «شروع به زنا» به سه سال حبس محکوم می کند، به این نامه به عنوان یک سند جرمی بر علیه سیما استناد می جوید.¹¹⁷ مشکل دیگر ناکامی محاکم در اتخاذ تدابیر لازم جهت جبران عملکردهای مشکل ساز موظفین پولیس و خانونالان در قضایای مربوط به «جرایم اخلاقی» می باشد. قضات افغان معمولاً بیش از حد تمایل دارند تا بر «اعترافات»

¹¹⁵ قانون اجراءات جزایی موقت افغانستان در مورد مدارک و ادله اثباتیه چنین صراحت دارد: ماده 37، جمع آوری دلایل و شواهد: خانونال ابتدائیه مکلف است در جریان تحقیق تمام دلایل و شواهد موجه را که به ضرر یا نفع مظنون باشد، جمع آوری نماید. 1- خانونال ابتدائیه در جمع آوری دلایل، اسباب و آلات اثبات جرم آزاد بوده تابع شکلیات و قیودات خاص نمی باشد. 2- وسایل و مدارک اثباتیه اساسی قرار ذیل است: 1- شهود 2- مقابله شهود 3- شناسائی متهم طور بالمواجه در صف (لاین اپ) 4- تفتیش محل 5- تلاشی 6- ضبط اشیاء 7- ارزیابی و معاینات تخصصی 8- استنتاج. ماده 38: حضور وکیل مدافع 1- وکیل مدافع حق دارد در تمام مراحل جریان استنتاج مظنون حاضر باشد. 2- وکیل مدافع و مظنون حق دارند در جریان تلاشی، مقابله شناسائی مجرمین در بین صف، معاینه توسط اهل خبره و محاکمه حاضر باشند. 3- خانونال و پولیس عدلی مکلف اند غرض حضور مظنون و وکیل مدافع در تمام مراحل تحقیق در صورت تفتیش، مقابله شهود، طرز العمل شناسائی از روی صف و معاینات توسط اهل خبره، ایشان را مطلع نمایند. این مکلفیت صرف در صورتی میتواند ساقط شود که احساس ضرورت عاجل در جرم مشهود یا خوف از بین رفتن دلایل الزام متصور باشد.

¹¹⁶ قوانین افغانستان در مورد محکوم کردن احتیاط های لازم را در نظر گرفته است. تمامی محکومیت های حبس در قانون جزا به شکل محدوده های زمانی پیش بینی شده اند نه در قالب مدت زمان معیین و مشخص. قانون جزا در مورد اینکه قاضیان چگونه باید مدت حبس تعیین شده را مشخص نمایند، راهنمایی لازم را ارائه نمی کند، اما در رابطه با جزای نقدی رهنمود های ذیل را ارائه مینماید:

ماده 108: محکمه در تعیین جزای نقدی بین حد اقل و حد اکثر پیش بینی شده، شرایط و احوال آتی را رعایت می نماید: 1- تأمین هدف جزائی 2- احوال شخصی، اجتماعی و اقتصادی مرتکب 3- اندازه مفادی که از ارتکاب جرم حاصل گردیده یا توقع استحصال آن برده می شد. 4- نوعیت حق یا مصلحتی که مورد تجاوز قرار گرفته است.

¹¹⁷ فیصله محکمه ابتدائیه در مورد قضیه سیما ام 1390/2/4.

گرفته شده از زنان و دختران توسط موظفین پولیس اتکاء و اعتماد کنند، بدون اینکه به وضعیت و شرایطی که از زنان اعترافات اخذ شده است توجه کنند. این در حالی است که همچواعترافات اکثراً بدون حضور وکیل مدافع از متهمان بی سواد در شرایطی اخذ می گردد که محتوای متن برای آنان بازخوانی نشده، اما نشان انگشت آنان بالای متن اعترافات گرفته می شود.

همچنین قضات در مورد رضایت زنان در پرونده های مربوط به زنا اکثراً با اتکاء برپیش فرض های بی اساس خود عمل می کنند و فرض را بر این می گیرند که میان زنان و مردان به مجرد اینکه باهمدیگر تنها ماندند، آمیزش جنسی صورت می گیرد. همچنین قضات در مورد توجه به معلومات ارایه شده توسط وکلای مدافع و یا کارمندان اجتماعی حکومتی در مورد خشونت های خانوادگی که باعث تحقق اوضاع و احوال مخففه جرم می گردد، نیز کم توجهی می کنند.¹¹⁸ ما همچنین متوجه شدیم که قضات بارها در مورد تشخیص شواهد و مدارک معتبر از شواهد غیر معتبر کوتاهی کرده و نسبت به زنان با ذهنیت های نسبتاً تبعیض آمیز رفتار نموده اند. به عنوان مثال، در صورت موجودیت شواهد و مدارک مبنی تنها ماندن پسر و دختر با همدیگر، قضات احتمال آمیزش جنسی میان آنان را مسلم فرض کرده اند. بنابراین، قضات کسانی را که تنها می خواستند زنان و دختران را در فرار کمک کنند، نیز مجازات نموده و گفته های شوهران خشمگین را به صفت شواهد و مدارک قابل اعتبار دانسته اند.¹¹⁹

دیده بان حقوق بشر یکی از دوسیه های محاکم را بررسی نمود که در آن یکی از قضات با استفاده از صلاحیت قانونی خویش میزان مجازات صادر شده برای قضیه ای مربوط به «فرار از منزل» و زنا را کاهش داده و بر علاوه در فیصله خود اعلان کرده بود که متهم نباید اصلاً مجازات گردد. در قضیه آرزو دلیو 15 ساله، که در سال 2011 به دنبال فرار از خانه پدرش جهت رهایی از ازدواج اجباری و خشونت های فیزیکی، دستگیر گردیده بود، قاضی مربوطه مجازات وی را به یکسال حبس کاهش داده و اظهار داشته بود: «چون متهم طفل بوده و به دلیل مشکلات زیادی که داشته است، به نحوی مجبور شده است فرار کند، و از آنجاییکه هر دو فامیل [فامیل آرزو و فامیل پسری که متهم به فرار دادن آرزو و متهم به زنا با او شده بود] مایل اند که آنان را بایکدیگر نکاح کنند، و به خاطر این که آرزو و شوهر آینده اش زندگی خوبی را در فردا داشته باشند، ما هیئت قضایی تصمیم گرفتیم که به شکلی از اشکال از مجازات آنان بکاهیم.»¹²⁰

خارنوالان و موظفین پولیس

خارنوالان و موظفین پولیس نیز نسبت به زنان و دختران در قضایای مربوط به «جرائم اخلاقی» از خود شان رفتار تبعیض آمیز نشان داده اند. از جمله پولیس و خارنوالان در مورد رضایت زنان و دختران در قضایای مربوط به زنا بر اساس پیش فرض های خود عمل کرده و از درک مشکلات ناشی از خشونت های فامیلی و ازدواج های اجباری عاجز مانده و یا به آن توجهی نکرده اند.

یکی از مشکلات جدی و گسترده در رابطه با قضایای «جرائم اخلاقی» ناکامی موظفین پولیس و خارنوالان در امر تحقیق جرائم ارتکاب یافته علیه زنان می باشد که در حقیقت در بسیاری موارد ریشه همه جرائم به اصطلاح «

¹¹⁸ قوانین افغانستان دست قاضی را در تعیین میزان مجازات باز گذاشته است: تمام مجازات حبس که در قانون جزاء پیش بینی شده است به شکل دقیق نبوده بلکه قاضی را در یک محدوده خاص مخیر می سازد تا خود اش میزان مجازات تعیین کند. قانون جزاء مشخص نمی کند که قضات باید چگونه مدت مجازات در قالب محدوده پیش بینی شده را تعیین نماید. ولی در مورد مجازات نقدی رهنمود های ذیل را برای قضات ارایه می کند: ماده 108 قانون جزاء میگوید: محکمه در تعیین جزای نقدی بین حداقل و حداکثر پیش بینی شده شرایط و احوال اتی را رعایت می نماید: 1- تامین هدف جزایی 2- احوال شخصی، اجتماعی و اقتصادی مرتکب 3- اندازه مفادی که از ارتکاب جرم حاصل گردیده یا توقع استحصال آن برده میشود 4- نوعیت حق یا مصلحتی که مورد تجاوز قرار گرفته است.

¹¹⁹ فیصله محکمه ابتداییه در قضیه آرزو، 1390/6/1. فیصله محکمه ابتداییه در قضیه پروین دی. 1390/5/4. فیصله محکمه ابتداییه در قضیه سیما ام. 1390/2/4.

¹²⁰ فیصله محکمه ابتداییه در قضیه آرزو دلیو، 1390/6/1.

اخلاقی» را تشکیل می دهند. چنانچه در این گزارش نشان داده شد، اکثر قضایای مربوط به «جرایم اخلاقی» بر اثر خشونت های فامیلی و یا ازدواج های اجباری اتفاق افتاده است. ولی موظفین پولیس و خارنوالان همچون خشونت ها را به ندرت مورد تحقیق قرار می دهند و در عوض بالای موضوع به اصطلاح «جرایم اخلاقی» تمرکز می کنند.

یکی از خارنوالان کابل که با قضایای مربوط به «جرایم اخلاقی» کاری کرد، با ابراز نظر تبعیض آمیز خود با محقق دیده بان حقوق بشر گفت که به نظر او صرفاً خشونت های خیلی شدید و جدی باید براساس قانون منع خشونت علیه زنان مورد رسیدگی قرار گیرند. وی به محقق دیده بان حقوق بشر گفت، «فقط تنها در صورتی که من تو را با مشت بزنم، باید به حبس محکوم گردم.»

در گزارش یکی از کارمندان مربوط وزارت کار و امور اجتماعی در مورد قضیه آرزو دلیلوکه در بالا ذکر شد، آمده بود که آرزو در خانه مورد لت و کوب قرار گرفته و مجبور شده بود که برخلاف میل خود تن به ازدواج دهد. وقتی که دیده بان حقوق بشر از خارنوال متذکره در مورد عدم پیگیری این گونه جرایم پرسید، او در پاسخ اظهار داشت، «آرزو خانه را به دلیل لت و کوب و مجبور شدن به ازدواج ترک نکرده است. نامه عاشقانه او که به دوست پسرش نوشته است ثابت می کند که آرزو آن پسر را دوست داشته و به همین دلیل فرار کرده است. نه اینکه در خانه تحت ستم بوده است. آرزو برای توجیح عمل فرار خود از خانه ادعا می کند که در خانه مورد لت و کوب قرار گرفته و تحت ستم بوده است.»¹²¹

در قضیه نیلوفر ام که در آن یکی از خارنوالان تایید کرده بود که شوهر نیلوفر با وجود اینکه نامبرده را در سال 2011 بارها با پیچکش زده و مجروح کرده بود، از حبس رها گردیده است، خارنوال متذکره موضوع رهایی شوهر نیلوفر را این گونه توجیح کرد، «شوهر نیلوفر نامبرده را به حدی لت نکرده بود که باعث محکومیت وی به حبس گردد. جراحت نیلوفر به حدی نبود که منجر به مرگ وی گردد. پس لازم نبود که او محکوم به حبس گردد.»¹²²

از دوسیه های که توسط دیده بان حقوق بشر مورد بررسی قرار گرفت، معلوم می شود که موظفین پولیس و خارنوالان اکثراً چندان علاقه ای به تعقیب و پیگیری ادعاهای مربوط به ازدواج های اجباری و یا خشونت های اعمال شده توسط مردان بر علیه زنان ندارند. در اکثر قضایا به نظر می رسد، که موظفین پولیس و خارنوالان عملکردهای مستقلانه زنان را به عنوان «اعمال ضد اخلاقی» تعبیر نموده و فرض می کنند که مثلاً فرار دختران جوان از ازدواج با مردان بزرگ سال ناشی از داشتن «روابط غیر اخلاقی» با مردان دیگر می باشد، و یا فرض می کنند که فرار زنان متاهل از خانه تنها به دلیل عمل زنا صورت می گیرند، حتی اگر شواهد کافی مبنی بر اعمال خشونت های فامیلی علیه زنان وجود داشته باشد.

به عنوان مثال، در قضیه اسما دلیلو خارنوال موظف تایید می کند که اسما در اظهارات خویش گفته بود که شوهرش از وی سوء استفاده می کرد. ولی خارنوال به اظهارات وی توجهی نکرده و استدلال می کند که اسما صرفاً می خواست با مرد دیگری فرار نماید.¹²³ در قضیه ثریا وای، زمانی که از خارنوال موظف پرسیده شد که آیا لوی خارنوالی در مورد ادعای نامبرده مبنی بر اعمال خشونت بر علیه وی از جانب اعضای خانواده پدر شوهرش قبل از این که شوهرش وی را متهم به زنا نماید، تحقیقی انجام داده است، خارنوال متذکره در پاسخ گفت، «شاید نه. شاید آن ادعا به اثبات نرسیده است. شاید ثریا دروغ گفته است. در غیر آن، حتماً تحقیق صورت می گرفت. در واقع

¹²¹ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با خارنوال (از گرفتن نام خود داری شده است)، کابل، 15 جنوری 2012.

¹²² مصاحبه دیده بان حقوق بشر با خارنوال (از گرفتن نام خود داری شده است)، کابل، 16 جنوری 2012.

¹²³ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با خارنوال (از گرفتن نام خود داری شده است)، کابل، 16 جنوری 2012.

از قضیه معلوم می شود که وی رفتار خوبی با خانواده نداشته است. و این نوع رفتار برخلاف فرهنگ مردم ما است. پس احتمال دارد که شوهرش بر وی اعتماد نداشته است.»¹²⁴

دیده بان حقوق بشر هنگام مصاحبه با څارنوالان متوجه شد که آنان اغلب یک نوع برداشت منفی کلی گرایانه از رفتار و اخلاق زنان دارند. به عنوان مثال، څارنوالان این واقعیت را که زن و مرد قبول کنند که یکدیگر را می شناسند، به حیث شواهد اثبات کننده عمل زنا پذیرفته و فرض می کنند که فرار از منزل نیز به علت وجود انگیزه های عمل زنا صورت گرفته است. نه اینکه شخص فرارکننده خواسته است از تحت ستم و اعمال خشونت آمیز فامیلی فرار کند.

یکی از مسایل مهم دیگری که در جریان تحقیقات ابتدایی موظفین پولیس و څارنوالان به حدکافی به آن توجه نمی شود، موضوع رضایت به شمول رضایت زنان در انجام عمل جنسی نا مشروع می باشد. در قضایای زنا موظفین پولیس علاقه شدیدی به گرفتن اعترافات زنان در مورد وقوع عمل جنسی دارند. ولی در مورد این مسئله که آیا عمل جنسی با رضایت زن صورت گرفته است یاخیر، توجهی نمی کنند.

در واقع، څارنوالان وجود رضایت را در قضایای تجاوز جنسی یک امر مسلم فرض می کنند. هنگام ارزیابی رضایت به این موضوع که آیا از نیروی فیزیکی و یا سایر اشکال اجبار از قبیل تهدید، و یا راه جوری توسط مردان دخیل در قضیه استفاده صورت گرفته است و یا خیر، به ندرت توجه می شود. څارنوالان بعضی اوقات از دلایلی مانند «فرار از منزل» و یا تنها بودن زن با مردی بیگانه به عنوان شواهد اثبات کننده رضایت زن استفاده می کنند. مثلاً یکی از څارنوالان به دیده بان حقوق گفت که نیلوفر ام به عمل زنا «اعتراف» کرده بود. اما دیده بان حقوق بشر پس از بررسی دوسیه نیلوفر هیچ اعترافی را در داخل دوسیه وی پیدا نکرد و به څارنوال متذکره مراجعه کرده و خواهان توضیح شد. وی در پاسخ گفت، «نیلوفر می گوید که من آن مرد را می شناختم و او را به خانه دعوت کردم. همین گفته نیلوفر اعتراف به شروع جرم زنا می باشد.»

وقتی دیده بان حقوق بشر از څارنوالان خواهان توضیح در مورد قضیه تهمینه ج شد و پرسید که چرا نامبرده باوجود اینکه ادعا دارد که توسط دومرد در یک تعمیر کهنه و متروکه مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است، تحت تعقیب عدلی قرار گرفته است، څارنوال مربوطه در پاسخ اظهار داشت، «تمام چیزهای را که او می گوید کاملاً راست و یا موثق نیست. اوحتماً به این عمل رضایت داشته است. چون هیچ سروصدا نکرده و چیزی هم نگفته است.»¹²⁵

فقدان موظفین پولیس زن و څارنوالان زن و همچنین وجود حساسیت های فرهنگی نسبت به صحبت کردن در مورد مسایل جنسی، انجام تحقیق در مورد قضایای مربوط به «جرایم اخلاقی» را مشکل ترمی سازد. دیده بان حقوق بشر هنگام بررسی اکثر دوسیه های که به خاطر تهیه این گزارش آنها را مورد بررسی قرار داد، متوجه شد که موظفین پولیس و څارنوالان طبقه ذکور به اظهارات مردان بیشتر اعتماد می کنند و به گفته های زنان در مقابل مردان کمتر توجه می کنند. همچنین موظفین پولیس و څارنوالان طبقه ذکور نسبت به تعقیب و پیگیری ادعاهای زنان در مورد خشونت های فامیلی، ازدواج های اجباری و یا تجاوز جنسی به شکل قابل ملاحظه ای بی اعتنا هستند.

ادارات رسیدگی به مشکلات خانوادگی و مامورین پولیس زن

¹²⁴ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با څارنوال (ازگرفتن نام خود داری شده است)، کابل، 24 جنوری 2012.

¹²⁵ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با څارنوال (ازگرفتن نام خود داری شده است)، کابل، 24 جنوری 2012.

در سال 2007، وزارت امور داخله بخشی جدیدی را تحت عنوان «اداره رسیدگی به مشکلات فامیلی» در چوکات حوزه های پولیس ایجاد نمود.¹²⁶ واحدهای رسیدگی به مشکلات فامیلی تیم های اختصاصی بوده و وظیفه دارند که مساعدت های خاص مورد نیاز زنان را برای آنان فراهم کنند. این واحدها دفتر و دروازه جداگانه در داخل حوزه های پولیس دارند که از بقیه مراجعین جدا می باشد.¹²⁷ وظیفه این واحد ها «حمایت از زنان در مقابل خشونت و فراهم کردن حمایت های لازم برای زنان ملکی جهت ثبت شکایت و مشکلات شان می باشد.»¹²⁸

بر اساس گزارش های موجود، حدود 83 واحد رسیدگی به مشکلات فامیلی در حال حاضر در سراسر افغانستان ایجاد گردیده است، اما معلوم نیست که چه تعدادی از آنان به شکل موثر فعال می باشند. در ابتدا، هدف این بود که تمام کارمندان این واحدها زن باشند و به مشکلات خانوادگی رسیدگی کنند.¹²⁹ اما کمبود کارمندان زن در میان موظفین پولیس باعث شد که طرح اولیه تغییر نموده و در عوض تصمیم گرفته شد که در هر واحد رسیدگی به مشکلات خانوادگی سه مامور پولیس فعالیت کند که دوفرد آن زن و یک نفر آن مرد باشد.¹³⁰ اما، فعلا در عمل، در تمام واحدهای رسیدگی به مشکلات خانوادگی موظفین پولیس مردانیای وظیفه می کنند.¹³¹ سازمان های فعال حقوق زنان و جامعه مدنی اظهار می دارند که واحدهای رسیدگی به مشکلات فامیلی در صورتیکه تمام کارمندان آن مرد باشند، قادر نخواهد که به اهداف اولیه خود که همانا کمک به زنان است، دست یابند.

در حال حاضر، زنان صرفا یک فیصد از تمام کارمندان پولیس را تشکیل می دهند. با آنکه تعداد موظفین پولیس زن از 180 تن در سال 2005 (که 0.3 فیصد از 53,400 کل نیروهای پولیس را در سال تشکیل می داد) به 1,195 تن در سپتامبر سال 2011 افزایش یافته است (که این رقم 1 فیصد از مجموع 112,000 تن کل نیروهای پولیس را تشکیل می دهد).¹³² با آنهم 84 فیصد از موظفین پولیس زن در چهار شهر عمده کشور (تقریبا نصف آن در کابل و یک پنجم آن در شهر مزار شریف) ایفای وظیفه می کنند.¹³³ به این معنا که زنان در سایر شهرها و مناطق روستایی بسیار به ندرت ممکن است که با موظفین پولیس زن - چه در ادارات رسیدگی به مشکلات فامیلی و چه در دفاتر دیگر - مواجه شوند.

ارزشهای فرهنگی، محدودیت های امنیتی برای زنان، سطح بالای تهدیدات جنسی در ساحات کاری و عدم موجودیت محیط مناسب برای زنان در حوزه های پولیس پروسه استخدام موظفین پولیس زن را با چالش مواجه کرده است. تعدادی زیادی از فامیل ها به زنان شان اجازه کار در خارج از خانه را نداده و کار کردن به صفت مامورین پولیس مخصوصا برای زنان یک شغل کاملا نامناسب تلقی می گردد. زنان که به صفت کارمندان پولیس

¹²⁶ Afghanistan Public Policy Research Organization, *Growing Pains — Women in the Afghan National Police*, December 2010 (unpublished), p. 13.

¹²⁷ Human Rights Watch interview with Major A. Heather Coyne, NGO/International Organizations Liaison, NATO Training Mission/CSTC-A, Kabul, December 11, 2011.

¹²⁸ Afghanistan Public Policy Research Organization, *Growing Pains — Women in the Afghan National Police*, December 2010 (unpublished), p. 15.

¹²⁹ همانجا صفحه 14

¹³⁰ Human Rights Watch interview with Major A. Heather Coyne, NGO/International Organizations Liaison, NATO Training Mission/CSTC-A, Kabul, December 11, 2011

¹³¹ Afghanistan Public Policy Research Organization, *Growing Pains—Women in the Afghan National Police*, December 2010 (unpublished), p. 14.

¹³² Ibid., p. 10; Lianne Gutscher, "Fighting is cultural, criminal for Afghan policewomen," *USA TODAY*, September 19, 2011, <http://www.usatoday.com/news/world/story/2011-09-19/Afghan-National-Police-force-women-Islam/50471816/1> (accessed February 22, 2012).

¹³³ Afghanistan Public Policy Research Organization, *Growing Pains — Women in the Afghan National Police*, December 2010 (unpublished), p. 7.

ایفای وظیفه می کنند، بارها مورد تهدیدات مختلف از جمله مرگ و اذیت و آزار قرار گرفته و متهم به فاحشه گری می گردند.¹³⁴ یافته های یک ارزیابی نشان می دهد که از موظفین زن پولیس در یک سوم از حوزه های امنیتی پولیس تقاضای عمل جنسی از جانب همکاران و یا آمرین شان صورت گرفته است.¹³⁵ عوامل دیگری نیز وجود دارد که پروسه استخدام و حفظ موظفین پولیس زنان را مشکل ترمی سازد و آن عبارت است از رفتارهای نامناسب با پولیس زنان، عدم امکان نگهداری اطفال، و یا مسایل خیلی ساده مانند عدم موجودیت تشناب های خاص برای زنان و یا تشناب های قفل دار در حوزه های پولیس.¹³⁶ در کنار این چالش ها مشکلات دیگری نیز وجود دارند که مربوط به مسلک پولیس می گردد. مانند فقدان آموزشهای مسلکی لازم برای پولیس زن، ترفیع، فقدان مسئولیت پذیری و عدم استفاده کافی از توانایی های پولیس زن (تعدادی زیادی از موظفین پولیس زن تنها کاری که انجام میدهند عبارت است از تهیه جای برای افسر های طبقه ذکور و یا هم تلاشی زنان می باشد).¹³⁷

افزایش تعداد پولیس زن موجب بهبودی میزان موثریت و کارایی ادارات رسیدگی به مشکلات فامیلی گردیده و تعدادی زیادی از مشکلات ذکر شده در این گزارش را حل خواهد کرد.¹³⁸ بعضی از وظایف مربوط به مسلک پولیس را پولیس مرد نمی تواند در مورد زنان انجام دهد. چون در بعضی مناطق افغانستان از لحاظ فرهنگی برای زنان مناسب نیست تا با مردان بیگانه صحبت کنند – چه رسد به اینکه با آنان به تنهایی نشسته و یا مسایل شخصی خویش مانند ازدواج های اجباری، اعمال جنسی، تجاوز جنسی و یا سوء استفاده های جنسی را با آنان شریک سازد. این واقعیت که اکثر افغان ها نشستن زنان با یک مرد و یا تعدادی از مردان در یک اتاق را نامناسب تلقی می کنند، مشکلی دیگری را در قبال زنان در قسمت درج شکایات شان در ادارات رسیدگی به مشکلات فامیلی که فاقد پولیس زن می باشند، ایجاد کرده است. زنان صرفاً یک فیصد از تمام کارمندان پولیس را تشکیل می دهند تعداد پولیس زن و همچنین خارنوالان زن ممکن است باعث کاهش تبعیضات مبتنی بر جنس در قضایای مربوط به «جرایم اخلاقی» گردند.

¹³⁴ Lianne Guter, "Fighting is cultural, criminal for Afghan policewomen," *USA TODAY*, September 19, 2011, <http://www.usatoday.com/news/world/story/2011-09-19/Afghan-National-Police-force-women-Islam/50471816/1> (accessed February 22, 2012).

¹³⁵ Afghanistan Public Policy Research Organization, *Growing Pains — Women in the Afghan National Police*, December 2010 (unpublished), p. 18.

¹³⁶ همانجا، صفحه 9.

¹³⁷ همانجا.

¹³⁸ همانجا صفحه 3

فساد و جرایم اخلاقی

فساد – به خصوص رشوت دادن متهم و یا سایر طرف های ذینفع در قضیه به موظفین پولیس، خارنوالان و قضات، برای تاثیر گذاشتن بر فیصله دادگاه – یک سلسله مشکلات جدی را برای سیستم عدلی و قضایی افغانستان بوجود آورده است.¹³⁹ در حالیکه ما هنگام تهیه این گزارش، درمورد رشوت ستانی در سیستم قضایی افغانستان تحقیق نکردیم، اما اکثر اشتراک کنندگان در این مصاحبه ها مسئله رشوت را مطرح کرده و اظهار داشتند که آنان معتقد اند و یا می دانند که در قضیه شان از جانب طرف مقابل رشوت پرداخت گردیده است. به عنوان مثال، در قضایای زنا در مواردی که مردان در کنار زنان و یا دختران دستگیر گردیده بودند، مردان آزاد گردیده و یا متهم نشده بودند در حالیکه زنان و دختران محاکمه شده و محکوم گردیده بودند. بدون استثناء، زنان این موضوع را به پرداخت رشوت توسط مردان و یا رابطه داشتن مردان بامقامات عدلی و قضایی نسبت می دادند.

آنان توضیح می دادند که مردان با دادن رشوت رها گردیده ولی زنان چون توانایی پرداخت رشوت را ندارند و از طرف دیگر فامیل های شان نیز یا این توانایی را نداشته و یا تمایل به پرداخت رشوت جهت رهایی این زنان را ندارند، آنان تحت بازداشت باقی مانده اند. مشکل است که همچو ادعاها را در قضایای انفرادی تایید کرد. ولی طرح هماهنگ این ادعا ها و سازگاری آن با یافته های ارزیابی اداره مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل متحد درمورد وجود گسترده فساد اداری در نظام عدلی و قضایی افغانستان ایجاب می کند که تحقیقات بیشتری جهت تشخیص میزان نقش فساد در قضایای مربوط به «جرایم اخلاقی» صورت بگیرد.

کوتاهی در امر تحقیق و تعقیب قضایای خشونت علیه زنان

گزارش سازمان ملل متحد کوتاهی و کم کاری مقامات مربوطه در امر تحقیق و تعقیب جدی قضایای خشونت علیه زنان که به موجب قانون منع خشونت علیه زنان جرم انگاری شده است، را آشکار می کند. گزارش نشان می دهد که در جریان یک سال پس از تصویب این قانون، خارنوالان صرفاً یک چهارم از قضایای خشونت را که توسط کمیسیون حقوق بشر افغانستان ثبت شده بود، مورد بررسی قرار داده اند.¹⁴⁰ به این معنا که از میان 2,299 قضیه مربوط به خشونت علیه زنان با توجه به قانون منع خشونت علیه زنان که در این مدت توسط کمیسیون حقوق بشر مستند شده بود، صرفاً 594 قضیه از جانب خارنوالان مورد تحقیق و پیگرد قرار گرفته اند که این تعداد 26 فیصد از کل قضایا را تشکیل می دهد.¹⁴¹ از میان 594 قضیه تعداد 155 قضیه و یا به عبارت دیگر کمتر از هفت فیصد قضایا طوریکه به کمیسیون حقوق بشر گزارش داده شده است، به مرحله تهیه اتهام نامه توسط خارنوالان رسیده

¹³⁹ یک سروی که در سال 2010 توسط اداره مبارزه بامواد مخدر سازمان ملل متحد درمورد رشوت انجام شد، نشان می دهد که از میان مامورین دولتی بیشترین میزان رشوت ستانی را مامورین پولیس انجام میدهند. بیشتر از 75 درصد از افراد که در سروی شامل بودند اظهار داشتند که آنان به شکلی از اشکال و یا حد اقل یکبار در جریان 12 ماه اخیر، به مامورین پولیس رشوت داده اند. قضات و خارنوالان نیز از جمله مامورین است که سطح تقاضای رشوت در میان آنان خیلی بالا نشان داده شده است. از میان 14 کتگوری کارمندان دولتی که از مراجعین تقاضای رشوت می کنند، قضات در درجه سوم و خارنوالان در درجه چهارم قرار داشتند. حدود 18 درصد از کسانی که در این سروی اشتراک کردند، اظهار داشتند که در جریان 12 ماه اخیر به قضات رشوت داده اند و حدود 14 درصد اظهار داشتند که به خارنوالان رشوت داده اند.

¹³⁹ UNODC, "Corruption in Afghanistan: Bribery as Reported by the Victims," January 2010, <http://www.unodc.org/documents/data-and-analysis/Afghanistan/Afghanistan-corruption-survey2010-Eng.pdf> (accessed March 18, 2012).

¹⁴⁰ UNAMA, "A Long Way to Go: Implementation of the Elimination of Violence against Women Law in Afghanistan," November 2011, p. 10, http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/human%20rights/November%2023_UNAMA-OHCHR-Joint-Report-on-Implementation-of-EVAW-law_ENG.pdf (accessed March 18, 2012).

¹⁴¹ همانجا صفحه 10.

است.¹⁴² مهم ترین نکته، در تعداد 17 ولایت از 34 ولایات افغانستان در جریان یک سال پس از تصویب این قانون، حتی یک قضیه خشونت هم به ثبت نرسیده است.¹⁴³

در جریان تهیه این گزارش، دیده بان حقوق بشر متوجه شد که یک نوع بی علاقه گی عمومی میان څارنوالان در قسمت پیگیری و تعقیب جرایم مربوط به قانون منع خشونت علیه زنان وجود دارد و همچنین یک نوع برداشت نادرست از نوعیت رابطه میان قانون منع خشونت علیه زنان با قانون جزاء که موارد تخفیف و عفو مجازات را در این قضایا تعیین می کند، دیده می شود.

به عنوان مثال، څارنوال موظف در قضیه نیلوفر ام (که در بالا ذکر شد) به دیده بان حقوق بشر گفت که یکی از دلایلی که وی بر علیه شوهر نیلوفر اقدام نکرده است، این است، «قانون منع خشونت علیه زنان زمانی قابل تطبیق می شود، که خشونت غیر قابل توجیه باشد. ولی عمل شوهر نیلوفر قابل توجیه است [چون وی مدعی است که زن اش را در حال انجام عمل زنا دیده است]. اگر یک مرد زنی را در حال انجام عمل زنا ببیند، حتی می تواند که هم زانی و هم مزنی را به قتل برساند.»¹⁴⁴ این دیدگاه درک درستی را از قانون انعکاس نمی دهد.¹⁴⁵ موجودیت حالات مخففه در قانون نمی تواند کم کاری وی اعتنایی څارنوالان نسبت به تعقیب و پیگیری قضایا را توجیه کند. اینکه آیا وجود همچو حالات مخففه در یک قضیه خاص تحقق یافته است یاخیر و این که تاثیر آن بالای میزان محکومیت و مجازات چه خواهد بود، باید توسط محکمه مشخص گردد، نه څارنوال.

در قضایایی که دفاع و یا شرایط تخفیف مجازات مشخصاً در قانون برای تخلفات خاصی پیش بینی شده است، قانون جزای افغانستان به هیئت قضایی [نه څارنوال] صلاحیت تشخیص این حالات را داده است. در قانون آمده است، «احوال مخففه قضائی عبارت از حالاتی است که ارتکاب جرم بر اساس انگیزه شریفانه صورت گرفته باشد و یا مجرم از اثر تحریک غیر حق مجنی علیه به ارتکاب جرم اقدام نموده باشد.»¹⁴⁶

لوی څارنوالی افغانستان بعضی اقدامات لازم را جهت تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان از طریق ایجاد څارنوالی های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان، اتخاذ نموده است. اولین څارنوالی اختصاصی در مارچ 2010 در کابل ایجاد گردید.¹⁴⁷ تعداد 4 څارنوالی اختصاصی دیگر در سال 2011 افتتاح گردید و انتظار می رود که تعداد 3 څارنوالی دیگر در اواسط سال 2012 افتتاح گردد.¹⁴⁸ څارنوالی اختصاصی کابل در جریان سال اول که

¹⁴² همانجا صفحه 9.

¹⁴³ UNAMA, "A Long Way to Go: Implementation of the Elimination of Violence against Women Law in Afghanistan," November 2011, p. 9, http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/human%20rights/November%2023_UNAMA-OHCHR-Joint-Report-on-Implementation-of-EVAW-law_ENG.pdf (accessed March 18, 2012).

¹⁴⁴ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با څارنوال (از گرفتن نام خود داری شده است)، کابل، 16 جنوری 2012.

¹⁴⁵ ماده قانونی که څارنوال متذکره به آن استناد می کرد، ماده 398 قانون جزاء بود که این ماده صراحت دارد: شخصی که به اثر دفاع از ناموس، زوجه یا یکی از محارم خود را در حالت تلبس به زنا یا وجود او را با شخصی غیر در يك بستر مشاهده و في الحال هر دو یا یکی از آنها را به قتل رسانده یا مجروح سازد از جزای قتل و جرح معاف اما تعزیراً حسب احوال به حبسی که از دو سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد. این ماده قانون همانند ماده 141 فقره 1 قانون جزاء که ذیلاً تذکر داده خواهد شد، باید از طریق فیصله قضایی تطبیق گردد نه از طریق تصمیم څارنوال.

¹⁴⁶ قانون جزاء، ماده 141، فقره 1.

¹⁴⁷ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با سندی فاینزیگ، سازمان بین المللی انکشاف حقوق، کابل، 2 فیبروری 2012.

¹⁴⁸ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با وندا والکوت، اداره مبارزه با مواد مخدر و تنفیذ قانون ایالات متحده امریکا، کابل، 18 جنوری 2012.

در آن قانون منع خشونت مورد اجرا قرار گرفت، تعداد 285 قضیه را ثبت، اما صرفاً برای 21 قضیه اتهام نامه ترتیب نمود.¹⁴⁹ طبق گزارشات سازمان ملل متحد، خائنی های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان به شکل قابل ملاحظه ای بر میانجیگری جهت حل و فصل قضایا اتکاء می کند. این سازمان پیشنهاد کرد که لوی خائنی افغانستان باید با همکاری کشورهای دوست (اگر همکاری ضرورت باشد) فعالیت های خائنی های اختصاصی مبارزه با خشونت را ارزیابی نموده و مشخص سازد که آیا در قسمت روشهای رسیدگی به قضایا توسط این خائنی ها نیاز به تجدید نظر هست و یا خیر.¹⁵⁰

توسعه نقش کارمندان اجتماعی

وزارت کار و امور اجتماعی، و شهداء و معلولین کارمندان اجتماعی را موظف می کند که در مورد قضایای که در آن اطفال متهم به ارتکاب تخلفات – به خصوص «جرائم اخلاقی» – اند تحقیق کنند. کارمندان اجتماعی متذکره گزارش های را که حاوی معلومات لازم در مورد حالات و شرایطی که در آن تخلفات از قانون توسط اطفال صورت گرفته است، تهیه و ترتیب می کنند و پیشنهادات خود را در این گزارشات برای خائنیان و قضات مبنی بر اینکه قضیه باید به چه شکلی تحت پیگیری قرار گیرد، و این که آیا اصلاً لازم است قضیه پیگیری گردد و یا خیر، ارائه می کنند.

حکومت باید تطبیق این روش را بر تمام قضایای مربوط به «جرائم اخلاقی» به شمول قضایای که در آن زنان بزرگ سال دخیل هستند، مورد بررسی و توجه قرار دهد. از آنجاییکه تعداد زنان که به جرم ارتکاب جرائم مختلف دستگیر می گردند، در مقایسه با تعداد مردان خیلی کمتر است، انجام همچو کار نباید خیلی دشوار باشد. ضمیمه کردن یک گزارش ارزیابی تهیه شده توسط کارمندان اجتماعی موظف از جانب وزارت کار و امور اجتماعی در دوسیه زنان که متهم به ارتکاب جرائم اخلاقی می باشند، به خائنیان، وکلای مدافع و قضات کمک می کند که دلایل تیرئه کننده متهم و یا حالات مخففه مجازات کشف گردیده و یا هم ضرورت پیگرد سایر اعضای فامیل متهم را آشکار کنند.

ایجاد خائنی های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان نباید دلیلی شود برای سایر خائنیان که جرائم مورد اهتمام قانون منع خشونت علیه زنان را تحت تعقیب قرار ندهند. زمانی که دیده بان حقوق بشر از خائنیان پرسید که آیا آنان ادعاهای مربوط به ارتکاب جرائم مورد اهتمام قانون منع خشونت علیه زنان را که در ضمن رسیدگی به «جرائم اخلاقی» مطرح می گردند، مورد رسیدگی قرار می دهند یا خیر، بعضی از آنان در پاسخ گفتند که ما همچو ادعاها را تحت تعقیب قرار ندادیم چون یک ارگان خاص که همان خائنی اختصاصی باشد، مسئولیت بررسی همچو ادعاها را بر عهده دارد. ولی هیچ شواهدی مبنی بر اینکه آنان این نوع ادعاها را به خائنی اختصاصی ارجاع داده باشند وجود نداشت.¹⁵¹ خائنی های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان این استعداد بالقوه را دارد که به یک نهاد مهم قضایی جهت تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان مبدل گردد. اما فعالیت های این خائنی ها نیاز به نظارت جدی و بعضی تغییرات سازمانی دارد تا بتوانند به مقاصد اصلی خویش نایل گردند.

¹⁴⁹ UNAMA, "A Long Way to Go: Implementation of the Elimination of Violence against Women Law in Afghanistan," November 2011, p. 13, http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/human%20rights/November%2023_UNAMA-OHCHR-Joint-Report-on-Implementation-of-EVAW-law_ENG.pdf, (accessed March 18, 2012).

¹⁵⁰ همانجا، صفحه 14.

¹⁵¹ مثلاً مصاحبه دیده بان حقوق بشر با خائنی (از گرفتن نام خود داری گریه است)، 15 جنوری 2012.

«اعترافات»

چنانچه قضایای مندرج در این گزارش نشان داد، بعضی مشکلات بسیار ابتدایی حقوقی در مورد نحوه رفتار موظفین پولیس و خائوالان با شهود و دفاعیه های متهم درقضایای مربوط به «جرائم اخلاقی» وجود دارد. درقضایای مربوط به «جرائم اخلاقی» خائوالان در بیشتر موارد به اعترافات متوسل می شوند. این اعترافات که درتمام 10 قضیه بررسی شده توسط دیده بان حقوق بشر وجود داشت، اظهاراتی اند که فوراً پس از دستگیری متهم توسط موظفین پولیس اخذ گردیده اند. این اظهارات معمولاً توسط موظفین پولیس طبقه ذکور وبدون حضور وکیل مدافع اخذ گردیده و از جانب خانم که معمولاً سواد خواندن ونوشتن را ندارد با گذاشتن انگشت شصت تایید می گردد. هیچ شواهدی وجود ندارد که محتوای اظهارات گرفته شده هنگام شصت کردن برای خانم متهم خوانده شده باشد. عدم حضور وکیل مدافع وهمچنین موجودیت سایر اوضاع وحالات در ارتباط همچو اظهارات نگرانی های جدی ای را درمورد اعتبار حقوقی این نوع «اعترافات» به موجب قانون اجراءات جزایی و قانون اساسی افغانستان مطرح می سازد.¹⁵² باوجود آن، درتمام قضایای بررسی شده اعترافات متذکره به عنوان شواهد ومدارک توسط خائوالان به دادگاه ارائه شده و دادگاه نیز آن را به عنوان سند معتبر حقوقی پذیرفته است. برعلاوه، فیصله های محاکم اغلب نشان می دهد که اعترافات متذکره به عنوان یگانه شواهد ودلائل موجود برای محکومیت متهم استفاده شده است.

دلایلی زیادی وجود دارد مبنی براینکه محاکم نباید از همچو اعترافات به عنوان شواهد ودلائل بر علیه متهم استفاده کنند. اول اینکه، این نوع اعترافات ممکن است به سهولت از جانب پولیس به منظور حل و فصل سریع قضیه جعل و یا دست کاری شده باشد. این گونه اعترافات زمینه فساد را فراهم می سازد (به چوکات بالا نگاه کنید) چون ممکن است رشوت پرداخت گردد تا اظهارات طوری نگارش یابد که نتیجه یک قضیه را تعیین کند. زمانیکه اظهارات توسط پولیس مرد اخذ گردد، احتمال اینکه یک زن و یا یک دختر بتواند به راحتی در مورد مسائل واعمال جنسی رضایت و عدم رضایت خویش در رابطه با عمل جنسی صحبت کند، خیلی نادر است. برعلاوه، از آنجاییکه اکثر زنان ودختران افغان توانایی خواندن ونوشتن را ندارند، آنان نمی توانند از محتوای اظهارات اخذ شده اطمینان حاصل کنند - حتی اگر اظهارات گرفته شده بعداً برای آنان خوانده شود، احتمال اینکه آنها آن را به خوبی بفهمند نیز خیلی کم است. این نوع مشکلات زمانی می تواند به بهترین شکل حل گردد که بدون حضور وکیل مدافع هیچ گونه اظهارات از مظنون ویامتهم گرفته نشده و درقضایای مربوط به مظنونین و متهمین زن اظهارات آنان درصورت امکان توسط پولیس زن اخذ گردد.¹⁵³

¹⁵² در نظام حقوقی افغانستان دو قانون در قسمت اصول اجراءات جزایی وجود دارد که عبارت اند از: قانون اجراءات جزایی افغانستان مصوب 1965 میلادی وقانون اجراءات جزایی موقت که این قانون با همکاری جامعه بین المللی تسوید شده و در سال 2004 تصویب گردید. فقره 7 ماده 5 قانون اجراءات جزایی موقت پیش بینی می کند، «پولیس، خائوالان ومحکمه مکلف اند معلومات واضح را در وقت گرفتاری وقبل از استنطاق راجع به حق سکوت، حق تعیین وکیل مدافع در تمام مراحل، حق حضور در هنگام تفتیش، مقررات شناسایی مجرمین از طریق صف کشیدن، معاینات توسط اهل خبره ومحاکمه برای مظنون ومتهم ارائه نمایند.» فقره 3 ماده 32 قانون اجراءات جزایی موقت بیان می کند، «وکیل مدافع، مظنون یا متهم حق دارد طبق احکام ماده 38 در تمام مراحل استنطاق وتحقیق قضیه حاضر باشند. ماده 38 قانون اجراءات جزایی موقت صراحت دارد، «وکیل مدافع حق دارد در تمام مراحل جریان استنطاق مظنون حاضر باشد؛ وکیل مدافع ومظنون حق دارند در جریان تلاشی، مقابله شناسایی مجرمین در بین صف، معاینه توسط اهل خبره ومحاکمه حاضر باشند؛ خائوالان وپولیس عدلی مکلف اند غرض حضور مظنون و وکیل مدافع در تمام مراحل تحقیق در صورت تفتیش، مقابله شهود، طرز العمل شناسایی از روی صف ومعاینات توسط اهل خبره، ایشان را مطلع نمایند.» اعترافات گرفته شده توسط اجبار طبق ماده 31 قانون اساسی افغانستان فاقد اعتبار می باشد. ماده 31 قانون اساسی صراحت دارد که مظنون ومتهم حق داشتن وکیل مدافع در تمام مراحل دعوی جزایی را دارد. طبق ماده 55 قانون اجراءات جزایی موقت اظهارات مظنون ومتهم صرفاً زمانی به حیث شواهد در نظر گرفته می شود که... نتایج نشان دهد که متهم و وکیل مدافع منتخب اش در هنگام جریان تحقیق حاضر بوده و درموقی قرار داشته باشند که بتوانند سوال ویا اعتراض خویش را ارائه بدارند...»

¹⁵³ در اکثر قضایا امکان آن وجود دارد که اظهارات مظنونین و متهمین زن توسط پولیس زن گرفته شود. اگر تعداد پولیس زن خیلی کم بوده و اکثر آنان در شهر های عمده ایفای وظیفه می کنند، اما دستگیری زنان متهم نیز اکثراً در شهر ها صورت می گیرد. درحالاتی که در آن یک زن دستگیر گریده ولی کدام پولیس زن در آن محل وجود نداشته باشد، پالیسی وزارت امور داخله باید طوری باشد که آن زن به زود ترین فرصت ممکن به جایی انتقال گردد که در آنجا پولیس زن وجود دارد. نگهداری زنان مظنون صرفاً در حوزات امنیتی که در آن

عفو و یا تخفیف مجازات توسط رئیس جمهور

برای زنان و دخترانی که به جرم ارتکاب جرایم اخلاقی زندانی گردیده اند، تنها یک راه جهت تخفیف و یا عفو مجازات آنان وجود دارد و آن عبارت است از عفو و یا تخفیف مجازات توسط رئیس جمهور. رئیس جمهور دولت جمهوری اسلامی افغانستان آقای حامد کرزی در سال های اخیر به مناسبت تعطیلی های عمده ملی به طور منظم فرمان هایی را به منظور عفو و یا تخفیف مجازات دسته های خاص محبوسین به شمول زنان و دختران صادر کرده است.¹⁵⁴ اگرچه جمع آوری معلومات و احصائیه دقیق در مورد زنان و دخترانی که بر اثر فرامین ریاست جمهوری آزاد شده اند، مشکل است، اما یکی از مقامات محابس به دیده بان حقوق بشر گفت که در ماه اگست 2011 فقط از محبس بادام باغ کابل به تعداد 60 زن محبوس به دنبال فرمان رئیس جمهور که به مناسبت عید اضحی صادر شده بود، آزاد گردیدند.¹⁵⁵

بر روی دیوار رئیس مرکز اصلاح و تربیت اطفال که با دیده بان حقوق بشر ملاقاتی داشت، 14 فرمان ریاست جمهوری مبنی بر عفو و تخفیف مجازات محبوسین و محجوزین نصب بود. به عنوان مثال، در یکی از این فرمان ها دستور داده شده بود که زنانی که به مدت یکسال و یا کمتر از آن محکوم به حبس گردیده اند و یا زنانی که به مدت 1 الی 5 سال حبس به حکم قطعی محکمه ذیصلاح محکوم گردیده اند و همچنین زنان و دخترانی که به 10 الی 15 سال حبس محکوم گردیده و حداقل نصف مدت حبس شان را سپری کرده باشند، از حبس رها گردند. زنان محبوسی که شامل این دسته بندی ها نشده و به مدت 10 الی 20 سال حبس محکوم گردیده باشند، دوماه از مدت حبس شان کاسته شود.

تعدادی از زنان و دخترانی مصاحبه شونده در این گزارش، امید وار بودند که زود تر از ختم مدت حبس شان از طریق فرامین ریاست جمهوری آزاد گردند. آخرین فرمان عفو، فرمانی است که به مناسبت روز بین المللی زن در روز 8 مارچ 2012 صادر گردید و در آن حامد کرزی دستور داد، «... زنان محبوسی که از منزل والدین شان فرار کرده تا با افراد دلخواه شان ازدواج کنند و یا زنانیکه پس از فرار با افراد دلخواه شان ازدواج کرده اند، بدون قید و شرط از زندان آزاد گردند.» هم اکنون روند تشخیص و آزاد سازی زنان و دخترانی که شامل مفاد این فرمان می گردد، ادامه دارد.

به هر حال، فرمان های عفو چون بخشی از اصول اجرایی منظم نیست نمی توانند نقض حقوق زنان و دختران را به شکل مناسب جبران نمایند. فرمان ها مانع بی عدالتی هایی که منجر به محکومیت های غیر قابل توجیه چه به شکل سیستماتیک و یا به شکل قضایای انفرادی شده است، نمی گردد. فرمان های عفو مشکل عملکردهای ناعادلانه موجود در نظام عدلی و قضایی را که منجر به تعقیب و محاکمه مداوم زنان و دختران به اتهام ارتکاب «جرایم اخلاقی» می گردند، حل نمی کنند. و همچنین این فرمانها نمی تواند سالها و ماهایی را که محبوسین در حبس سپری کرده اند برگرداند و نه هم روابط فامیلی متضرر شده و یا حیثیت زنان را که بر اثر دستگیری و حبس از دست رفته اعاده کند. زنان که به جرم ارتکاب جرایم اخلاقی محکوم به حبس شده اند ممکن است همیشه در معرض بد رفتاری و یا حتی قتل قرار گیرند.

پولیس زن وجود دارد، نه تنها انجام تحقیقات ابتدایی را برای پولیس آسان می سازد بلکه از لحاظ امنیتی برای زن مظنون نیز خیلی مفید خواهد بود.

¹⁵⁴ کاپی های از این فرمانها در میان اسناد دیده بان حقوق بشر وجود دارد.

¹⁵⁵ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با انیسه دستگیر، معاون محبس بادام باغ، 2 نوامبر 2011.

خانه های امن (شیلترها): مساعدت برای بعضی از آسیب دیدگان

یکی از میکانیسم های بالقوه جهت کاهش پرونده های مربوط به «جرایم اخلاقی» انکشاف سیستم خانه های امن افغانستان است. خانه های امن محلات مصنوعی است برای زنان و دخترانی که نیاز به حفاظت و دسترسی به مساعدت های حقوقی دارند. طوریکه در اکثر قضایای فوق الذکر نشان داده شد «فرار» یک موضوع عام در قضایای مربوط به جرایم اخلاقی می باشد. اکثر زنان و دخترانی که به اتهام زنا و یا فرار از منزل بازداشت می گردند، در حال فرار از دست شوهران ظالم و یا جلوگیری از ازدواج های اجباری هستند. در فقدان مراکز امن برای رفتن پس از فرار، زنان و دختران اکثرا با شرایطی مواجه می شوند که باعث دستگیری آنان می گردد. در حال حاضر، تعداد محدودی از خانه های امن در سراسر افغانستان وجود دارد.¹⁵⁶

در هر یک از ساحاتی مورد بازدید ما، تعدادی از زنان و دختران اظهار داشتند که پولیس آنان را به خانه های امن معرفی کرده اند – حتی در مواردی که زنان و دختران در مورد خانه های امن چیزی نمی دانستند، نیز پولیس آنان را به این خانه ها معرفی کرده بودند. این مسئله نشان می دهد که دست کم در بعضی ساحات به پولیس آموزش های خوبی در مورد وظایف خانه های امن و نقش پولیس در فراهم سازی امنیت و مسئولیت برای زنان و دختران داده شده است.¹⁵⁷ آن عده از مسئولین خانه های امن که هنگام تهیه این گزارش با ما مصاحبه کردند، نیز به بعضی پیشرفت های خوبی در قسمت همکاری پولیس با خانه های امن اشاره کردند.

ماری اکر می مسئول مرکز انکشاف مهارت ها برای زنان افغان گفت، «ما نباید صرفا از حکومت انتقاد کنیم. ما باید کارهای مثبتی را که صورت گرفته است تایید کنیم. مثلا زمانی که پولیس همکاری خوب می کند.» ماری به قضیه ای اشاره می کند که در آن پولیس یک زن را در نیم شب به خانه امن معرفی کرده بود. ماری می گوید که آن زن اصلا باور نمی کرد که چگونه پولیس با وی برخورد نیک کرده بود. پولیس با آن زن احترامانه رفتار نموده، به وی جای داده و از او محافظت کرده بود. آن زن به ماری گفته بود که من قبلا از پولیس می ترسیدم.

متاسفانه در بعضی موارد پولیس بعد تر به خانه های امن مراجعه کرده و همان زن و یا دختری را که قبلا معرفی کرده بود، دوباره دستگیر می کنند. به نظر می رسد که پولیس بعضی اوقات زنان را به خانه های امن معرفی می کنند تا معلوم کنند که کدام جرمی اتفاق افتاده است یا خیر. در این جریان، پولیس به طور معمول با خانواده زن و یا دختر مورد نظرتماس می گیرند. اگر فامیل های این زنان و دختران آنان را متهم کنند، پولیس آنان را از خانه های امن خارج کرده و بازداشت می کنند. خانه های امن صلاحیت ندارند که مانع پولیس از بردن زنان و دختران گردند. اگر چه خانه امن برای آنان مساعدت های حقوقی لازم را فراهم می سازند.

ضرورت مبرم به ایجاد خانه های امن بیشتر در افغانستان احساس می گردد – گر چند در مورد امکان ایجاد خانه های امن در نصف جنوبی کشور که نسبت به سایر بخش های افغانستان محافظه کارتر اند، نظرات متفاوت وجود

¹⁵⁶ پیش از سقوط حکومت طالبان در سال 2001، در افغانستان کدام خانه امن برای زنان وجود نداشت. گر چند بعضی شبکه های غیر رسمی جهت کمک به زنانی که از ظلم و ستم فرار می کردند در جامعه افغانستان وجود داشت. در حال حاضر تعدادی 14 خانه امن در وزارت امور زنان ثبت گردیده است. هیچ یک از خانه های امن متذکره در ولایات محافظه کار جنوبی فعالیت ندارد. مصاحبه دیده بان حقوق بشر با وندا والکوت، اداره مبارزه بامواد مخدر و تنفیذ قانون ایالات متحده امریکا، کابل، 1 دسامبر 2011.

¹⁵⁷ احتمالا این مسئله بیشتر حاصل پروگرام های آگاهی عامه خانه های امن است. چون وقتی که یک خانه امن شروع به فعالیت می کند، در مورد کارکردهای خویش به پولیس، بزرگان محل و سازمان های مربوطه معلومات و آگاهی می دهند. مصاحبه دیده بان حقوق بشر با مسئول خانه امن (از گرفتن نام خود داری گردیده است)، کابل، 7 و 11 دسامبر 2011.

دارد.¹⁵⁸ به هر حال، ایجاد خانه های امن بیشتر یک مسئله پیچیده است. چون ایجاد این خانه ها به منظور حمایت از زنان و دختران در افغانستان به خودی خود یک موضوع جنجال برانگیز است. اقشار مختلفی از رهبران مذهبی و سیاسی، ژورنالیستان و مقامات دولتی اظهارات مشابهی در مورد خانه های امن نموده و ضمن انتقاد از سیستم خانه های امن گفته اند که این مراکز زنان را به انجام «اعمال غیر اخلاقی» تشویق نموده و یا به صفت فاحشه خانه عمل می کنند. بعضی خانه های امن از لحاظ امنیتی مشکلات جدی دارند، در حالیکه همه این مراکز به شکل غیر برجسته فعالیت می کنند.¹⁵⁹

خانه های امن موجود در افغانستان بسیار محدود کننده اند. معمولاً زنان و دختران ساکن در خانه های امن اجازه ندارند که از خانه ها خارج شوند. این مسئله ناشی از نگرانی های مربوط به امنیت این زنان و دختران و همچنین امنیت خود خانه های امن می باشد. امنیت خانه های امن در سطح گسترده ای منوط به مخفی بودن موقعیت آنان می باشد. این نوع احتیاط ها از نقطه نظر امنیتی قابل درک است. اما این محدودیت ها در دراز مدت مانع دسترسی زنان و دختران به فرصت های تحصیلی و کاریابی شده و نمی گذارند که زنان در دراز مدت به زندگی مستقلانه دست پیدا کنند. البته در صورتی که آنان نخواهد دوباره به فامیل های شان برگردند.

خدمات مورد نیاز ممکن است به دودسته تقسیم گردد: فراهم سازی مسئولیت عاجل جهت رهایی از خشونت های فامیلی و یا شوهر و ارایه راه حل های دراز مدت برای زنان و دختران که توانایی بازگشت به خانه های شان را ندارند، به شمول طرح پروگرام های لازم برای زنان و دخترانی که به جرم فرار از منزل و یا ارتکاب عمل زنا یک دوره حبس را سپری کرده اند. اداره میارزه بامواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد در سال 2011 پروژه ایجاد دو سرپناه برای خانم های را که پس از سپری نمودن مدت حبس شان از محبس رها گردیده بودند، تمویل نمود. این رویکرد جدید از خانه های امن با سایر خانه های امن تفاوت دارد. چون خانه های جدید ایجاد شده توسط سازمان ملل بر خود کفایی زنان تاکید داشته و به آنان اجازه می دهد که از این خانه ها به منظور دستیابی به فرصت های تحصیلی و کاریابی خارج شوند. وزارت امور زنان نیز صحبت از افتتاح تعداد هشت سرپناه بزرگ (50 نفری) در هر یک از هشت زون افغانستان دارد که در آن به زنان اجازه داده می شوند تا جهت دستیابی به فرصت کاری و تحصیلی از این خانه ها خارج شده و به ان بازگردند. ولی مصارف مالی این سرپناه ها تا هنوز توسط کدام کشوری تمویل نگردیده است.¹⁶⁰

از آنجاییکه نفس وجود شیلترها خود یک موضوع جنجال برانگیز بوده و از طرف دیگر روند عمومی تخصیص بودجه حکومت افغانستان خیلی قابل اطمینان نیست، به نظر می رسد که کمک های مالی کشور های تمویل کننده جهت تداوم فعالیت خانه های امن یک امر حتمی و لازمی می باشد. برای حصول اطمینان از ایجاد خانه های امن جدید و همچنین تداوم فعالیت خانه های امن موجود نیاز به تعهدات مالی دراز مدت کشور های تمویل کننده به شکل جدی وجود دارد.

خطرات پس از رهایی

زنان و دخترانی که با ما هنگام تهیه این گزارش مصاحبه کردند اظهار داشتند که اثرات شدید خشونت همانطوریکه در زندگی آنها قبل از اینکه توسط مقامات عدلی و قضایی دستگیر گردند وجود داشت، پس از رهایی از حبس بیشتر

¹⁵⁸ در عدم موجودیت خانه های امن در ولایات جنوبی، تعدادی زیادی از زنان که نیاز به خانه های امن دارند به کابل و یا ولایات شمالی که خانه های امن در آنجا وجود دارند فرار می کنند. اما این ساختار که زنان از جنوب جهت دسترسی به خانه های امن به شمال فرستاده شوند، خیلی موثر نبوده و گاهی زنان به دلیل فقدان خانه های امن در محل شان با عواقب مرگباری مواجه می شوند.

¹⁵⁹ UNIFEM, "Extracts from an Assessment of Shelter Homes in Afghanistan," *Afghanistan Ending Violence against Women Special Funds Unit*, June–December 2010.

¹⁶⁰ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با مژگان مصطفوی، معین مسلکی و پالیسی وزارت امور زنان، 4 دسامبر 2011.

وجود خواهد داشت. اکثر زنان و دخترانی که با ما مصاحبه کردند کسانی بودند که به اتهام ارتکاب جرم زنا و یا فرار از منزل به حبس محکوم گردیده بودند. در اغلب موارد آنان با خواسته های اعضای مرد فامیل و یا شوهران شان مخالفت کرده بودند، که این عمل آنان را در معرض تهدید به مرگ قرار داده بود. در افغانستان این نوع مخالفت ها ممکن است منجر به «قتل های ناموسی» گردد.

دست کم 22 تن از 58 زن و دختری که با ما مصاحبه کردند گفتند که آنان پس از رهایی از حبس با خطرات جدی مواجه خواهند شد. این خطرات شامل ضرب و شتم دائمی، خشونت های فامیلی، بی سرپناهی و یا قتل توسط شوهر و یا یکی از اعضای مرد خانواده می شود. تعدادی زیادی از زنان اظهار داشتند که از جانب اعضای فامیل شان که به ملاقات آنان به محبس آمده بودند، تهدیدات و اخطارهای خاصی را دریافت کرده اند. دوتن از زنان به دیده بان حقوق بشر گفت که به باور آنان اعضای مرد خانواده جهت قتل آنان رشوت داده و برای آنان غذاهای مسموم شده در محبس آورده بودند. ولی تایید این گفته ها تقریباً ناممکن است.

رابعه تی که 24 سال دارد، گفت، «من محبس را به صفت یک مکان امن انتخاب کردم.» نامبرده پس از فرار از دست برادرش که می خواست او را به دلیل صحبت کردن با یک مرد بیگانه به قتل برساند، به جرم فرار از منزل به هفت سال حبس محکوم گردیده است.

جوانه اس که 40 سال دارد، می گوید، «من از بودن در اینجا راضی هستم. در اینجا هیچ ترس و هراسی ندارم. چون می دانم که هیچ کسی در شب به اینجا آمده و مرا نمی کشد.» او بعد از آن که پدرشوهرش بر او تجاوز می کند و برادرش را می کشد، از خانه فرار می کند. اما دادگاه او را جرم فرار از منزل به سه سال حبس محکوم می کند.

خالده پی که 17 سال دارد، می گوید، «پدر و مادرم هر هفته به ملاقات من می آیند. در هر ملاقات به من می گویند که به زودی به کارمندان محبس رشوت داده و تو را از اینجا خارج می کنم. زمانیکه تو را خارج کردیم، تو را به قتل می رسانیم.» نامبرده به جرم فرار با پسری که او را دوست داشت و پدر و مادرش مانع ازدواج آنان گردیده بود، محکوم به حبس گردیده است.

وکلائی مدافع

تقریباً تمام زنان و دخترانی که با ما مصاحبه کردند گفتند که هنگام محاکمه آنان وکیل مدافع حضور داشته است.¹⁶¹ حضور وکیل مدافع تقریباً در تمام قضایای فوق الذکر نشان دهنده این است که دست کم در مناطق شهری افغانستان، پیشرفت های زیادی در جریان سالهای اخیر [در عرصه وکالت دفاع] رونما گردیده است. این امر نشان می دهد که تلاش های صورت گرفته در عرصه انکشاف دسترسی به مساعدت های حقوقی موثر بوده است.¹⁶²

¹⁶¹ یکی از زنان گفت که وی وکیل مدافع نداشته وزن دیگری اظهار داشت که او از داشتن مساعد حقوقی خود داری کرده است. چون باور نداشته است که مساعد حقوقی رایگان بتواند برای وی کاری انجام دهد. تمام 56 زن و دختر دیگری که با ما مصاحبه کردند، گفتند که وکیل مدافع داشته اند.

¹⁶² قانون اساسی افغانستان حق دسترسی به وکیل مدافع را به رسمیت شناخته و تصریح می کند، «هر شخص می تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند. دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می نماید.»

به هر حال، واقعیت تاسف برانگیز ضعف و پایین بودن کیفیت و موثریت وکالت دفاع می باشد. فیصدی زیادی از زنان و دختران که با ما مصاحبه کردند اظهار داشتند که وکلای مدافع شان را تنها یک و یا دو بار ملاقات نموده و بعضی ها حتی گفتند که وکیل مدافع شان در جلسه قضایی حاضر نشده بود. آنده از دوسیه های مربوط به «جرائم اخلاقی» که از جانب دیده بان حقوق بشر مورد بررسی قرار گرفت نشان داد که تعداد زیادی از دوسیه ها روی مسایل بی اهمیتی چون شیوه اجراءات قضایی تمرکز کرده بود و بر روی شواهد و داده های واقعی کمتر توجه کرده بود. در حالیکه اگر این مسایل به شکل درست حل می شد، احتمال جلوگیری از محکومیت وجود داشت. به طور عموم، وکلای مدافع نتوانسته اند که به شکل صادقانه و با علاقه مندی کامل مسایل مربوط به قانونی بودن «اعترافات» اخذ شده و یا رضایت و داوطلبی مفروض متهم در قضایای زنان را به چالش بکشند. وکلای مدافع همیشه در قسمت درخواست آزادی مشروط برای موکلین شان ناموفق بوده و به نظر نمی رسد که کدام تحقیقات لازم را جهت اثبات بی گناهی موکلین شان و یا تلاشی را جهت پیدا کردن شواهد مورد نیاز انجام داده باشند.

با در نظر داشت مشکلات موجود، به نظر میرسد که نظام مساعدت های حقوقی ای که در حال حاضر بکار گرفته می شود، ممکن است در آینده قابل تداوم نباشد. در حالیکه تعدادی از وکلای مدافع در چوکات وزارت عدلیه فعالیت می کنند، فیصدی بیشتر آنان توسط سازمان های غیر دولتی که از جانب تمویل کننده گان بین المللی حمایه می گردند، کمک دریافت می کنند. اتکاء بر کمک های مالی کوتاه مدت دونهای بین المللی بدین معنا است که مساعدت های حقوقی متذکره ممکن است در سال های آینده همزمان با کاهش تعهدات مالی جامعه بین المللی به افغانستان، متوقف گردند.

همکاری وزارت امور زنان

وزارت امور زنان نیز از طریق ریاست های ولایتی خویش، یک سلسله مساعدت های انفرادی را در اختیار زنان قرار می دهد. گزارش ها حاکی از آن است که در جریان چهار سال اخیر، این وزارت به تعداد 18,000 قضیه مربوط به زنان را که نیازمند کمک بودند را رسیدگی کرده است.¹⁶³ در جریان تهیه این گزارش دیده بان حقوق بشر گزارش های را از مسئولین خانه های امن و همچنین کارمندان ریاست های زنان دریافت کرد که کارمندان وزارت امور زنان در حالات اضطراری به زنان نیازمند اجازه داده اند که در دفاتر کاری آنان بخواهند و یا هم در صورت لزوم مدتی را در خانه های آنان سپری کنند. به نظر می رسد که موثریت و کارایی ریاست های امور زنان به طور قابل ملاحظه ای بر نوع شخصیت و میزان تعهد کارمندان محلی این ریاست ها بستگی داشته باشد. بعضی از کارمندان به نظر می رسد که کاملاً متعهد و موثر هستند.

مشکل مهم ترین است که اکثر زنان و دختران در افغانستان نسبت به همکاری های که ممکن است توسط وزارت امور زنان و ریاست های ولایتی آن فراهم گردد، اطلاع ندارند. مسلماً تعدادی زیادی از زنان و دخترانی که با ما مصاحبه کردند از وجود همچو خدمات و همکاری ها بی اطلاع بودند. اگر آنان از همچو خدمات آگاهی می داشتند شاید کارشان به محکمه و محبس نمی کشید.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز برنامه ای را برای کمک به زنان و دختران به شمول زنان و دختران آسیب دیده از خشونت های خانوادگی راه اندازی کرده است. این بخش که در تمام 14 ریاست کمیسیون حقوق بشر دارای کارمند می باشد، در جریان شش ماه اول سال 2011، تعداد 2,433 قضیه را ثبت نموده است که بیشتر از 90 فیصد

¹⁶³ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با مژگان مصطفوی، معین مسلکی و پالیسی وزارت امور زنان، 4 دسامبر 2011.

قضایای ثبت شده مربوط به خشونت های خانوادگی می باشد.¹⁶⁴ کمیسیون حقوق بشر در جریان کار بالای قضایای متذکره بر روند میانجیگری تاکید کرده و تلاش می کند که با اعضای فامیل زنان آسیب دیده در جهت حل مشکلات مانند ازدواج های اجباری و یا خشونت صحبت نماید. گرچند در قضایای «جدی» کمیسیون حقوق بشر زنان آسیب دیده را به خانه های امن معرفی می کند.¹⁶⁵

در عمل، فعالیت های کمیسیون مستقل حقوق بشر منجر به نتایج نامتجانسی گردیده است. بعضی از زنان و دختران که از کمیسیون مستقل حقوق بشر طلب کمک کرده بودند، از همکاری های این کمیسیون راضی بوده و اظهار امتنان می کردند. اما بعضی دیگر اظهار نا امیدی می کردند. طوریکه در قبل ذکر گردید، کمیسیون مستقل حقوق بشر مانند وزارت امور زنان و خانه های امن به طور قابل ملاحظه ای بر روند میانجیگری در قضایای زنان که از این کمیسیون تقاضای کمک می کنند، متوسل می شوند. این امر با در نظر داشت مشکلاتی که زنان برای ادامه زندگی شان بدون حمایت فامیل، ناکافی بودن خانه های امن و فقدان سایر انتخاب ها در جامعه افغانی با آن مواجه اند، قابل درک می باشد. اما در حقیقت همچو راه حل ها، یک راه حل واقعی نیست.

بعضی از زنان اظهار داشتند که کمیسیون مستقل حقوق بشر پس از آنکه اعضای خانواده شان متعهد شدند که با آنان رفتاری مناسب تری داشته باشند، آنان را به خانه های شان بازگردانند. در بعضی موارد میزان خشونت ها پس از بازگشت زنان به خانه های شان افزایش یافته بود. تعدادی از زنان و دخترانی که با دیده بان حقوق بشر مصاحبه کردند گفتند که آنان یک مرتبه در نتیجه میانجیگری کمیسیون حقوق بشر به خانه های شان بازگشته اند، اما پس از آنکه خشونت ها ادامه یافته است، از خانه فرار نموده و دیگر برای درخواست کمک به کمیسیون مراجعه نکرده اند. در چندین مورد، زنان و دختران مصاحبه شونده اظهار داشتند که کمیسیون با پولیس محل در تماس شده و در نتیجه زن و یا دختر فرارکننده دستگیر گردیده است. مسئولین کمیسیون حقوق بشر ضمن صحبت با دیده بان حقوق بشر تایید کردند که آنان در بعضی موارد که نیاز به دستگیری مرتکبین جرایم خشونت بوده و قرار گرفتاری آنان صادر شده باشد، با پولیس محل در تماس شده اند.¹⁶⁶ و تایید کردند که در بعضی موارد زنان قربانی خشونت به عوض مرتکبین جرایم خشونت دستگیر گردیده اند. مسئولین کمیسیون مستقل حقوق بشر معتقد اند که تحقق همچو نتایج معکوس مرسوم پرداخت رشوت توسط مردان و یا اعضای فامیل زنان آسیب دیده می باشد.¹⁶⁷

ازدواج، طلاق و حضانت اطفال

قوانین حاکم بر طلاق در افغانستان نسبت به زنان تبعیض آمیز می باشد. قانون مدنی افغانستان مصوب 1977 میلادی که منبع کلیدی حقوق فامیلی در افغانستان است، به مردان اجازه می دهد که زنان شان را به سهولت و بدون کدام مانع طلاق دهند.

ماده 139 قانون مدنی تصریح می کند:

1. زوج می تواند به صورت شفاهی و یا تحریری زوجه اش را طلاق نماید. هرگاه زوج فاقد این دو وسیله باشد، طلاق به اشارات معموله که صراحتاً معنی طلاق را افاده نماید، صورت گرفته می تواند.
2. طلاق با الفاظ صریحی که در عرف معنی طلاق را افاده کند، بدون نیت واقع می گردد.¹⁶⁸

¹⁶⁴ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با لطیفه سلطانی، مسئول پروگرام حقوق زن، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، کابل، 12 دسامبر 2011.

¹⁶⁵ همانجا.

¹⁶⁶ همانجا.

¹⁶⁷ همانجا.

¹⁶⁸ قانون مدنی جمهوری افغانستان، مجله رسمی شماره 353، مورخ 1355/10/15، ماده 139.

اما زنان در قسمت گرفتن طلاق با موانع خیلی زیاد مواجه هستند. در صورت عدم رضایت شوهر، زنان فقط از طریق محکمه و ارایه دلیل و علت بر اساس موارد زیر می توانند از حق طلاق استفاده نمایند: (1) عیب، مثلاً به خاطر مریضی؛ (2) ضرر؛ (3) عدم پرداخت نفقه؛ یا (4) غیابت.¹⁶⁹

اخذ طلاق «بر مبنای علت و دلیل» برای زنان در افغانستان هم از لحاظ حقوقی و هم از لحاظ عملی کار دشواری است.¹⁷⁰ اصطلاح «ضرر» نیز طوری تفسیر شده است که معنای رفتار غیر انسانی را افاده می کند که شامل خشونت فیزیکی می گردد، مشروط بر اینکه چنین خشونتی باید «بدون دلیل موجه» صورت گرفته باشد که این امر خود دست قاضی را در صدور حکم علیه زن ولو اینکه قربانی خشونت جدی هم شده باشد، باز می گذارد.¹⁷¹

اقامه دعوا برای طلاق، یافتن یک محکمه برای طرح دعوا در آن، یا حتی آگاهی از اینکه شخص چنین حقی را دارد برای بیشتر زنان و دختران افغان امری مشکل و حتی غیر قابل تصور است. طی نمودن این پروسه برای زنان و دخترانی که سواد خواندن و نوشتن را ندارند، و پول ندارند یا اینکه نمی توانند بدون اجازه خانه را ترک نمایند، کاری تقریباً ناممکن است.

علاوه بر مشکلات فوق الذکر، اکثر قضات حتی احکام قانون مدنی را تطبیق نمی کنند و در عوض به برداشت ها و تفاسیر خود از احکام شریعت اسلام استناد می کنند. برخی از قضات حتی زنان را مستحق اخذ طلاق نمی دانند و آن را قبول ندارند.¹⁷²

حضانة اطفال یکی دیگر از مسایل بسیار مهم حقوقی برای بیشتر زنان و دخترانی است که به خاطر تهیه این گزارش با آنها مصاحبه شده است. قانون افغانستان مقرر می دارد که در صورت جدایی بین والدین طفل، پسر تا سن 7 سالگی و دختر تا سن 9 سالگی همراه با مادر خود می تواند زندگی کند.¹⁷³ محکمه می تواند مدت مزبور را تا حد اکثر دو سال دیگر تمدید نماید.¹⁷⁴ بعد از اكمال سن مذکور، گرچه متن قانون بر رعایت منافع و مصالح اطفال تاکید نموده است، اما در عمل وضعیت این طور نیست و محاکم حضانة طفل را خود به خود به پدر طفل تفویض می کند.¹⁷⁵ زنان و دخترانی که با آنها مصاحبه صورت گرفته است، بدون استثناء به این باور بودند که اگر آنها طلاق بگیرند، شوهران شان اطفال را نزد خود نگه می دارند مگر اینکه بنابر دلایلی از نگهداری اطفال صرف نظر کنند. ترس و خوف ناشی از از دست دادن اطفال باعث شده که اکثر زنان و دخترانی که برای این گزارش با آنها مصاحبه صورت گرفته است، تصمیم بگیرند که به خانه شوهران خشن خویش برگردند.

¹⁶⁹ قانون مدنی، مواد 176 الی 187.

¹⁷⁰ Landinfo, Report—Afghanistan: Marriage, May 19, 2011, http://www.landinfo.no/asset/1852/1/1852_1.pdf (accessed March 10, 2012), p. 20-23.

¹⁷¹ Suhaila Muhseni, "Divorce—Afghan Style: Although the numbers are still small, women are increasingly turning to the courts to end their marriages," ARR Issue 131, May 5, 2005, <http://iwpr.net/report-news/divorce-%E2%80%93-afghan-style> (accessed February 22, 2012).

¹⁷² "Report on Family Structures and Family Law in Afghanistan, Max Planck Institute for Foreign Private Law and Private International Law: A Report of the Fact-Finding Mission to Afghanistan, 2005," p. 8, http://www.mpipriv.de/shared/data/pdf/mpireport_on_family_structures_and_family_law_in_afghanistan.pdf (accessed February 28, 2012); Abdulwahed Zia Moballeghe (Senior Family Law Officer, Rights & Democracy), "Family law in Afghanistan: past experiences and future landscape," 2008, <http://www.musawah.org/docs/research/country-reports/Afghanistan-report.pdf> (accessed February 28, 2012).

¹⁷³ قانون مدنی افغانستان، ماده 249؛ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با عبدالواحد ضیاء مبلغ، مشاور حقوق فامیل، رایتس ودموکراسی، کابل، 31 جنوری 2012.

¹⁷⁴ قانون مدنی، ماده 250.

¹⁷⁵ قانون مدنی افغانستان، ماده 151؛ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با عبدالواحد ضیاء مبلغ، مشاور حقوق فامیل، رایتس ودموکراسی، کابل، 31 جنوری 2012.

شماری از سازمان های غیر دولتی افغانی یا بین المللی برای زنان خدمات حقوقی ارائه می کنند که این خدمات اکثرا شامل کمک در مسایل مربوط به حقوق خانواده و طلاق می باشد. این سازمان ها که یک تعداد آنها همان سازمان هایی اند که خانه های امن را تمویل می نمایند، می توانند برخی از زنان و دختران را کمک کند تا موقفانه خواهان یک طلاق مصئون گردند. اما این سازمان ها عموما خدمات خویش را از طریق دفاترخود واقع در شهرهای بزرگ افغانستان ارائه می نمایند. دسترسی به همچو خدمات برای زنان و دخترانی که در شهرهای کوچک یا در ساحات روستایی زندگی می کنند، محدود بوده و یا اصلا وجود ندارد. بالعموم، کمک های مالی و مساعدت های بین المللی برای اصلاح سیستم عدلی و قضایی افغانستان بیشتر روی مسایل مربوط به عدالت جزایی متمرکز است نه روی مسایل مربوط به حقوق مدنی به شمول حقوق فامیل، و این امر منجر به محدود شدن مساعدت های حقوقی و اصلاحات سیستماتیک در عرصه حقوق فامیل شده است.

V. قوانین مرتبط در نظام حقوقی افغانستان و حقوق بین الملل

قانون اساسی افغانستان

قانون اساسی افغانستان که در سال 2004 میلادی تصویب گردید، یک تحول و پیشرفت بسیار مهم و چشمگیر در دوره پس از سقوط رژیم طالبان به شمار می رود. این قانون اساسی که بیانگر سازش و مصالحه بین گروه های ذینفع مخالف افغان در رابطه با مسایل مورد اختلاف که بهترین نمونه آن حقوق زنان می باشد از طریق یک فرایند مشورتی که از جانب کنفرانس بن در سال 2001 موظف گردیده بود به تصویب رسید. نسخه نهایی قانون اساسی که برخی از احکام آن از حقوق بشر و حقوق زنان به شکل قوی حمایت می کند، به گونه ای نگارش یافته است که می تواند زمینه سوء استفاده و لطمه زدن به حمایت از حقوق را فراهم کند.

در مقدمه قانون اساسی بر تعهد دولت به رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر و «ایجاد یک جامعه مدنی عاری از ظلم، استبداد، تبعیض و خشونت و مبتنی بر قانونمندی، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسانی و تامین آزادی ها و حقوق اساسی مردم» تاکید شده است.

قانون اساسی همچنین از رعایت معاهدات بین المللی حقوق بشر که افغانستان به آنها پیوسته است، یاد آوری می کند و حق برخورداری از حقوق مساوی را برای همه به رسمیت می شناسد. ماده 7 قانون اساسی تصریح می کند که افغانستان «...میثاق های بین المللی ای را که عضویت آنها را دارد و همچنین اعلامیه جهانی حقوق بشر» را رعایت می کند، و خود را متعهد به تامین حقوق برابر زن و مرد که در اسناد و معاهدات فوق ذکر شده است می داند. ماده 22 قانون اساسی تصریح می کند، «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و واجبات مساوی می باشند.»

قانون اساسی حقوق اطفال را نیز به رسمیت می شناسد و بیان می دارد، «خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می دهد و مورد حمایت دولت قرار دارد. دولت به منظور تامین سلامت جسمی و روحی خانواده، بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام تدابیر لازم اتخاذ می کند.»¹⁷⁶

در عین حال، برخی دیگر از احکام قانون اساسی را می توان طوری تفسیر کرد که در تناقض با حقوق مورد حمایت در مواد 7 و 22 قرار می گیرد. مواد مذکور عبارت اند از ماده 3 که صراحت دارد، «در افغانستان هیچ قانونی نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد»؛ و ماده 130 که اشعار می دارد «محاکم در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می کنند. هرگاه برای قضیه ای از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، قضیه را به نحوی حل و فصل می نمایند که عدالت را به بهترین وجه تامین نماید.»

طوری که در بالا هم گفته شد، قضات و خائوالان در افغانستان مواد 3 و 130 قانون اساسی را جهت اخذ تصمیم نه بر اساس قوانین مدنی و جزایی بلکه بر اساس تفاسیر متفاوت از معتقدات و احکام شریعت اسلام، تطبیق می نمایند. از آنجائیکه در افغانستان یک مرجع واحد برای تطبیق احکام خاص شریعت اسلام وجود ندارد، تفاسیر به نحو چشمگیری متفاوت اند و می توانند با مواد 7 و 22 تناقض داشته باشند.

¹⁷⁶ قانون اساسی، ماده 54.

جرایم زنا و «فرار از منزل»

چنانچه قبلاً تذکر رفت، اکثر زنانی که جهت تهیه این گزارش با آنها مصاحبه شده است، متهم به ارتکاب جرم زنا و «فرار از منزل» بوده اند. مطابق قانون جزای افغانستان، ارتکاب زنا جرم محسوب می گردد اما «فرار از منزل» جرم پنداشته نمی شود.¹⁷⁷ جرم زنا عبارت است از مقاربت جنسی توسط دو فردی که با هم ازدواج نکرده باشند. بر اساس قانون جزای افغانستان «حبس طویل» برای جرم زنا مدنظر گرفته شده است که بین 5 – 15 سال حبس می باشد.¹⁷⁸ مطابق قانون رسیدگی به تخلفات اطفال مصوب 2005، اطفال 18 ساله و پایین تر از آن مستحق محکومیت به حبس های خیلی کوتاه تر می باشند.¹⁷⁹

در سال 2010، ستره محکمه در پاسخ به درخواست یکی از موسسات بین المللی مبنی بر ارائه توضیحات راجع به جرم یا عدم جرم بودن «فرار از منزل» یک مصوبه مختصر را صادر کرد و دیدگاه خویش را در این مورد ابراز نمود.¹⁸⁰ مصوبه مذکور که از طرف دارالانشای ریاست شورای عالی ستره محکمه صادر گردید، سه عامل را برشمرده است که باید در رسیدگی به همچو قضایا مد نظر قرار گیرد. سه عامل مذکور عبارت بودند از: (1) سن و حالت مدنی دختر یا زن درگیر قضیه؛ (2) علت فرار از منزل؛ و (3) جایی که زن یا دختر به آنجا فرار نموده است (آیا به خانه یکی از اقارب فرار نموده است یا به خانه یک فرد بیگانه). متن مصوبه مذکور قرار ذیل است:

عمل فرار از منزل به خانه یکی از اقارب یا محارم شرعی به دلیل خشونت توسط یکی از اعضای خانواده، از نظر شرع جرم محسوب نمی گردد، زیرا این حق هر انسان است که فارغ از هر نوع ظلم و شکنجه زندگی نماید. ولی اگر شخص به دلیل مورد خشونت قرار گرفتن از خانه خود فرار نماید و به عوض رفتن به خانه یکی از اقارب یا محارم شرعی، یا نهاد های امنیتی و عدلی، به خانه یک شخص بیگانه فرار نماید... از آنجاییکه چنین عملی می تواند زمینه را برای ارتکاب جرایمی چون زنا و فحشاء مساعد سازد و مخالف اصول شریعت اسلام می باشد، لذا عمل وی ممنوع بوده و به خاطر مجازات تعزیری قابل تعقیب است.

در سپتامبر 2011، در پاسخ به بحثی درباره جرم انگاری «فرار از منزل» در گزارشی از سازمان ملل متحد پیرامون رسوم و عنعنات مضر، ستره محکمه این موضوع را مجدداً تحت غور و بررسی قرار داده و با ارائه توضیحات بیشتر، سندی را تحت عنوان «نظر تحقیقی ریاست تدقیق و مطالعات ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان در باره موضوع فرار از منزل» به سازمان ملل متحد ارسال نمود. در این سند، بر نظریات ستره محکمه که در مصوبه صادره 2010 ذکر گردیده بود، تاکید مجدد صورت گرفت و توضیحات و تفصیلات بیشتر نیز ارائه گردید. در سند مزبور چنین آمده است که «تمامی افراد اعم از زنان و مردان در صورتیکه تحت شکنجه یا خشونت قرار گیرند، باید قضایای شان را به نهاد های عدلی و قضایی و دولت ارجاع نمایند و به جای توسل به

¹⁷⁷ گر چه جرم انگاری زنا ریشه در قانون و شریعت اسلام دارد، اما قانون جزای افغانستان در مورد هر شخص در افغانستان، قطع نظر از دین و مذهب وی، قابل تطبیق است. هر چند دیده بان حقوق بشر تا هنوز با کدام موردی که زنان یا دختران غیر مسلمان در محابس یا مراکز اصلاح و تربیت اطفال محبوس یا نگهداری شده باشند، مواجه نشده است، اما این امکان وجود دارد که به موجب قانون جزا خارجی ها یا افغان های غیر مسلمان به اتهام ارتکاب عمل زنا قابل تعقیب باشند. در افغانستان یک اجتماع کوچک از اقلیت های مذهبی غیر مسلمان وجود دارد.

¹⁷⁸ قانون جزاء، ماده 100(1).

¹⁷⁹ رسیدگی به تخلفات اطفال، ماده 39 که مقرر می دارد با در نظر داشت سن طفل، میزان مجازات اطفال باید حد اکثر برابر با یک سوم یا نصف مجازات افراد بزرگسال باشد. همچنین قانون رسیدگی به تخلفات اطفال طرز العمل های خاص را برای رسیدگی به اتهامات وارده علیه اطفال پیش بینی نموده است.

¹⁸⁰ تا قبل از صدور این مصوبه، قضات با عمل «فرار از منزل» به عنوان یک جرم برخورد می نمودند که ارایه توضیحات از جانب ستره محکمه را اجاب می نمود. مطابق قانون اساسی، ستره محکمه می تواند طرح قوانین و مقررات مربوط به تنظیم امور قضایی را پیشنهاد نماید (ماده 95) و «بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم را مطابق به احکام قانون به عهده دارد» (ماده 121). ستره محکمه صلاحیت وضع قوانین را ندارد؛ «تصویب، تعدیل یا لغو قوانین» از مسئولیت های شورای ملی می باشد (ماده 90).

اقدامات شخصی، باید مشکلات شان را از طریق مجاری دولتی حل نمایند. زیرا توسل به اقدامات شخصی می تواند به جای محو خشونت زمینه ساز ارتکاب جرایم و خشونت های گوناگون گردد.»

هدایت ستره محکمه مبنی بر اینکه همه مشکلات باید از طریق نهاد های عدلی و قضایی حل و فصل گردد، محل ایراد است زیرا این واقعیت را نادیده می گیرد که برای بیشتر زنان و دختران مراجعه به نهاد های عدلی و قضایی یک گزینه کاملاً مصئون نیست. تحقیق انجام شده برای این گزارش نشان می دهد که زنان و دخترانی که قربانی سوء رفتارها مثل ازدواج های اجباری یا زود هنگام، خشونت فیزیکی یا فحشای اجباری می گردند، نمی توانند کاملاً مطمئن باشند که پولیس، نهاد های عدلی و قضایی و دولت در صورت تقاضای کمک از آنها حمایت خواهند کرد. حتی بدتر اینکه، اکثر زنان و دخترانی که سازمان دیده بان حقوق بشر با آنها مصاحبه نموده است، بعد از کمک خواستن از نهاد های مذکور وضعیت شان بدتر شده است و قربانی آسیب های بیشتر شده اند.

قضات یا خانونال ها در اکثر موارد دستگیری زنان یا دختران به خاطر فرار از منزل را این طور توجیه می کنند که یک دختر فقط به دلیل قرار گرفتن در خارج از حیطه نظارت خانواده اش، خود را در معرض ارتکاب زنا قرار می دهد و مستحق مجازات حبس می گردد. ستره محکمه نیز در مکتوب ارسالی خود به ملل متحد این دیدگاه را تایید نمود و بر خلاف دیدگاه ملل متحد که یک زن نباید فقط به خاطر یک وی خود را در معرض احتمال ارتکاب زنا قرار داده است لذا باید دستگیر شود، استدلال نمود.¹⁸¹ ستره محکمه به سازمان ملل متحد گفت، «مجازات به منظور جلوگیری از احتمال وقوع زیان و ضرر مبنای شرعی و قانونی دارد. بر اساس این قاعده، اعمال مجازات باید وجود دارند که جرم پنداشته می شوند و برای آنها مجازات مقرر شده است. به عنوان مثال، در تخلفات ترافیکی «رانندگی با سرعت زیاد و رانندگی بدون داشتن لایسنس» ممنوع است.»

هدایات ستره محکمه مسایلی خیلی مهم و نگران کننده ای را در مورد قانون اساسی افغانستان و بالاخص در رابطه با حمایت از حقوق اساسی و تنفیذ قانون جزاء، مطرح می سازد. توجه و تمرکز جرم «فرار از منزل» بر اعمال زنان و دختران با اصل برابری بین مردان و زنان به موجب ماده 22 قانون اساسی متناقض به نظر میرسد (مطابق قانون مردان اغلباً به خاطر کمک به زنان در فرار از منزل مورد تعقیب عدلی قرار می گیرند). به نظر می رسد که هدایات ستره محکمه زمینه را برای استفاده از ماده 130 که محاکم آن را مبنای این جرم می پندارند، طوری فراهم می سازد که در جهت تفسیر قوانین موضوعه به نحو منطبق با عدالت کمک نمی کند و برعکس امکان تفسیر ماده مذکور را در جهت نقض و لطمه زدن به حقوق اساسی افراد فراهم می کند.

همچنین در رابطه با انتشار قانون جزا در افغانستان نیز مسایلی مطرح می گردد. ماده 27 صراحت دارد، «هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن جرم نافذ گردیده باشد.» و «هیچ شخص را نمی توان مجازات نمود مگر... و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد» ماده 94 اشعار می دارد که «قانون عبارت است از مصوبه هردومجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد، مگر اینکه در این قانون اساسی طور دیگری تصریح گردیده باشد.» فصل هفتم قانون اساسی به نقش قوه قضائیه می پردازد و ماده 121 به ستره محکمه صلاحیت بررسی قوانین را «با درخواست دولت یا محاکم» می دهد اما صلاحیت تسوید یا تصویب قوانین به محاکم اعطاء نشده است.

طوریکه بعداً هم بحث خواهد شد، هدایات ستره محکمه راجع به «فرار از منزل» و قانون مربوط به جرم زنا با معاهدات بین المللی حقوق بشر که افغانستان آنها را تصویب نموده است، در تعارض قرار دارد. معاهدات بین

¹⁸¹ یوناما، «رسوم و عنعنات مضر و تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان در افغانستان» 9 دسامبر 2010، ص 39.

المللی حقوق بشر شامل موارد زیر است: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق اطفال.

قانون منع خشونت علیه زنان (EVAW – Law on the Elimination of Violence against Women)

در ماه آگست 2009، رئیس جمهور حامد کرزی قانون منع خشونت علیه زنان را به شکل یک فرمان تقنینی¹⁸² تصویب و توشیح نمود. قانون منع خشونت علیه زنان 23 عمل را نسبت به زنان جرم محسوب می کند، از جمله تجاوز به عنف، فحشاء اجباری، ضرب و جرح، بد دادن، ازدواج اجباری، ازدواج زود هنگام، فحش و دشنام/تحقیر و توهین/تخویف و تهدید، آزار/اذیت، ممانعت از کسب مالکیت، و منع نمودن زن یا دختر از دسترسی به تعلیم و تربیه یا کار.¹⁸³

قسمیکه در فوق ذکر گردید، اکثریت زنان و دخترانی که سازمان دیده بان حقوق بشر برای تهیه این گزارش با آنها مصاحبه نموده است، قربانی اعمال و رفتار هایی بوده اند که به موجب قانون منع خشونت علیه زنان جرم محسوب می شود، با آنکه مرتکبین این گونه جرایم به ندرت دستگیر، تعقیب و یا محکوم به مجازات شده اند.

علاوه بر یافتن مشکلات جدی در رابطه با عدم تنفیذ قانون منع خشونت علیه زنان، در گزارشی که در ماه نوامبر 2011 توسط یوناما منتشر گردید نیز به مواردی اشاره شده است که باید قانون منع خشونت علیه زنان در آن ساحات از قوت بیشتری جهت حراست از حقوق زنان برخوردار باشد. برخی از موارد مذکور که با یافته های تحقیق دیده بان حقوق بشر نیز مطابقت دارد، در زیر ارائه می گردد:

در قانون به نحوه برخورد مقامات و مراجع ذیربط با زنانی که به خاطر رهایی از چنگ جرایم مندرج این قانون فرار می کنند، پرداخته نشده است. دفتر یوناما (UNAMA/OHCHR) در جریان نظارت بر قضایای افراد، به موارد متعددی برخورد کرده است که دختران یا زنان به خاطر نجات از خطر ازدواج اجباری یا خشونت خانوادگی از خانه فرار نموده اند و بعد از دستگیری توسط محاکم مختلف از جمله ستره محکمه به «قصد ارتکاب زنا» متهم و محکوم شده اند. قانون منع خشونت علیه زنان در حالیکه مرتکبین این گونه جرایم را قابل مجازات می داند، اما برای زنان و دخترانی که از چنگ همچو جرایم فرار می کنند، هیچ نوع تدابیر حمایتی را دستور نمی دهد. وجود شمار زیادی از زنان که به اتهام «جرایم به اصطلاح اخلاقی» در محابس افغانستان تحت بازداشت بسر می برند، خود بیانگر این واقعیت است.¹⁸⁴

¹⁸² ماده 79 قانون اساسی به رئیس جمهور اجازه می دهد تا فرامین تقنینی را که حکم قانون را دارد، وضع نماید، «حکومت می تواند در حالت تعطیل ولسی جرگه در صورت ضرورت عاجل، به استثنای امور مربوط به بودجه و امور مالی، فرامین تقنینی را ترتیب کند. فرامین تقنینی بعد از توشیح رئیس جمهور حکم قانون را حایز می شود.»

¹⁸³ فهرست کامل اعمال و افعالی که به موجب قانون منع خشونت علیه زنان جرم محسوب می شوند، عبارت اند از: تجاوز جنسی؛ مجبور نمودن به فحشاء؛ ضبط و ثبت هویت مجنی علیها و نشر آن؛ آتش زدن یا استعمال مواد کیمیایی؛ خود سوزی و خودکشی؛ ایراد جراحت و معلولیت؛ ضرب و جرح؛ خرید و فروش زن به منظور یا بهانه ازدواج؛ بد دادن؛ نکاح یا ازدواج اجباری؛ ممانعت از حق ازدواج؛ نکاح قبل از اكمال سن قانونی؛ دشنام، تحقیر، تخویف؛ آزار/اذیت؛ انزوای اجباری؛ خودداری از پرداخت نفقه؛ منع تصرف در ارث؛ خود داری از پرداخت مهریه؛ منع تصرف در اموال (به شمول گرفتن مال زن بدون رضایت وی)؛ ممانعت از حق تعلیم و کار؛ کار اجباری؛ ازدواج با بیش از یک زن (در صورت عدم مطابقت با احکام قانون مدنی که ایجاب می نماید شوهر باید از نظر مالی توانایی تامین نفقه برای بیش از یک زن را داشته باشد و اینکه زن اولی باید بی اولاد باشد یا مرض صعب العلاج داشته باشد)؛ نفی قرابت. مجازات این جرایم از یک ماه حبس (برای غذا ندادن، منع تصرف در ارث، و خود داری از پرداخت مهریه) شروع می شود و تا حد اعدام (برای تجاوز جنسی که منجر به مرگ مجنی علیها گردد) می رسد.

¹⁸⁴ یوناما، «راه طولانی ای که باید پیمود: تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان»، نوامبر 2011، صفحات 7-8.

تعهدات افغانستان بر اساس قوانین و معاهدات بین المللی

افغانستان مهمترین معاهدات بین المللی حقوق بشر به شمول میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی¹⁸⁵ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی¹⁸⁶ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان¹⁸⁷ و کنوانسیون حقوق اطفال¹⁸⁸ را تصویب نموده است. متأسفانه افغانستان تا هنوز نتوانسته است به بیشتر تعهدات خود در چارچوب این کنوانسیون ها به گونه موثر عمل نماید. خشونت ها و بدرفتاری هایی که در این گزارش انعکاس یافته اند، به انحای مختلف بیانگر این واقعیت است که دولت افغانستان در انجام تعهدات بین المللی خویش موفق نبوده است.

جرم زنا به دلیل جرم انگاشتن روابط جنسی بین دو شخص بالغ که مبتنی بر رضایت طرفین می باشد، حقوق بین الملل را نقض می کند. قانون بین المللی حقوق بشر ایجاب می کند که روابط جنسی بین افراد بزرگسال که ناشی از رضایت طرفین باشد، باید به خاطر حمایت از انواع حقوق بشر، به شمول حق برخورداری از عدم تبعیض، استقلال فیزیکی، صحت، حریم خصوصی و آزادی، جرم تلقی نگردد.¹⁸⁹ به همین دلیل، نهاد های تخصصی و گزارشگران ویژه ملل متحد خواستار لغو قانون مربوط به زنا در افغانستان شده اند. به عنوان مثال، گزارشگر ویژه ملل متحد برای منع خشونت علیه زنان از دولت افغانستان خواسته است، «آن دسته از قوانینی که علیه زنان و دختران تبعیض قایل شده و یا منجر به حبس و مجازات ظالمانه، غیر انسانی و اهانت آمیز علیه آنها می گردند، منجمله قوانین مربوط به زنا را لغو کند.»¹⁹⁰ کمیته حقوق اطفال ملل متحد نیز افغانستان را تشویق نموده است که «وصف جرمی را از اعمال به اصطلاح جرایم اخلاقی بردارد و اطفالی را که بر همین اساس در بازداشت به سر می برند، از مراکز سلب آزادی آزاد کند.»¹⁹¹

رویه قضایی معمول در قضایای مربوط به «جرایم اخلاقی» حقوق متهم را از لحاظ عدم تبعیض و برخورداری از حمایت مساویانه قانون، نقض می نماید. تحمل ازدواج های اجباری و ازدواج های زود هنگام در حد بسیار وسیع سبب شده است که عملکرد افغانستان در مغایرت با تعهدات حقوقی بین المللی این کشور قرار گیرد. همچنین، وجود سیستم های موازی و نابرابر طلاق و حضانت طفل برای مردان و زنان که شدیداً مانع از حق استفاده از طلاق برای زنان در مقایسه با مردان می گردد، موجب نقض حقوق بین الملل توسط افغانستان می گردد. علاوه بر قوانین تبعیض آمیز، تحمل رسوم و عنعنات توسط دولت تبعیض صریح علیه زنان در حین ازدواج و در هنگام طلاق به شمار می رود که در نتیجه جایگاه پایین آنها را در سطح خانواده و جامعه قانونی می سازد، و خشونت

¹⁸⁵ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، 999 U.N.T.S 171, entered into force Mar 23, 1966, U.N. Doc. A/6316 (1966), at 52, G.A. res. 2200A (XXI), 21 U.N. GAOR Supp. (No. 16) 1976, entered into force Jan. 3, 1976, U.N. Doc. A/6316 (1966), 993, U.N.T.S 3, entered into force Jan. 3, 1976.

¹⁸⁶ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR)، 49, G.A. res. 2200A (XXI), 21 U.N. GAOR Supp. (No. 16) at 49, entered into force Jan. 3, 1976, U.N. Doc. A/6316 (1966), 993, U.N.T.S 3, entered into force Jan. 3, 1976.

¹⁸⁷ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW)، 46, G.A. res. 34/180, 34 U.N. GAOR Supp. (No. 46) at 193, U.N. Doc. A/34/46, entered into force Sept. 3, 1981. Afghanistan ratified CEDAW in 2003.

¹⁸⁸ کنوانسیون حقوق طفل (CRC)، 49, G.A. res. 44/25, annex, 44 U.N. GAOR Supp. (No. 49) at 167, U.N. Doc. A/44/49 (1989), entered into force Sept. 2, 1990. Afghanistan ratified the CRC in 1994.

¹⁸⁹ به پاورقی 47 در بالا مراجعه فرمایید.

¹⁹⁰ گزارش گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر در مورد خشونت علیه زنان، علل و پیامد های آن، راجع به وضعیت زنان و دختران در افغانستان، UN Doc. A/58/421, October 6, 2003.

para. 31. [http://www.unhcr.ch/huridocda/huridoca.nsf/0/4d099bc67f0526edc1256dd700503b65/\\$FILE/N0355646.pdf](http://www.unhcr.ch/huridocda/huridoca.nsf/0/4d099bc67f0526edc1256dd700503b65/$FILE/N0355646.pdf)

¹⁹¹ گزارش گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر در مورد خشونت علیه زنان، علل و پیامد های آن، راجع به وضعیت زنان و دختران در افغانستان، UN Doc. A/58/421, October 6, 2003.

para. 31. [http://www.unhcr.ch/huridocda/huridoca.nsf/0/4d099bc67f0526edc1256dd700503b65/\\$FILE/N0355646.pdf](http://www.unhcr.ch/huridocda/huridoca.nsf/0/4d099bc67f0526edc1256dd700503b65/$FILE/N0355646.pdf)

ملاحظات پایانی کنوانسیون حقوق طفل در مورد افغانستان، CRC/C/AFG/CO/1, 4 February 2011, para. 75(c).

علیه زنان را تشویق می نماید و در اکثر موارد طوریکه در این گزارش نیز به آن اشاره شد، منجر به دستگیری و تعقیب عدلی زنان می گردد.

دولت افغانستان اقدامات لازم را در راستای انطباق قوانین و رویه های قضایی با تعهدات بین المللی خویش انجام نداده است. مسئولین دولت نسبت به قوانین و رویه هایی که علیه زنان تبعیض قایل می شوند، اغماض می کنند. موافقت ضمنی دولت با الگوهای رفتاری اجتماعی و فرهنگی که به حق زنان مبنی بر مساوات لطمه می زند، نقض کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان محسوب می گردد.

قانون بین المللی حقوق بشر دولت ها را در قبال سوء رفتارهای منتسب به افراد و اشخاص خصوصی نیز پاسخگو می داند و از دولت ها می خواهد که در راستای جلوگیری از نقض حقوق بشر و رسیدگی به همچو موارد، تلاش های لازم را انجام دهند. کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در توصیه نامه عمومی شماره 19 خویش چنین بیان می دارد، «دولت ها در قبال اعمال و رفتارهای خصوصی نیز اگر اقدامات لازم را برای جلوگیری از نقض حقوق بشر انجام ندهند و یا تحقیقات لازم را نداده و مسببین اعمال خشونت آمیز را مجازات نکنند، مسئول می باشند.»¹⁹² کوتاهی دوا مدار دولت در این زمینه به خصوص زمانی که این اعمال از میان زنان به طور نامتناسب قربانی بگیرد، به منزله برخورد نابرابرانه و تبعیض آمیز علیه زنان تلقی می گردد و نقض تعهد دولت در جهت تضمین حمایت مساویانه قانون از زنان، محسوب می شود.¹⁹³

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

(ICCPR - International Covenant on Civil and Political Rights)

به موجب میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت افغانستان مکلف است که حقوق اساسی افراد را مبنی بر دسترسی به محاکمات عادلانه و جلوگیری از بازداشت های غیر قانونی تضمین کند.¹⁹⁴ همانطور که در جای دیگر این گزارش با تفصیل بیان شد، حقوق مذکور مشتمل است بر حق دسترسی به مشورت حقوقی¹⁹⁵ و حق امتناع از وارد آوردن اتهام علیه خود¹⁹⁶ که هر دو در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تاکید قرار گرفته اند. اما در قضایای مربوط به «جرایم اخلاقی» این حقوق در اکثر موارد نقض می گردند. عملی که به نام جرم «فرار از منزل» بر سر زبان ها افتاده است، در حقیقت مقررات میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را در رابطه با محروم کردن اشخاص از آزادی شان «مگر بر اساس دلایل قانونی و در مطابقت با طرز العمل مقرر شده در قانون»¹⁹⁷ و تعقیب نمودن آنها به خاطر جرمی که «در حین ارتکاب به موجب قوانین ملی و بین المللی جرم انگاری نشده است»¹⁹⁸ نقض می کند.

¹⁹² کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW Committee)، توصیه نامه عمومی شماره 19، خشونت علیه زنان، ملل متحد. سند (1992) A/47/38، فقره 9.

¹⁹³ به ماده 15 کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و ماده 26 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مراجعه فرمایید. برای مطالعه بحث های بیشتر راجع به تعهدات بین المللی در پیوند با خشونت علیه زنان توسط افراد و اشخاص خصوصی به اسناد آتی مراجعه نمایید: دوروتی کیو. توماس و میشل بیسلی، «خشونت خانوادگی به عنوان یک مساله حقوق بشری»، «مجله حقوق بشر»، جلد 15، شماره 1 (فبروری 1993)؛ سازمان دیده بان حقوق بشر، گزارش جهانی در مورد حقوق انسانی زنان، (نیویارک: دیده بان حقوق بشر، 1995)، صفحات 39-44، و کین روت، «خشونت خانوادگی به عنوان یک مساله حقوق بشری در سطح بین المللی»، در ریپیکا جی. کوک، ای. دی، حقوق بشری زنان: بیگاه های ملی و بین المللی، (فلادلفیا، مطبوعه دانشگاه پنسلوانیا، 1994)، ص. 326.

¹⁹⁴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، فصل های 9-10، 14-15.

¹⁹⁵ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، 14(3)(d).

¹⁹⁶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، 14(3)(g).

¹⁹⁷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی 9(1).

¹⁹⁸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی 15(1).

کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

(CEDAW - Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women)

ممنوعیت تبعیض و حق تساوی زنان و مردان در معاهدات گوناگون حقوق بشری تضمین شده است. کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان تبعیض را در تمامی عرصه ها ممنوع کرده است. ماده 1 کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان اصطلاح «تبعیض علیه زنان» را چنین تعریف می نماید، «قابل شدن هرگونه تفکیک، استثناء و یا محدودیت بر اساس جنسیت که تأثیر و یا هدف آن تخریب و یا تضعیف آزادیهای اساسی، استفاده و اعمال حقوق بشر زنان صرف نظر از وضعیت تاهل آنها، براساس برابری حقوق زن و مرد باشد».¹⁹⁹

قوانین و رویه قضایی افغانستان در ساحات مختلف علیه زنان تبعیض آمیز هستند، از جمله در زمینه پیگرد «جرائم اخلاقی»، ازدواج، طلاق و حضانت اطفال و نیز کوتاهی در تعقیب جرایم خشونت علیه زنان. این امر حقوق زنان را در قسمت برابری در مقابل قانون، برخورداری از عدم تبعیض²⁰⁰ و برابری در ازدواج و طلاق نقض می کند و حقوق مزبور در شماری از معاهدات بین المللی که افغانستان آنها را تصویب نموده است، گنجانیده شده است. در این زمینه، دولت افغانستان تعهد مثبت سپرده است تا سوء رفتارهای ناشی از رسوم و سنن فرهنگی و اجتماعی را جبران و اصلاح نماید. کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان از دولت ها می خواهد تا «کلیه اقدامات مناسب به شمول قانونگذاری را جهت تعدیل یا لغو قوانین، مقررات، عادات (عرف) و عملکردهای موجود که منجر به تبعیض علیه زنان می گردند انجام دهند».²⁰¹ کنوانسیون مزبور دولت ها را مکلف می سازد تا «از انجام هرگونه اقدام و عمل تبعیض آمیز علیه زنان اجتناب ورزند و تضمین کنند که مقامات و موسسات عمومی براساس این تعهدات عمل کنند»، و اینکه «هرگونه اقدام مناسب را در جهت رفع تبعیض علیه زنان که به وسیله یک شخص، سازمان یا موسسه اعمال گردد، رویدست گیرد».

کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان از دولت ها می خواهد که اقدامات زیر را انجام دهند:

اصلاح الگوهای رفتاری اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان به منظور دستیابی به حذف تعصبات، عادات و دیگر عملکردها که بر مبنای اعتقاد به فروتری یا برتری یک جنس نسبت به جنس دیگر یا نقش های کلیشه ای برای مردان و زنان قرار دارد.²⁰²

قوانین حقوق بشر از دولت ها می خواهد که به مادونی حقوقی و اجتماعی زنان در خانواده ها و ازدواج ها رسیدگی نمایند، احکامی که افغانستان آنان را در نتیجه تحمل میزان گسترده ازدواج های اجباری و زود هنگام و نیز تبعیض حقوقی رسمی علیه زنان در رابطه با حق طلاق و حضانت اطفال، نقض نموده است. اکثر زنان و دخترانی که برای تهیه این گزارش با آنها مصاحبه صورت گرفت، به خاطر وقایع ناشی از قوانین و رویه های قضایی تبعیض آمیز نسبت به زنان در زمینه ازدواج و طلاق دستگیر شده بودند. به موجب ماده 16 کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، دول عضو مکلف اند که:

¹⁹⁹ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، ماده 1.

²⁰⁰ اصول عدم تبعیض و برابری از مهمترین و اساسی ترین اصول حقوق بشر می باشند. ماده 1 کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان اصطلاح «تبعیض علیه زنان» را چنین تعریف می نماید: قابل شدن هر گونه وجه تمایز، قایل شدن استثناء یا محدودیتی بر اساس جنسیت است که به رسمیت شناختن آزادیهای اساسی زنان، حق بهره وری و رعایت حقوق بشر در مورد آنها در زمینه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و مدنی یا سایر موارد بدون توجه به وضعیت تاهل آنها و مساوات حقوق زن و مرد خلل و آسیب وارد آورد.

²⁰¹ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، ماده 2.

²⁰² کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، ماده 5(a).

اقدامات لازم و مقتضی را در جهت حذف تبعیض علیه زنان در تمام موارد که مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی می شوند، انجام دهند و به ویژه امور زیر را بر مبنای برابری حقوق مردان و زنان تضمین کنند:

- a. داشتن حق یکسان برای (عقد) ازدواج؛
- b. داشتن حق آزادانه و یکسان برای انتخاب همسر و (عقد) ازدواج بر پایه رضایت آزاد و کامل دو طرف؛
- c. داشتن حقوق و مسئولیت های یکسان در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن (جدایی)...
- h. داشتن حقوق یکسان برای هر یک از زوج ها در رابطه با مالکیت، حق اکتساب، مدیریت، سرپرستی، بهره برداری و اختیار اموال خواه رایگان باشد و یا هزینه ای در برداشته باشد.

دولت افغانستان با ممانعت از حق زنان مبنی بر برابری در طلاق که سرنوشت اکثر زنان را به ازدواج های خشن محکوم می کند، نتوانسته است تلاش های مقتضی را در جهت جلوگیری، تحقیق و مجازات خشونت علیه زنان که صحت و زندگی آنها را به خطر می اندازد، انجام دهد. خشونت خانوادگی زنان را از اعمال سایر حقوق شان نیز باز می دارد. به گفته کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، «خشونت مبتنی بر جنس نوعی از تبعیض است که به شدت از توانایی زنان برای اعمال و استفاده از حقوق و آزادی های برابر،» از جمله حق استفاده از خدمات صحتی معیاری به گونه برابر با مردان مانع می شود.²⁰³

مسأله چگونگی تشخیص وقوع یا عدم وقوع تجاوز جنسی، موضوع مهمی که تقریباً توسط سیستم عدلی و قضایی افغانستان نادیده گرفته شده است، توسط یک گروه از متخصصان ملل متحد در گزارشی راجع به «رویه های خوب قوانین مربوط به خشونت علیه زنان» به شکل مفصل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. گزارش پیشنهاد می کند که قوانین مربوط به خشونت جنسی باید مفهوم رضایت را با بررسی این امر که آیا عمل خشونت تحت «شرایط اکراه و اجبار» صورت گرفته است یا خیر، جایگزین نماید. چون این رویکرد با وضعیت موجود در افغانستان که زنان در آن با محدودیت های زیادی مواجه اند، سازگاری بیشتر دارد.²⁰⁴

میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

(ICESR – International Covenant on Economic, Social, and Cultural Rights)

همانطوریکه تجارب زنان و دختران (که جهت ترتیب این گزارش با آنها مصاحبه شده است) نیز نشان می دهد، دولت افغانستان با کوتاهی در امر مبارزه موثر با خشونت علیه زنان، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نقض نموده است. ماده 12 میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر می دارد که هر کس حق دارد از «خدمات صحتی معیاری» برخوردار گردد.²⁰⁵ حکم مزبور شامل تکلیف دولت مبنی بر حمایت از زنان و دختران در برابر رفتار های خشونت آمیز نیز می گردد. نقض میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شامل موارد آتی می گردد، «عدم تنظیم فعالیت های افراد، گروه ها یا موسسات جهت ممانعت آنها از نقض حق صحت دیگران» و «عدم حمایت از زنان در برابر خشونت یا عدم تعقیب مرتکبین همچو جرایم».²⁰⁶

²⁰³ کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، توصیه نامه عمومی شماره 19، فقرات 1، 7.

²⁰⁴ گروه متخصصان ملل متحد، «رویه های خوب در قوانین مربوط به خشونت علیه زنان»، دفتر ملل متحد در وینا، می 2008.

http://www.un.org/womenwatch/daw/egm/vaw_legislation_2008/Report%20EGMGPLVAV%20

(final%2011.11.08).pdf (accessed February 22, 2012), p.28.

²⁰⁵ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده 12(1).

²⁰⁶ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، «تبصره عمومی 14، حق برخورداری از خدمات صحتی معیاری»، U.N. Doc.

E/C.12/2000/4 (2000), para. 51

کنوانسیون حقوق اطفال

(CCR – Convention on the Rights of the Child)

سوء رفتارهای مندرج در این گزارش که علیه دختران قربانی ازدواج های زود هنگام صورت می گیرد، به شمول آسیب های جسمی و روحی، بی توجهی و حاملگی در سنین خیلی پایین، موجب نقض تعهدات افغانستان نسبت به مفاد کنوانسیون حقوق اطفال می گردد. تعهدات مذکور عبارت اند از: حمایت از اطفال در برابر سوء استفاده و استثمار فیزیکی، روحی و جنسی از طریق قانونگذاری و سایر تدابیر اجتماعی و تعلیمی. البته ناگفته نباید گذاشت که تکلیف دولت دایر بر حمایت از اطفال در برابر خشونت، شامل حمایت از آنان در برابر رفتار والدین و سایر سرپرستان قانونی وی نیز می گردد.²⁰⁷

همچنین کوتاهی دولت در اتخاذ اقدامات موثر برای رسیدگی به دامنه وسیع ازدواج های اجباری، نقض تعهدات دولت افغانستان در چهارچوب قوانین و مقررات بین المللی تلقی می گردد. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر دو حق ازدواج بر اساس «رضایت کامل و آزادانه» زوجین را به رسمیت می شناسند.²⁰⁸ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان نیز به صراحت بر برابری حق زنان و مردان در انعقاد عقد نکاح و انتخاب آزادانه همسر تاکید می ورزد.²⁰⁹

ازدواج زود هنگام (ازدواج اطفال) نیز به موجب قوانین بین المللی یکی از موارد نقض حقوق بشر به شمار می رود. از آنجاییکه اکثر قربانیان ازدواج های زود هنگام اطفال دختر می باشند، این قسم ازدواج را می توان نوعی از تبعیض مبتنی بر جنس دانست که سایر اصول حقوق بشر را نقض می نماید. کنوانسیون حقوق اطفال به صراحت به موضوع ازدواج اطفال نمی پردازد، ولی با انهم ازدواج اطفال با مفاد شماری از مواد کنوانسیون مزبور سازگاری ندارد. کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان با صراحت بیان می کند که ازدواج یا نامزدی اطفال هیچ اثر حقوقی یا قانونی ندارد.²¹⁰

در حقوق بین الملل اتفاق نظر وجود دارد که باید تکمیل 18 سال به عنوان حد اقل سن ازدواج تعیین گردد. کمیته هایی که کنوانسیون حقوق اطفال و کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان را تفسیر می کنند، توصیه نموده اند که سن 18 سال باید به عنوان حد اقل سن ازدواج برای پسران و دختران، قطع نظر از رضایت والدین شان، تعیین گردد.²¹¹ به منظور حمایت از اطفال دختر در مقابل اثرات صحت منفی ناشی از ازدواج زود هنگام مثل حاملگی و ولادت قبل از وقت و نیز تضمین اینکه دختران تعلیم و تحصیل شان را تکمیل می نمایند، کمیته های مذکور بر اهمیت تاخیر در ازدواج تاکید نموده اند.²¹²

ازدواج زود هنگام عواقب صحت ناگوار را برای اطفال دختر به بار می آورد و به میزان خیلی بالایی مرگ و میر اطفال و مادران در افغانستان می افزاید. کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ملاحظه نموده است که در کشور های متعدد، بین میزان بالای مرگ و میر مادران و ازدواج های زود هنگام یک رابطه علت و معلولی وجود

²⁰⁷ کنوانسیون حقوق طفل، ماده 19.

²⁰⁸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده 3، و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده 10.

²⁰⁹ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، ماده 16.

²¹⁰ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، ماده 16(2).

²¹¹ کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، «توصیه نامه عمومی شماره 21، برابری در ازدواج و روابط خانوادگی»، (سیزدهمین نشست، 1994)، فقره 36؛ کمیته حقوق طفل ملل متحد، «تبصره عمومی شماره 4، صحت نوجوانان و انکشاف در چهارچوب کنوانسیون حقوق طفل»، (سی و سومین نشست، 2003)، فقره 20.

²¹² همانجا.

دارد.²¹³ کمیته حقوق طفل در سال 2003 از دولت ها خواست که به خاطر حمایت از زنان در برابر عرف و عادات مضر و ناپسند به شمول ازدواج های زود هنگام که زنان و دختران را از حق داشتن صحت باروری و جنسی مناسب محروم می سازد، «اقدامات پیشگیرانه، تشویق آمیز و اصلاحی» را انجام دهند.²¹⁴

همچنین ازدواج زود هنگام یکی از مهمترین عواملی است که در کاهش سطح بسیار پایین شمولیت در مکاتب نقش دارد و این امر به خصوص در مورد سطح لیسه ها در بین دختران و سطح سواد آموزی در بین زنان صدق می کند. حق برخورداری از تعلیم بدون تبعیض در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون حقوق طفل مورد تاکید قرار گرفته است.²¹⁵ کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ملاحظه نموده است که ازدواج زود هنگام و حاملگی قبل از وقت مانع از دسترسی زنان به تعلیم و تربیه می شود و یکی از دلایل اساسی بازماندن دختران از مکاتب به شمار می رود.²¹⁶

شماری از زنان و دختران که جهت ترتیب این گزارش با آنها مصاحبه صورت گرفت، بنابر مشکلاتی که به گفته خود آنها ناشی از ناتوانی شان در قسمت تهیه اسناد مربوط به نکاح و حالت طلاق بوده است، محبوس گردیده بودند. «کنوانسیون مربوط به اخذ رضایت در ازدواج، تعیین حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج ها» در این زمینه تصریح می کند که تمامی ازدواج ها باید توسط یک مرجع باصلاحیت به ثبت برسد.²¹⁷ کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و کمیته حقوق طفل نیز دولت های عضو را ملزم نموده اند تا ثبت ولادت ها و ازدواج ها را اجباری سازند و تدابیر لازم را جهت تطبیق آن اتخاذ نمایند.²¹⁸ کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان استدلال نموده است که «دوام سنت ازدواج زود هنگام [...] می تواند با عدم ثبت ولادت ها بیش از پیش دوا مدار گردد.»²¹⁹

²¹³ به عنوان مثال مراجعه کنید به: کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، «ملاحظات پایانی کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، نجریه»، 8 جولای 2008،

²¹⁴ کنوانسیون حقوق طفل، تبصره عمومی شماره 4، فقره 21.
²¹⁵ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده 13؛ کنوانسیون حقوق طفل، ماده 28.
²¹⁶ به عنوان مثال مراجعه فرمایید به: کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، «ملاحظات پایانی کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، یوگاند»، 22 اکتوبر 2010، فقره 31،
²¹⁷ کنوانسیون حقوق طفل، تبصره عمومی شماره 4، فقره 21.
²¹⁸ به عنوان مثال مراجعه کنید به: کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، «ملاحظات پایانی کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، پاپوا نیو گینا»، 30 جولای 2010،
²¹⁹ کنوانسیون حقوق طفل، تبصره عمومی شماره 4، فقره 21.

²¹⁴ کنوانسیون حقوق طفل، تبصره عمومی شماره 4، فقره 21.
²¹⁵ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده 13؛ کنوانسیون حقوق طفل، ماده 28.
²¹⁶ به عنوان مثال مراجعه فرمایید به: کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، «ملاحظات پایانی کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، یوگاند»، 22 اکتوبر 2010، فقره 31،

(accessed March 18, 2012) <http://www2.ohchr.org/english/bodies/cedaw/docs/co/CEDAW-C-UGA-CO-7.pdf>
²¹⁷ کنوانسیون مربوط به «اخذ رضایت در ازدواج، تعیین حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج ها»، 521 U.N.T.S.231, entered into force/Dec 9, 1964, art.3.
²¹⁸ به گونه مثال مراجعه کنید به: کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، «ملاحظات پایانی کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، پاپوا نیو گینا»، 30 جولای 2010،

(accessed March 4, 2012), paras. 49 and 50.
²¹⁹ کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، «ملاحظات پایانی کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، اتیوپی»

CEDAW/C/ETH/4-5, January 2004, <http://www2.ohchr.org/english/bodies/cedaw/docs/co/EthiopiaCO30.pdf> (accessed March 8, 2012), para. 253.

VI. پیشنهادات

به رئیس جمهور افغانستان

- صادر نمودن یک فرمان اجرایی مبنی بر اینکه طبق قوانین افغانستان با قضایای "فرار از منزل" نباید به حیث جرم برخورد صورت گرفته و خاطرنشان ساختن اینکه تمام افرادی که در حال حاضر به اتهام ارتکاب جرم "فرار از منزل" محکوم گردیده اند و یا در آینده محکوم خواهند شد، مورد عفو قرار گیرند.
- دادن هدایت به وزارت عدلیه مبنی بر اینکه مقررات مربوط به "زنا" در قوانین افغانستان را تعدیل نموده و این مقررات را با تعهدات حقوقی افغانستان در سطح بین المللی هماهنگ سازد. همکاری با پارلمان در راستای تصویب تعدیلات ایجاد شده در مقررات مربوط به زنا.
- فرستادن مسوده جدید قانون خانواده به پارلمان و حصول اطمینان از اینکه تمام احکام تبعیض آمیز موجود در قانون مدنی فعلی توسط قانون جدید خانواده تعدیل و اصلاح گردد. همکاری با پارلمان در راستای تصویب قانون جدید خانواده به شکلی که با مقررات و نورمهای بین المللی همخوانی داشته باشد.

به ستره محکمه

- ملغی ساختن مصوبات صادره سالهای 2010 و 2011 میلادی جهت جرم ساختن "فرار از منزل" و جایگزین ساختن آن با مصوبه جدیدی که "فرار از منزل" را جرم ندانسته و آنرا طبق ماده 130 قانون اساسی قابل مجازات نداند.
- تازمانیکه قوانین و مقررات افغانستان اصلاح و تعدیل میگردند، تمام دوسیه های مربوط به "جرائم اخلاقی" را مجدداً از نقطه نظر خلاها و مشکلات مربوط به تطبیق درست قوانین شکلی به شمول محکومیت متهمین با فقدان دلایل الزام کافی، عدم توجه کافی به دفاعیه های متهمین، محکومیت براساس اعترافات اجباری مورد غور و بررسی قرار داده و تمام فیصله هایی را که بدون رعایت قوانین شکلی و موازین محاکمه عادلانه صادر گردیده اند، ملغی نماید. ستره محکمه باید دوسیه های تمام افرادی را که به اتهام ارتکاب "جرائم اخلاقی" تحت توقیف قرار داشته و یا محبوس اند تدقیق نموده و دوسیه های اطفال (افراد زیر سن 18 سال) تحت توقیف و یا محبوس را در اولویت قرار دهد. و همچنین ستره محکمه باید دوسیه های متهمین و محکومینی را که جهت رهایی از خشونت های فامیلی، خشونت جنسی و یا ازدواج های اجباری و زیر سن از منزل فرار نموده اند، را، در اولویت قرار دهد. ستره محکمه باید پروسه تدقیق و بررسی مجدد دوسیه ها را تا آخر سال 2012 میلادی تکمیل نماید.
- صادر نمودن مصوبه جدیدی مبنی بر اینکه محاکم نباید قضایای "جرائم اخلاقی" و یا سایر قضایای جزایی را بدون حضور وکیل مدافع مورد رسیدگی قرار داده و همچنین محاکم باید وکلای مدافع غیرحاضر و یا وکلای مدافعی که آمادگی لازم دفاع در محاکم را ندارند به مورد نظارت انجمن مستقل وکلای مدافع معرفی نماید.
- صادر نمودن رهنمودهای لازم برای قضات و توضیح دادن مکلفیت های آنان به موجب ماده های 7، 32، 38، 51 و 55 اصول محاکمات جزایی موقت و خاطرنشان ساختن این امر که صرفاً معلومات و شواهدی که مطابق احکام ماده های فوق الذکر جمع آوری گردیده باشد، نزد محاکم مدار اعتبار بوده و در فیصله های محاکم قابل ذکر میباشد. "اعترافات" گرفته شده باید از نقطه نظر اجباری نبودن بررسی گردیده و صرفاً اعترافاتی مدار اعتبار میباشد که در حضور وکیل مدافع هنگام تحقیق اخذ شده باشد. به همین شکل، سایر اسناد و شواهد جمع آوری شده نیز صرفاً زمانی قابل اعتبار میباشد که به وکلای مدافع مربوطه هنگام جمع آوری آن جهت حضور اطلاع داده شده و به آنان اجازه حضور در جریان تحقیق

داده شده باشد. تنها معلومات که بدون در نظر داشت مفاد ماده های 38 و 55 اصول محاکمات جزایی جمع آوری گردیده و شامل اسناد و شواهد میگردد عبارت است از شهادت شهود و نظر اهل خبره که مطابق احکام ماده 51 اصول محاکمات مدنی اخذ میگردد. ادعاهایی محض که از طریق شهود و جرح شهود قابل اثبات نیستند، نباید طرف قبول محاکم قرار گیرند.

- تطبیق نمودن کامل احکام قانون تخلفات اطفال که این قانون تامین "منافع اطفال" را عامل تعیین کننده در رسیدگی به تخلفات اطفال میداند.
- توقیف اطفال زیر سن 18 سال باید به عنوان آخرین راه حل در نظر گرفته شده و توقیف باید برای کوتاه ترین مدت ممکن صورت گیرد.

به لوی خارنوالی

- صادر نمودن رهنمودهای لازم برای خارنوالان مبنی بر اینکه آنان نباید اشخاص را مطابق ماده 130 قانون اساسی تحت تعقیب جزایی قرار دهند.
- صادر نمودن رهنمودهای لازم برای خارنوالان مبنی بر اینکه از مظنونین باید صرفاً در حضور وکلای مدافع شان تحقیق صورت گیرد.
- صادر نمودن رهنمودهای لازم مبنی بر اینکه تاحد ممکن جهت تحقیق از زنان مظنون از خارنوالان طبقه انات کار گرفته شود.
- صادر نمودن رهنمودهای لازم برای خارنوالان و موظف ساختن آنان مبنی بر اینکه باید تمام ادعاهای جرمی ارتکاب یافته علیه زنان به موجب قانون منع خشونت علیه زنان و سایر قوانین را رسماً تحقیق نموده و اتهامات را به شکل قرارهای صادره همراه با اسناد و دلایل الزام وارد نماید. و همچنین خارنوالان موظف شوند تا قضایا را کاملاً تحقیق نموده و مشخص سازند که زنان متهم به ارتکاب جرایم اخلاقی جهت رهایی از خشونت فرار کرده اند و یا خیر.
- تا زمانیکه قوانین و مقررات مربوطه افغانستان اصلاح و تعدیل میگردند، با در نظر داشت تخلفات قانونی ای که در روند تحقیق و محاکمه قضایای "جرایم اخلاقی" صورت میگیرند و با در نظر داشت اینکه تخلفات صورت گرفته مخالف مفاد معاهدات بین المللی حقوق بشر میباشند، برای رسیدگی به قضایای "جرایم اخلاقی" فوراً یک "مهلت قانونی" را در نظر گرفته و روند رسیدگی را برای مدت معینی به تعویق اندازد. در نبود این مهلت قانونی، از رسیدگی به تخلفات اطفال (زیر 18 سال) در قضایای "جرایم اخلاقی"، قضایای زنان و دختران که ادعای متضرر شدن از خشونت های فامیلی، خشونت های جنسی، ازدواج های اجباری و زیر سن را دارند و یا قضایایی که در آن کارمندان موظف اجتماعی توصیه عدم رسیدگی را میکنند، اجتناب نماید.
- تطبیق نمودن کامل احکام قانون تخلفات اطفال که این قانون تامین "منافع اطفال" را عامل تعیین کننده در رسیدگی به تخلفات اطفال میداند.
- توقیف اطفال زیر سن 18 سال باید به عنوان آخرین راه حل در نظر گرفته شده و توقیف باید برای کوتاه ترین مدت ممکن صورت گیرد.
- صادر نمودن رهنمودهای لازم مبنی بر اینکه خارنوالان قبل از اینکه در خواست عدم رسیدگی به قضایا را که از جانب کارمند اجتماعی موظف وزارت کار و امور اجتماعی، شهادت و معلولین صورت میگیرد را رد نماید، باید موافقت شخص لوی خارنوال را حاصل کند.

به وزارت امور داخله

- تازمانیکه قوانین و مقررات مربوطه افغانستان اصلاح و تعدیل میگردند، با در نظر داشت تخلفات قانونی ای که در روند تحقیق و محاکمه قضایای "جرایم اخلاقی" صورت میگیرند و با در نظر داشت اینکه تخلفات صورت گرفته مخالف مفاد معاهدات بین المللی حقوق بشر میباشند، به پولیس هدایت دهد تا از تحقیق و یا تعقیب فعال قضایای مربوط به "جرایم اخلاقی"، مخصوصاً قضایای اطفال زیر سن 18 سال، قضایای زنان و دختران که ادعای متضرر شدن از خشونت را دارند، قضایایی که کارمند موظف اجتماعی خواهان عدم رسیدگی به آن شده است و یا قضایایی که در آن شخصی راپور مفقود شدن زن و یا دختری را داده ولی بعداً راپور خود را پس گرفته باشد، خود داری نماید.
- صادر نمودن رهنمودهای لازم برای موظفین پولیس مبنی بر اینکه تبعیضات جنسیتی (جندر) نباید بالای تصامیم پولیس از نطقه نظر میزان تعهد آنان نسبت به تعقیب قضایا به شمول قضایای "جرایم اخلاقی" اثرگذار باشد.
- صدور هدایات و دستورالعمل های کتبی مبنی بر اینکه انجام تحقیقات مقدماتی از متهمین زن باید توسط پولیس طبقه اناث صورت گیرد. و همچنین خاطرنشان ساختن این امر که تمام مظنونین جنایی صرفاً در حضور وکلای مدافع شان مورد پرس و جو قرارگیرند.
- افزایش تلاشها جهت استخدام و حفظ مامورین پولیس طبقه اناث از طریق راه اندازی کمپاین های لازم جهت استخدام پولیس زن و بهبود شرایط استخدام آنان.
- گماشتن موظفین پولیس زن در واحدهای پاسخ به مشکلات فامیلی.
- ایجاد و انکشاف پروگرام های آموزشی برای پولیس – مخصوصاً پولیس طبقه اناث راجع به خشونت های جنسی به شمول انجام تحقیق مقدماتی به روش های مناسب و ارزیابی و مستند سازی این امر که آیا روابط جنسی تحت تحقیق با رضایت صورت گرفته است و یاخیر.
- آموزش دادن موظفین پولیس مبنی بر اینکه آنان مکلف اند تا تمام معلومات مربوط به تمام قضایای خشونت و یا سایر جرایم احتمالی به موجب قانون منع علیه زنان را فوراً به خانونالان مربوطه راپور دهند.
- توقیف اطفال زیر سن 18 سال باید به عنوان آخرین راه حل در نظر گرفته شده و توقیف باید برای کوتاه ترین مدت ممکن صورت گیرد.

به وزارت امور زنان

- حمایت از "خانه های امن" و تلاش در جهت توسعه سیستم خانه های امن افغانستان به شمول محافظت کردن از این خانه ها. در صورتیکه امکان ایجاد خانه های امن در ولایت خاصی موجود نباشد، ایجاد میکانیزم های لازم جهت کمک به زنان متضرر از خشونت در آن ولایت تا بتوانند به خانه های امن ولایات دیگر به طور مصئون انتقال داده شوند.
- حمایت از پروگرام های آگاهی دهی برای زنان محبوس - به مجرد که آنان حبس میگردند - در مورد اینکه اگر آنان نمیتوانند پس از سپری نمودن مدت حبس به شکل مصئون به خانه های شان برگردند، میتوانند به خانه های امن بروند.
- حمایت از پروسه ایجاد مراکز انتقالی بیشتر مخصوصاً برای زنان و دختران که جدیداً از محبس رها میگردند.
- حمایت از پروسه های مربوط به ارایه خدمات لازم برای زنان و دختران که به طور دایم قادر به بازگشت به خانه ها و فامیل های خویش نمیشوند. این خدمات شامل تهیه سرپناه امن که در آن زنان و دختران بتوانند فرصت های آموزشی و شغلی را تعقیب کنند و همچنین کمک های لازم جهت دسترسی به همچون فرصتها را دریافت نمایند، نیز میگردد.

به وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین

- ارتقای ظرفیت وزارت کار و امور اجتماعی جهت تهیه راپورهای تحقیقی اجتماعی در قضایای جزایی.
- تهیه همچون راپورها در تمام قضایایی که زنان و دختران در آن قضایا متهم به ارتکاب "جرایم اخلاقی" میباشند.

به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

- تقویت و توسعه قابل ملاحظه ای ظرفیت ها و امکانات کمیسیون مستقل حقوق بشر جهت کمک به زنان و دختران که مورد خشونت فامیل و یا اعضای خانواده خسر خویش قرار میگیرند.
- راه اندازی کمپاین های وسیع آگاهی عامه در سطح ملی با پیام های ذیل:
 - ازدواج های اجباری، ازدواج های زیر سن قانونی، خشونت های فیزیکی و مجبور ساختن به فحشاء جرم بوده و هرکسی که از جرایم متذکره متضرر گردیده باشند، میتوانند به کمیسیون مستقل حقوق بشر مراجعه نموده و خواهان کمک گردد.
 - زنان و دختران میتوانند جهت دریافت کمک با کمیسیون در تماس شده و در صورت لزوم خواهان کمک در قسمت راهنمایی و معرفی زنان به خانه های امن گردد.
 - زنان و دختران حق دارند که به محاکم مراجعه نموده و تقاضای تفریق کنند. و همچنین آنان حق دارند که پس از طلاق/تفریق سرپرستی اطفال شان را بر عهده داشته باشند. حضانت دختران که سن 9 سالگی را تکمیل نکرده باشد و پسران که سن 7 سالگی را تکمیل نکرده باشد به عهده مادر بوده و همچنین در صورتیکه مادر برای تامین منافع طفل بهتر تشخیص گردد، حضانت اطفال بالاتر از سنین فوق نیز به وی سپرده خواهد شد.
 - زنان و دختران میتوانند به مساعدت های حقوقی جهت دفاع از حقوق شان دسترسی داشته باشند. کمیسیون حقوق بشر میتواند آنان را جهت دسترسی به این خدمات راهنمایی و کمک نماید.
- بعد از آنکه قانون خانواده اصلاح و تعدیل گردیده و احکام تبعیض آمیز آن از میان بروند، راه اندازی کمپاین های آگاهی عامه به منظور آرایه معلومات جدید در مورد حقوق زنان شروع گردد.

به انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان

- وضع معیارها، رهنمودها و موازین مفصل برای وکلای مدافع جهت دفاع مناسب از موکلین شان. این رهنمودها شامل ضرورت اینکه وکلای مدافع در جلسات قضایی با آمادگی کامل اشتراک نمایند، نیز باید باشد.
- ایجاد پروگرام های آگاهی دهی از طریق پخش و نشر پوستر و اطلاعیه برای اشخاص محبوس در محابس و توضیح این مطلب که آنان چه توقعاتی میتوانند از وکلای مدافع شان داشته باشند. این اطلاعیه ها و پوسترها همچنین باید توضیح دهد که محبوسین باید کم کاریهای وکلای مدافع شان را در صورتیکه کارکردهای آنان طبق معیارها نباشد، به بورد نظارت انجمن مستقل وکلای مدافع گزارش دهد.
- یک پروسه ساده را جهت شکایت محبوسین از وکلای مدافع شان در صورتیکه وکلای مدافع به شکل حرفوی رفتار نکنند، ایجاد نماید.
- وضع رهنمودهای خاص برای وکلای مدافع که از قضایای زنان و دختران در موضوعات جزایی دفاع میکنند به شمول آرایه معلومات در مورد خشونت های جنسی، چگونگی انجام تحقیق از متضررین به شکل مناسب و چگونگی ارزیابی مسایل مربوط به رضایت و مستند سازی آن.

به سازمان ملل متحد و دونه‌های بین‌المللی

- تنفیذ قانون منع خشونت علیه زن، جلوگیری از تعقیب عدلی قضایای "فرار از منزل"، تعدیل قوانین و مقررات حاکم بر زنا و موضوعات فامیلی و تعدیل و اصلاح سایر قوانین اعمال‌کننده تبعیض علیه زنان را به عنوان مسایل کلیدی در مذاکرات و همکاری‌های سیاسی شان با حکومت افغانستان مطرح کنند.
- تعهدات جدید، درازمدت، اساسی و محسوسی را نسبت به حمایت از حقوق زنان در افغانستان از طریق حمایت‌های سیاسی، تخنیکی و اقتصادی متعهد شوند. اولویت‌های تحت پوشش همچون تعهدات باید شامل موارد ذیل گردد:
 - حمایت‌های دوامدار، قابل پیش‌بینی و درازمدت از "خانه‌های امن" به شمول توسعه و ارتقای ظرفیت سیستم خانه‌های امن کنونی و ایجاد خانه‌های امن "باز"، ایجاد خانه‌های مصئون برای زنان که از حبس‌رها می‌شوند و حمایت‌های درازمدت از زنان که به طور دایم قادر به بازگشت به فامیل‌های شان نمی‌باشند.
 - فراهم‌سازی مساعدت‌های حقوقی برای زنان و دختران در موضوعات فامیلی.
 - راه‌اندازی یک کمپاین دوامدار آگاهی‌عامه در سطح ملی جهت مشوره‌دهی به زنان و دختران در مورد حقوق‌شان به موجب قانون منع خشونت علیه زن و قانون فامیلی و توضیح اینکه چگونه اشخاص می‌توانند در چنین مسایلی کمک‌های لازم را بدست آورند.
 - ارائه خدمات اجتماعی و مشورت حقوقی برای زنان محبوس‌طوریکه هرزن و دختر بدانند که آنان مجبور نیستند که حتماً پس از سپری نمودن مدت حبس‌شان به خانه برگشته و مجدداً در معرض خشونت و یا تهدیدات مرگ قرار گیرند.
- تداوم حمایت از واحدهای پاسخ به مشکلات فامیلی و ځارنوالی‌های اختصاصی منع خشونت علیه زنان و ارتباط دادن این حمایت‌ها به انجام ارزیابی‌های مستقلانه جهت حصول اطمینان از اینکه میکانیزم‌های متذکره به اهداف شان نایل می‌گردند.
- ایجاد یک میکانیزم هماهنگی برای کشورهای مختلف جهت اتخاذ تدابیر لازم برای حفاظت از زنان به شمول پناهندگی دادن به تعدادی محدودی زنان و دختران که زندگی‌شان در داخل افغانستان با خطر مواجهه می‌باشد.

اظهار سپاس و امتنان

این گزارش توسط «هیدر بار» محقق بخش آسیایی دیده بان حقوق بشر که در افغانستان ایفای وظیفه می کند، تحریر گردیده است. گزارش هذا براساس تحقیقات انجام شده توسط هیدر بار به حیث محقق و زمان سلطانی به حیث دستیار محقق تهیه و تنظیم گردیده و توسط «براد آدمز» مسئول بخش آسیایی، «جیمز راس» مسئول بخش حقوقی و پالیسی، و «جوسیف ساندروس» معاون پروگرام دیده بان حقوق بشر تصحیح و ویرایش گردیده است. همچنین «بید شپیرد» محقق ارشد در بخش حقوق اطفال، «زیم کورسین- نیف» معاون بخش حقوق اطفال، «آرونا کشیپ» محقق بخش حقوق زنان، و «جنیت والش» معاون بخش حقوق زنان دیده بان حقوق بشر گزارش متذکره را مورد تجدید نظر قرار داده و نظرات شان را با ما شریک ساخته اند.

همکاری های تکنیکی در قسمت چاپ این گزارش توسط «جیک اسکوبی تال» و «شیوالینی پارمر» همکاران بخش آسیایی، «گریس چوی» مسئول نشرات، و «آیوی شین» دستیار تولیدات چند رسانه ای دیده بان حقوق بشر انجام داده است.

دیده بان حقوق بشر از همکاری های تعداد زیادی از متخصصین که معلومات شان را در اختیار ما قرار دادند، به شمول مقامات فعلی و قبلی حکومت افغانستان، مسئولین خانه های امن، فعالان حقوق زن، کارمندان اجتماعی و خدماتی، متخصصین حقوقی، کارمندان امدادی، مشاورین، مقامات سازمان ملل و آیساف، دیپلمات ها و مجامع تمویل کننده صمیمانه تشکر و قدردانی به عمل می آورد. همچنین از ارگانهای عدلی و قضایی افغانستان که به ما اجازه دادند که با محبوسین، افراد تحت بازداشت و مسئولین محابس مصاحبه نموده و بعضی از دوسیه های مربوطه را بررسی نماییم به طور خاص قدردانی می گردد. مراتب امتنان و قدردانی نهایی خویش را خدمت زنان و دختران که داستان های زندگی شان را با ما شریک ساختند و به ما اجازه دادند این داستانها را منتشر کنیم، تقدیم می کنیم.

"مجبور به فرار شدم"

حبس نمودن زنان و دختران به اتهام ارتکاب "جرایم اخلاقی".

سقوط حکومت طالبان امید واری های جدیدی را نسبت به حقوق زن در افغانستان به وجود آورد. در جریان ده سال پس از آن پیشرفت های قابل ملاحظه ای در این عرصه رونما گردیده است، اما زنان افغان هنوز از حقوق اساسی شان محروم می شوند. نمونه ای از این محرومیت ها، محبوس شدن حدود 400 زن و دختر به اتهام ارتکاب "جرایم اخلاقی" به اثر "فرار از منزل" (فرار از منزل بدون اجازه) یا "زنا" (روابط جنسی خارج از ازدواج) می باشد. این در حالی است که "فرار از منزل" به موجب قوانین افغانستان جرم نبوده ولی حکومت و محاکم افغانستان با دختران و زنان که از منزل فرار می کنند به حیث مجرم رفتار می کنند. زنا مطابق قوانین افغانستان جرم بوده و مجازات آن الی 15 سال حبس می باشد.

"مجبور به فرار شدم" عنوان راپوری است که بر اساس 58 مصاحبه انجام شده با زنان محبوس تهیه شده است. داستان های نهفته در عقب دستگیری های انجام شده بر اساس "جرایم اخلاقی" نشان دهنده این واقعیت است که این جرایم غالباً شامل حوادث مانند سوء استفاده های جنسی، ازدواج های اجباری و زیرسن، خشونت های فامیلی، تجاوز جنسی، اجبار به فحشاء، اختطاف و تهدید به قتل می باشد. زنان و دختران متهم به ارتکاب "جرایم اخلاقی" با نظام عدلی و قضایی ای روبرو است که در هر مرحله محاکمه در برابر آنان تبعیضات مبتنی برجنسیت را اعمال می کند. با وجود وضع قانون جدید منع خشونت علیه زنان در سال 2009 میلادی، اکثر زنان متضرر از خشونت محکوم به حبس های طولانی مدت میگردند درحالیکه مجرمین اصلی جنایات تحمیل شده بر آنان آزادانه به زندگی عادی شان ادامه می دهند. تعقیب عدلی "جرایم اخلاقی" نه تنها صدها زن و دختر محبوس را متضرر میسازد، بلکه به سایر قربانیان خشونت نیز این پیام را میدهد که آنان نه تنها در معرض انتقام گیری اعمال کنندگان خشونت قرار داشته بلکه توسط حکومت نیز که باید از آنان حمایت کند، مجازات خواهند شد.

همزمان با تصمیم جامعه بین المللی مبنی برکمرنگ ترساختن حضور آن در افغانستان، زنان افغان سرنوشت مبهمی را دربرابرشان مشاهده میکنند. حبس نمودن زنان و دختران به اتهام ارتکاب "جرایم اخلاقی" از یک طرف وضعیت زندگی دشوار زنان را در حال حاضر به تصویر کشیده و از طرف دیگر نشاندهنده آینده وحشتناکی است که در برابر زنان افغان قرار دارد. شرکای بین المللی افغانستان باید فوراً وارد عمل شده و اطمینان دهد که میراث بجا مانده از آنان مصونیت و حمایت بیشتر فیزیکی و قانونی از زنان و دختران افغان میباشد.

افغانستان فیروزی 2011: زنی در محبس ولایت پروان واقع شمال کابل از پنجره به طرف بیرون نگاه می کند. این خانم به اتهام ارتکاب جرم زنا پس از آنکه مرد همسایه به وی تجاوز نمود محکوم شده است. پسانتر، این زن طفل خود را در محبس به دنیا آورد.

© فرزانه وحیدی 2011.

